



درسهایی سرامون مهدویت



درسهایی پیرامون مهدویت

عنوان و نام پدیدآور	: درس‌هایی پیرامون مهدویت. گروه پژوهش ستاد شعبانیه.
مشخصات نشر	: قم. عطر عترت ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۱۱۳-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت:	کتابنامه
موضوع	: مهدویت. احادیث
موضوع	: فتن و ملاحم. احادیث
رده بندی گنجره	: BP۲۲۴/د۴۳ ۱۳۹۲
رده بندی دیوئی	: ۲۹۷/۴۶۲

درس‌هایی پیرامون مهدویت

گروه پژوهش ستاد مردمی شعبانیه

ناشر: عطر عترت

چاپ اول: بهار ۱۳۹۳

تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۳-۱۱۳-۴

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

تلفن پخش: ۰۹۱۳۰۰۹۳۰۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدخل

هیچ نقاش چیره دستی نمی تواند جمال عالم آرای یوسف زهرا را به تصویر بکشد.

هیچ تابلونگار توانمندی توان آن را ندارد که چهره پرفروغ آن نگارگریز پا را روی تابلو منعکس نماید.

هیچ نگارنده ای توان آن را ندارد که سیمای تابناک آن خورشید جهانتاب را بر صفحات زرین کتاب ترسیم نماید.

هیچ ثناخوان پرتوانی، توان مدیحه سرایی آن دُر دانه ی هستی را ندارد.

هیچ شاعر زبردستی نمی تواند اوصاف زیبای آن مهر فروزان را در قالب شعر درآورد.

از این رهگذر این نگارنده ی بی بضاعت، راهی جز اعتراف به عجز و ناتوانی خود در وصف آن رشکِ ملک، که حتی بادهانی به پهنای فلک، نتوان آن را ستود، ندارد.

حکمت بالغه ی حضرت احدیت ایجاب کرده که همه ی ویژگی های

جسمی و اخلاقی، خاتم اوصیا، یوسف زهرا، حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را توسط خاتم پیامبران، حضرت رسول اکرم ﷺ، به روشنی و شفافیت اطلاع رسانی کند.

همان گونه که ویژگی‌های جسمی، روحی و اخلاقی حضرت خاتم الانبیاء ﷺ را توسط پیامبران پیشین اطلاع رسانی نموده است.

قرآن کریم از این طلاع رسانی الهی در کتب آسمانی، به صراحت گزارش داده می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾؛^(۱)

آنان که به آنها کتاب داده‌ایم، او را می‌شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می‌شناسند.

در تورات، انجیل و دیگر کتاب‌های آسمانی، از اوصاف جسمی، ویژگی‌های سلوکی، بعثت، هجرت و اوصاف یاران آن حضرت، به روشنی و شفافیت سخن گفته که راه شک و تردید را بر همه‌ی اهل کتاب بسته است.^(۲)

یهود و نصاری‌ی عهد رسالت، نه تنها به این آیه‌ی شریفه، که از اطلاع رسانی بسیار گسترده‌ی حضرت احدیت پیرامون خاتم رسالت سخن گفته، اعتراض نکردند، بلکه در مواردی به صراحت به آن اعتراف کردند، که به شماری از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- پس از هجرت پیامبر اکرم به مدینه‌ی منوره، از عبدالله بن سلام

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۶؛ سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۲۰.

۲. سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۱۹؛ فیض کاشانی، الصافی، ج ۱، ص ۳۰۰.

پرسیدند: خداوند منان در قرآن کریم می فرماید:

«آنان که به آنها کتاب داده ایم، او را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود

را می شناسند»

تو هنگامی که او را دیدی، این سخن را چگونه یافتی؟

عبدالله بن سلام در پاسخ گفت:

هنگامی که من او را دیدم، او را با آن نشانی ها که در کتاب خود خوانده بودم، در میان یارانش شناختم، همان گونه که اگر فرزندم در جمع کودکان مشغول بازی باشد، او را در میان آنها خواهم شناخت.

به راستی من او را بیشتر از فرزندم می شناسم.^(۱)

۲- یک قیافه شناس از قبیله «هَوازِن» آن حضرت را در دو سالگی در نزد دایه اش «حلیمه ی سعديه» دید، فریاد برآورد: این کودک را بکشید، اگر او زنده بماند، همه ی بت ها را خواهد شکست.^(۲)

۳- کاهنی آن حضرت را در سنین کودکی دید، فریاد کشید: او را بکشید، اگر او به سنین بالا برسد، ریشه ی بت و بت پرستی را بر می کند.^(۳)

۴- پیامبر اکرم ﷺ هنوز به هشت سالگی نرسیده بود که یک اسقف نصرانی در کنار خانه ی خدا او را دید، از سر تا قدم به او نگریست، آنگاه به عبدالمطلب گفت: ما اوصاف پیامبری را از نسل اسماعیل در کتاب های خود می خوانیم، من

۱. ثعلبی، الکشف والبیان، ج ۲، ص ۱۳.

۲. ابونعیم، دلائل النبوة، ص ۱۶۰؛ حلبی، السیرة الحلیبة، ج ۱، ص ۹۶.

۳. حلبی، همان، ص ۱۰۰.

تردیدى ندارم که این کودک همان پیامبر موعود است.^(۱)

۵- پیامبر رحمت ۱۰ ساله بود که به اتفاق عمویش حضرت ابوطالب به سرزمین شام سفر کرد، در «بُصری» در کنار صومعه‌ی «بُحیرا» منزل کردند، هنگامی که چشم بحیرا به جمال مقدس آن حضرت افتاد، گفت: او سرور عالمیان است.^(۲) پرسیدند: از کجا او را شناختی؟ گفت: از «مُهر نبوت»^(۳) که پایین‌تر از ترمه استخوان شانه‌اش می‌باشد.^(۴)

۶- در همین سفر بود که سه تن از یهود به نام‌های: زرید، تمام و دبیس آن حضرت را شناسایی کردند و در صدد ترور آن حضرت برآمدند، بحیرا آن‌ها را به شدت نکوهش کرد و از حضرت ابوطالب خواست که آن حضرت را به سرعت از آن منطقه دور کند.^(۵)

۷- بحیرا که اعلم نصارای آن زمان بود^(۶) به حضرت ابوطالب گفت: دقیقاً مراقب برادرزاده‌ات باش، که اگر یهودیان او را ببینند، او را خواهند شناخت و در صدد برخواهند آمد که به او صدمه بزنند.^(۷) وی همچنین توصیه کرد که آن حضرت را به روم نبرد، زیرا اگر رومیان او را ببینند، خواهند شناخت و در صدد

۱. ابونعیم، همان، ص ۱۶۵، طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۲۰۳.

۲. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۵۵.

۳. در مورد «مُهر نبوت» ر.ک: ترمذی، شمائل النبی، ص ۳۲؛ سیوطی، الخصائص الکبری، ج ۱، ص ۱۰۱؛ حلبی، السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۹۸.

۴. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۵؛ ابونعیم، دلایل النبوة، ج ۱، ص ۱۷۱.

۵. ابونعیم، همان، ص ۱۷۰.

۶. ابن اسحاق، السیر والمغازی، ص ۷۳؛ ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۳۲۰.

۷. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۹.

قتل او پرخوانند آمد. (۱)

۸- پیامبر اکرم ﷺ ۲۵ ساله بود که در رأس کاروان بازرگانی حضرت خدیجه یک بار دیگر به سرزمین شام مسافرت نمود. هنگامی که به «بُصری» رسید، «نَسْطُور» راهب بزرگ دیر، به پایین آمد، سر تا سر وجود آن حضرت را مورد دقت و بررسی قرار داد، به «میسره» غلام خدیجه گفت: او همان پیامبر آخر الزمان و خاتم پیامبران است، ای کاش من ایام بعثت او را درک می‌کردم. (۲)

۹- میسره به هنگام بازگشت، سخنان «نسطور» را به پیوست مشاهدات خود به خدیجه گفت، حضرت خدیجه آن‌ها را با پسر عموی خود «ورقه بن نوفل» در میان گذاشت، ورقه گفت:

اگر اظهارات میسره درست باشد، محمد پیامبر این امت است. برای این امت پیامبری وعده داده شده، که اینک زمان بعثت او فرا رسیده است، او همان پیامبر موعود می‌باشد. (۳)

۱۰- در عصر رسالت ده‌ها تن از دانشمندان یهود و نصارا، به شخص پیامبر و یا اصحاب آن حضرت اظهار کردند که ما اوصاف او را در کتاب‌های خود دیده بودیم و بعثت او را انتظار می‌کشیدیم، اینک هیچ تردیدی نداریم که او همان پیامبر موعود تورات و انجیل می‌باشد. (۴) حضرت سلمان نیز از همین

۱. ابن عساکر، همان؛ ابونعیم، همان.

۲. ابن عساکر، همان، ص ۱۰؛ ابونعیم، همان، ص ۱۷۳؛ دیار بکری، تاریخ الخميس، ج ۱، ص ۲۶۲

۳. ابن هشام، السیرة النبویة ج ۲، ص ۱۰.

۴. برای مطالعه اعترافات شمار دیگری از فرزندان یهود و نصارا، ر.ک: سیوطی، الخصائص الکبری،

طریق به سوی آن حضرت رهنمون شده، به شرف اسلام مشرف شد^(۱). به طوری که خداوند در مورد خاتم انبیا در کتب آسمانی اطلاع رسانی کرده، در مورد خاتم اوصیا نیز در کتب آسمانی اطلاع رسانی کرده، در قرآن کریم از آن سخن گفته^(۲) توصیف دقیق اوصاف جسمی، روحی و سلوکی آن حضرت به طور صریح و شفاف، از پیامبر اکرم و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است، که به شماری از آنها در این کتاب اشاره خواهیم کرد.

۱. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۴۱-۴۹؛ شیخ صدوق، کتاب النبوة، ص ۳۳۸-۳۴۳؛ سیوطی، همان، ص ۳۳-۳۹.

۲. سوره‌ی انبیا، آیه‌ی ۱۰۵.

درس اول

سیمای موعود در آیین‌های احادیث اهل سنت

در احادیث فراوان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سیمای پرفروغ یوسف زهرا، خاتم اوصیا، حضرت مهدی علیه السلام را برای اصحاب ترسیم فرموده، که شماری از آنها را منحصراً از کتب پایه و مرجع اهل سنت در اینجا می‌آوریم:

۱. الْمَهْدِيُّ مِنِّي أَجَلَى الْجَبَّةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ؛

مهدی از من است، پیشانی‌اش بازو درخشان و بینی‌اش باریک و کشیده. (۱)

۲. الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، أَشَمُّ الْأَنْفِ، وَأَجَلَى؛

مهدی از ما اهل بیت است، دماغش کمانی، باریک، کشیده و نورانی است. (۲)

۳. الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي، أَشَمُّ الْأَنْفِ؛

۱. ابوداود، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۸۸ ح ۴۲۸۵؛ الخطابی، معالم السنن، ج ۲، ص ۳۴۴؛ گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۳؛ همو، کفایة الطالب، ص ۵۰۰؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۳۳؛ ابن اثیر، جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۴۹ ح ۷۸۱۳؛ ابن طلحه، مطالب السؤل، ص ۳۱۲؛ قرطبی، التذکره، ص ۶۱۵؛ حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۰؛ ابن قیم، المنار المنیف، ص ۱۴۴؛ عظیم آبادی، عون المعبود، ج ۱۱، ص ۳۷۵؛ خطیب تبریزی، مشکات المصابیح، ج ۳، ح ۵۴۵۴؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵؛ ابن حجر، الفتاوی الحدیثیة، ص ۳۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ مناوی، فیض القدیر، ج ۶، ص ۳۶۲؛ مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۴۹.

۲. حاکم، مستدرک صحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۳۳.

مهدی از ما اهل بیت است، مردی از اَمت من است که بینی‌اش کمانی است. (۱)

۴. الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ أَجَلَى الْجَبْهَةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ؛

مهدی مردی با پیشانی باز و گشاده، دماغی باریک و کشیده. (۲)

۵. لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ مِنْ عِثْرَتِي وَجُدًّا، أَفْرَقَ الثَّنَائِيَا، أَجَلَى الْجَبْهَةِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، يُفِيضُ الْمَالَ قَيْضًا؛

بی‌گمان خداوند مردی را از عترت من برخواهد انگيخت، که دندان‌هایش از هم جدا و پیشانی‌اش باز و نورانی خواهد بود. زمین را پر از عدل و داد نماید و ثروت را سیل آسا فروریزد. (۳)

۶. أَجَلَى الْجَبْهَةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، أَفْرَقَ الثَّنَائِيَا؛

پیشانی باز، دماغ باریک و کشیده و دندان‌ها از هم جدا می‌باشند. (۴)

۷. أَسْمَرُ الْعَيْنَيْنِ، بَرَّاقُ الثَّنَائِيَا، فِي خَدِّهِ خَالٌ؛

دیدگانش میشی و شب زنده‌دار، دندان‌ها برّاق و در گونه‌اش خال است. (۵)

۸. الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً، كَانَ وَجْهَهُ كَوَكْبٍ دُرِّيٍّ، فِي خَدِّهِ

الْأَيْمَنِ خَالٌ أَسْوَدٌ، عَلَيْهِ عَبَاءُ تَانِ قَطَوَانِيَّانِ، كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِي إِسْرَائِيلَ،

۱. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۰؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵.

۲. متقی هندی، البرهان فی علامات المهدي المنتظر، ص ۹۹؛ عظیم آبادی، عون المعبود، ج ۱۱، ص ۳۷۵.

۳. گنجی شافعی، البیان، ص ۸۳؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۱۶ و ۳۴؛ ابن قیم، المنار المنيف، ص ۱۴۷؛

ابن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۱۶۴؛ متقی هندی، البرهان، ص ۸۴؛ مقدسی، فرائد فوائد الفکر،

ص ۲۴۴، قندوزی، بتایع المودّة، ج ۳، ص ۲۶۳.

۴. ابن حجر، القول المختصر، ص ۲۷.

۵. مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۲، ص ۱۸۲.

يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرَكِ؛

مهدی از تبار من است، چهل ساله - به نظر می‌رسد - چهره‌اش چون ستاره‌های فروزان، در گونه راستش خال سیاهی هست، بر دوش او دو عبا سفید نازک است، گویی از مردان بنی اسرائیل (میان بالا) است. گنج‌ها را بیرون می‌آورد و بلاد شرک را فتح می‌کند. (۱)

۹. الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِّيِّ، أَلْوَنُ لَوْنِ عَرَبِيٍّ، وَالْجِسْمُ جِسْمٌ إِسْرَائِيلِيٍّ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ، وَالطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ؛

مهدی مردی از تبار من است، چهره‌اش چون ستاره‌های فروزان می‌درخشد، رنگش رنگ عربی - گندمگون - و اندامش اسرائیلی - میان بالا - می‌باشد. زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده باشد. در خلافت او اهل زمین و اهل آسمان، حتی پرندگان هوا خشنود می‌شوند. (۲)

۱۰. كَانَ مَرْبُوعَ الْقَامَةِ، حَسَنَ الْوَجْهِ وَالشَّعْرِ، أَقْنَى الْأَنْفِ وَأَجْلَى الْجَبْهَةِ؛

او راست قامت و متوسط قامه، زیباروی، زیباموی، با دماغی باریک و کشیده، با پیشانی بلند و گشاده است. (۳)

۱. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۴؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ص ۲۹۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۸؛ مقدسی، فرائد فوائد الفكر، ص ۲۴۶؛ قنوجی، الإذاعة، ص ۱۲۰.
۲. شیرویه، الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۴، ص ۲۲۱؛ گنجی شافعی، البيان، ص ۸۰؛ همو، كفاية الطالب، ص ۵۰۱؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۳۴؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۳۶؛ همو، الصواعق المحرقة، ص ۱۶۴؛ متقی هندی، البرهان، ص ۹۳؛ مقدسی، فرائد فوائد الفكر، ص ۲۴۱؛ ابن صباغ، الفصول المهمة، ص ۲۹۴؛ حمزاوی، مشارق الأنوار، ص ۱۱۲؛ حلوانی، القطر الشهدی، ص ۴۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۳؛ قندوزی، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۶۳.
۳. قرمانی، أخبار الدول و آثار الأول، ص ۱۱۷.

۱۱. يَقُومُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ عِترَتِي، شَابٌّ حَسَنُ الْوَجْهِ، أَقْنَى الْأَنْفِ؛

در آخر الزمان مردی از تبار من خروج می‌کند که جوانی زیباروی با دماغی باریک و کشیده است. (۱)

۱۲. الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛

مهدی طاووس بهشتیان است. (۲)

این بود دوازده نمونه از ده‌ها حدیث رسیده از حضرت ختمی مرتبت، پیرامون نشانه‌های ظاهری حضرت خاتم الأوصیاء، و اینک برای تکمیل بحث، چند نمونه از احادیث امیربیان، پیشوای پروا پیشگان، حضرت امیر مؤمنان علیه السلام، از منابع حدیثی اهل سنت تقدیم می‌شود:

۱۳- هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ، حَسَنُ الْوَجْهِ، يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبَيْهِ، يَغْلُو نُورُ وَجْهِهِ سَوَادَ شَعْرِهِ وَلَحْيَتِهِ وَرَأْسِهِ؛

او جوانی متوسط قامه و زیباروی است، که موهایش بر شانه‌هایش می‌ریزد، فروغ چهره‌اش بر موهای مشکی سر و صورتش نور افشانی می‌کند. (۳)

۱۴- رَجُلٌ أَجْلَى الْجَبِينِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، ضَخْمُ الْبَطْنِ، أَزِيلُ الْفَخْدَيْنِ، أَبْلَجُ الثَّنَائِبَا، بِفَخْدِهِ الْيَمْنَى شَامَةٌ؛

او مردی پیشانی گشاد، بینی کشیده، سینه ستبر، ران‌ها کم گوشت و از هم جدا،

۱. سلمی، عقد الدرر، ص ۳۹.

۲. شیرویه، همان، ص ۲۲۲؛ گنجی، همان؛ ابن صباغ، همان؛ شبلنجی، نور الأبصار، ص ۲۶۰.

۳. مقدسی، فرائد فوائد الفكر، ص ۲۴۸؛ الوسی، غالية المواعظ، ج ۱، ص ۷۷.

دندان‌ها بَرّاق، با خالی در ران راست می‌باشد. (۱)

۱۵- كَتُّ اللَّحْيَةِ، أَكْحَلُ الْعَيْنَيْنِ، بَرَّاقُ الثَّنَائِيَا، فِي وَجْهِ خَالٍ، أَقْنَى، أَجَلَى، فِي كَتْفِهِ عَلَامَةُ النَّبِيِّ، رَأَيْتُهُ مِنْ مَرْطَمَعَلَمَةٍ - مَخْمَلَةٍ -، سَوْدَاءَ مَرْبَعَةٍ، فِيهَا جَمَمٌ، لَمْ تُنْشَرْ مِنْذُ تُوْفِي النَّبِيَّ، وَلَا تُنْشَرُ حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ، يَمُدُّهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، يَضْرِبُونَ وُجُوهُ مَنْ خَالَفَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ، يُبْعَثُ وَهُوَ مَا بَيْنَ الثَّلَاثِينَ إِلَى الْأَرْبَعِينَ؛

محاسن شریفش پر پشت، دیدگانش سرمه کشیده (پلک‌ها مشکلی)، دندان‌ها بَرّاق، بینی‌اش ظریف و کشیده، پیشانی‌اش گشاد، بر شانه‌اش نشان پیامبر اکرم (شبيه مهر نبوت)، پرچمش از پارچه‌ای لطیف و بدون درز، نشاندار، تیره رنگ و چهار گوش، به حالت پیچیده و انباشته شده، از روزی که پیامبر اکرم وفات نموده، باز نشده و باز نمی‌شود تا روزی که مهدی ظهور کند.

خداوند او را با سه هزار فرشته یاری می‌کند.

آنها بر صورت و پشت مخالفان می‌زنند.

هنگامی که خداوند او را برانگیخته می‌کند، بین ۳۰ الی ۴۰ ساله به نظر می‌رسد. (۲)

در این بخش ۱۲ حدیث از اشرف کاینات و ۳ حدیث از پیشوای پروا پیشگان امیر مؤمنان علیه السلام، از منابع پایه و مرجع اهل سنت آوردیم، که در آنها سیمای دلربای جان جانان، حجت یزدان، قطب دایره عالم امکان، رمز بقای

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۸۸؛ گنجی شافعی، البیان، ص ۸۴؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۳۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۹؛ متقی هندی، البرهان، ص ۱۰۰؛ همو، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۰.

زمین و آسمان، حضرت صاحب العصر والزمان عجل الله فرجه، به صورت صریح و شفاف ترسیم شده است.

ویژگی‌های ظاهری آن حضرت، بر اساس احادیث یاد شده، در یک جمع‌بندی ساده و شفاف به این شرح است:

۱. جوانی زیباروی و دلربا

۲. چهره‌ای درخشان، نورافشان، همچون ستاره‌ای فروزان

۳. با خال مشکین فام بر گونه‌ی راست

۴. با موهایی زیبا و فروهشته بر شانه‌ها

۵. لاغر اندام و میان بالا

۶. با قامتی متوسط و استوار

۷. سپید و گندمگون

۸. با محاسن انبوه و پرپشت

۹. پلک‌ها مشکلی

۱۰. دیده‌ها میشی، سرمه کشیده و شب زنده‌دار

۱۱. دندان‌ها براق و از هم جدا

۱۲. پیشانی بلند و گشاده

۱۳. دماغ باریک، کشیده و کمانی

۱۴. ران‌ها کم گوشت و از هم جدا

۱۵. در سنینی به ظاهر ۳۰ الی ۴۰ ساله

۱۶. با عبایی سفید و نازک

۱۷. با مهر نبوت بر شانه

۱۸. با پرچمی به رنگ تیره، نشاندار، چهارگوش، از پارچه‌ای لطیف و بدون درز کمال‌الدین، محمد بن طلحه شافعی، متوفای ۶۵۲ ق. پس از نقل شماری از احادیث یاد شده و تصریح بر صحت سند آنها می‌نویسد:

همه این اوصاف را که به عنوان نشانه‌های ظاهری حضرت مهدی علیه السلام بیان شده، در وجود مقدس ابوالقاسم محمد، خلف صالح علیه السلام یافتیم و هرگز در شخص دیگری یافت نشده، پس لازم است که به وجود این اوصاف در وجود او اعتراف کنیم و صاحب این اوصاف را همان مهدی موعود بدانیم. (۱)

چکیده

خداوند متعال در کتب انبیای پیشین، ویژگی‌های ظاهری رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به طوری ترسیم کرده که سیمای دلربای پیامبر اکرم را هر شخص آشنا با متون عهد قدیم و عهد جدید مشاهده می‌کرد، او را به آسانی تشخیص می‌داد، چنان که منطق وحی از آن پرده برداشته می‌فرماید:

آنان که به آنها کتاب دادیم، او را می‌شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می‌شناسند. (۲)

خداوند متعال در مورد حضرت مهدی علیه السلام نیز ویژگی‌های ظاهری، جمال بی‌مثال، طراوت جوانی، خال‌هاشمی، مهر امامت و خصوصیات پرچم‌هدایت را نیز طوری بیان فرموده که هر کس آن امام همام را در دوران ظهور مشاهده کند، او را خواهد شناخت.

در این درس ۱۵ حدیث در این رابطه، منحصر از منابع اهل سنت، از کتب

۱. محمد بن طلحه، مطالب السؤل، ص ۳۱۴.

۲. سوره بقره، آیه ۱۴۶؛ سوره انعام، آیه ۲۰.

عَدَلًا، كَمَا مَلَيْتَ قَبْلَهُ جَوْرًا؛

رستاخیز برپا نمی‌شود تا هنگامی که مردی از اهل بیت من به قدرت برسد، که پیشانی‌اش گشاد و بینی‌اش باریک و کشیده است، زمین را پر از عدل نماید، آن گونه که پیش از او پر از ستم شده باشد.^(۱)

۳- و در حدیث دیگر فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، اسْمُهُ اسْمِي، وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا؛

مهدی از تبار من است، همنام و هم‌کنیه‌ی من می‌باشد، در سیرت و صورت از همه به من شبیه‌تر است.^(۲)

۴- و در حدیث دیگری فرمود:

كَأَنَّهُ رَجُلٌ مِنْ شَنْوَاءَ، عَلَيْهِ عَبَاءُ تَانِ قَطَوَانِيَّانِ؛

گویی او مردی از «شَنوَاءَه» می‌باشد که بر دوش او دو عبای سفید و نازک است.^(۳)

«شَنوَاءَه» منطقه‌ای در یمن است که قبیله «آزد» به آن‌ها منسوب‌اند^(۴) مردان این منطقه به زیبایی ضرب المثل هستند^(۵). و به کسی گفته می‌شود که به شدت از پلیدی اجتناب کند.^(۶) به عبای نازک و سفید «قَطوانی» گویند و قَطوان نام محلی در کوفه و محلّ دیگری در سمرقند می‌باشد.^(۷)

۱. همان، ص ۴۸۱، ح ۴۷۳.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷؛ بحرانی، غایة المرام، ج ۷، ص ۱۳۲.

۳. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

۴. یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۶۸.

۵. کامل سلیمان، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۲.

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۲۰۷.

۷. یاقوت، همان، ج ۴، ص ۳۷۵.

۵- و در حدیث دیگری فرمود:

الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِّيِّ، عَلَيْهِ جَلَابِيبُ التُّورِ؛

مهدی طاووس اهل بهشت است، صورتش چون ماه تابان است و اشعه‌های نور از آن ساطع است. (۱)

۶- پیامبر اکرم ﷺ در شب معراج انوار درخشان امامان معصومین را بر

ساقه‌ی عرش مشاهده کرد، اسامی آنها را یکایک بیان نمود و در مورد آخرین امام نور فرمود:

وَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ؛

حجة بن الحسن، آن امام قائم است که چون ستاره‌ای فروزان در میان آنها ایستاده بود. (۲)

۷- امیر بیان، پیشوای پروا پیشگان، در وصف آن نادره‌ی خلقت می‌فرماید:

هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ، حَسَنُ الْوَجْهِ، حَسَنُ الشَّعْرِ، يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبِهِ، وَ

يَغْلُو نُورٌ وَجْهَهُ سَوَادَ شَعْرِ لِحْيَتِهِ وَ رَأْسِهِ، يَا بِي ابْنُ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ؛

او جوانی متوسط قامه، زیباروی و زیباموی می‌باشد که موهایش بر شانه‌اش می‌ریزد و نور صورتش بر سیاهی موی سر و صورتش غلبه می‌کند، پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان باد. (۳)

۸- و در حدیث دیگری فرمود:

۱. حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۵۲۷.

۲. شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج ۱، ص ۴۷.

۳. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲؛ شیخ طوسی، الغيبة، ص ۴۷۰؛ ابن فتنال، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۳؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۴؛ اربلی، كشف الغممه، ج ۳، ص ۲۵۴؛ نیلی، منتخب الأنوار المضيئة، ص ۵۶؛ بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۳؛ شیخ حرز، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ، أَيْبُضُ اللَّوْنِ، مُشْرَبٌ بِالْحُمْرَةِ،
مُبْدَحُ الْبَطْنِ، عَرِيضُ الْفَخِذَيْنِ، عَظِيمُ مُشَاشِ الْمُنْكَبَيْنِ، بَظْهَرِهِ شَامَتَانِ،
شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ، وَ شَامَةٌ عَلَى شِبْهِ شَامَةِ النَّبِيِّ؛

مردی از نسل من در آخر الزمان خروج می‌کند که رنگش سفید، آمیخته با سرخی است، سینه ستبر، ران‌ها پهن، استخوان شانه‌هایش درشت و در پشتش دو نشانی است:

(۱) نشانی به رنگ پوست

(۲) نشان دیگر همان نشان پیامبر (مهر نبوت).^(۱)

۹- و در حدیث دیگری فرمود:

وَ هُوَ رَجُلٌ أَجَلَى الْجَبِينِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، ضَخْمُ الْبَطْنِ، أَزِيلُ الْفَخِذَيْنِ،
بِفَخِذِهِ الْيُمْنَى شَامَةٌ، أَفْلَجُ الثَّنَائِيَا، وَيَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ
جَوْرًا؛

او مردی با پیشانی بلند، بینی کشیده، سینه ستبر، ران‌ها از هم جدا، با نشانی در ران راست و دندان‌ها از هم جدا می‌باشد. زمین را پر از عدالت کند، همان گونه که از جور و ستم پر شده است.^(۲)

۱۰- امام باقر علیه السلام در وصف آن در دانه‌ی خلقت می‌فرماید:

مُشْرِفُ الْحَاجِبِينَ، غَائِرُ الْعَيْنِينَ، بِوَجْهِهِ أَثَرٌ؛

ابروهایش کمانی، دیدگانش بر گودی نشسته، در چهره‌اش نشانی (خال)ی

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۲۹۴؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۵.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۱۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۰ و ۱۳۱.

است. (۱)

۱۱- در حدیث دیگری فرمود:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ، وَ هُوَ رَجُلٌ آدَمُ؛

مهدی علیه السلام مردی از فرزندان فاطمه و مردی گندمگون می باشد. (۲)

۱۲- و در مورد امامت آن حضرت در سنین کودکی فرمود:

صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ أَصْغَرُنَا سِنًا وَ أَخْمَلُنَا شَخْصًا؛

صاحب این امر از نظر سنی از همه‌ی ما کوچک‌تر و از جهت شخص از همه‌ی ما کم‌آوازه‌تر می باشد. (۳)

نعمانی در شرح این حدیث شریف می نویسد: حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در میان امامان از همه‌ی آنها در سنین کمتری به امامت رسیده است، زیرا هنوز بیش از پنج بهار از عمر شریفش سپری نشده بود که به امامت رسید. (۴)

۱۳- و در مورد امامتش در کنهسالی می فرماید:

وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ يُونُسَ بْنِ مَتَّى، فَرُجُوعُهُ مِنْ غَيْبَتِهِ وَ هُوَ شَابٌّ بَعْدَ كِبَرِ
السَّنِّ؛

اما شباهت آن حضرت به یونس به متی، بازگشت او از غیبت بانشاط جوانی پس از کنهسالی می باشد. (۵)

۱. حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۵۲۶.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۸۷؛ شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۳.

۳. طبری، دلائل الامامة، ص ۴۸۱؛ علامه مجلسی، همان، ص ۲۸ و ۴۲.

۴. نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۴.

۵. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷؛ نیلی، منتخب الانوار المصیئة، ص ۳۰۸؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۱۴- رئیس مذهب، امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

وَإِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلِيَّةِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًا وَهُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا
كَبِيرًا؛

یکی از بزرگترین آزمون‌های الهی آن است که صاحب آن‌ها به سیمای جوانی
ظهور کند، در حالی که آن‌ها او را پیرمردی کهنسال می‌پندارند. (۱)

۱۵- در حدیث دیگری فرمود:

لَوْ قَدَّامَ الْقَائِمِ لَأَنْكَرَهُ النَّاسُ، لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا مُوَفَّقًا، لَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ
إِلَّا مَنْ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ فِي الذَّرِّ الْأَوَّلِ؛

هنگامی که قائم ما قیام کند، برخی از مردمان او را انکار می‌کنند، زیرا او به
صورت جوانی بانشاط برمی‌گردد، بر اعتقاد به آن حضرت باقی نمی‌ماند،
جز کسانی که خداوند در عالم ذر نخستین از آن‌ها پیمان گرفته باشد. (۲)

۱۶- امام رضا علیه السلام در وصف جمال آن حضرت فرمود:

عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ، تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ الْقُدْسِ؛

بر چهره‌اش مشعلی از نور است که از انوار قدسی مشتعل است. (۳)

۱۷- رسول اکرم صلی الله علیه و آله در همین رابطه فرمود:

بِأَبِي وَأُمِّي وَسَمِيِّ وَشَبِيهِ وَشَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ،
يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ؛

پدر و مادرم فدای او باد، که همنام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران
است که هاله‌ای از نور گرداگرد او را فرا گرفته است، که از اشعه‌ی انوار

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۹؛ مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۲۸۷.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۸ و ۲۱۱؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۲۰؛ نیلی، همان، ص ۳۲۹.

۳. حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۵۲۵.

قدسی شعله ور می باشد. (۱)

۱۸- حضرت علی بن موسی علیه السلام فرمود:

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِ، شَابَّ الْمَنْظَرِ، حَتَّىٰ إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لَيَحْسَبُهُ ابْنَ
أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا؛

نشانه آن حضرت این است که در کهنسالی به سیمای جوانی باشد، کسی که به او می نگرد، او را چهل ساله یا کمتر می پندارد. (۲)

۱۹- در حدیث دیگری در همین رابطه فرمود:

وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبَّانِ، قَوِيًّا
فِي بَدَنِهِ، حَتَّىٰ لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَىٰ أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا، وَلَوْ
صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَىٰ وَخَاتَمُ
سُلَيْمَانَ؛

قائم علیه السلام کسی است که به هنگام خروج در سن کهنسالی و در سیمای جوانی خواهد بود. او به قدری توان جسمی دارد که اگر دستش را به سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از ریشه و بن برمی کند و اگر در میان کوهها بانگ برآورد، صخره هایش فروریزد.

عصای موسی و انگشتری حضرت سلیمان با او خواهد بود. (۳)

۱. خزاز، کفایة الاثر، ص ۱۵۹.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲؛ راوندی، الخرائج والجوارح، ج ۳، ص ۱۱۷۰؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۵، نیلی، منتخب الأنوار المضية، ص ۷۰؛ شیخ حرّ، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

۳. شیخ صدوق، همان، ص ۳۷۶؛ طبرسی، همان، ص ۲۴۰؛ اربلی، کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۱۴؛ بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۹؛ نیلی، همان، ص ۳۴۵؛ شیخ حرّ، همان، ص ۴۷۸؛ مجلسی، همان، ص ۳۲۲.

۲۰- پیشوای ششم شیعیان در وصف جمالش فرمود:

مَقْرُونُ الْحَاجِبِينَ، أَقْنَى الْأَنْفِ؛

ابروهایش به هم پیوسته و بینی‌اش باریک و کشیده است. (۱)

از مجموع احادیثی که در این درس از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام پیرامون

ویژگی‌های ظاهری یوسف زهرا علیها‌السلام نقل کردیم، به این نتیجه می‌رسیم که

شاخصه‌های ظاهری آن حضرت چنین است:

- ۱- ابروها کمانی و به هم پیوسته
- ۲- استخوان شانه‌ها درشت
- ۳- امامت در سنین کودکی
- ۴- انگشتی حضرت سلیمان در دست
- ۵- به ظاهر ۲۰ الی ۴۰ ساله
- ۶- تأثیر نفس عجیب
- ۷- توان جسمی بی‌نظیر
- ۸- جوانی رعنا و رشید
- ۹- چهره‌ای بسیار نورانی چون ستاره‌ای درخشان
- ۱۰- پیشانی بلند و گشاده
- ۱۱- بینی باریک و کشیده
- ۱۲- دیدگان ژرف
- ۱۳- دندان‌ها زیبا و از هم جدا
- ۱۴- ران‌ها کم‌گوشت و از هم جدا

۱۵- زیباروی و زیباموی

۱۶- سرخ و سفید

۱۷- شبیه‌ترین انسان‌ها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱۸- عبای سفید بر دوش و عصای حضرت موسی در دست

۱۹- فرزند بهترین کنیزان

۲۰- گندمگون و متوسط القامه

۲۱- نشاط جوانی در عهد کهنسالی

۲۲- هاله‌ای از نور در گرداگرد سیما

چکیده

همه‌ی آنچه در درس نخستین از احادیث اهل سنت نقل کردیم، همه‌ی آنها را از ویژگی‌های ظاهری، توان جسمی، جمال بی مثال، امامت در سنین کودکی، نشاط جوانی در کهنسالی، نام پدر، مادر، مهر امامت، خال هاشمی، همراه داشتن ودایع نبوت و دیگر ویژگی‌هایی که هر کس در عصر ظهور به محضرش شرفیاب شود، او را با آن نشانه‌ها بشناسد، در ضمن ۲۰ حدیث، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام، از کتب حدیثی، از طریق اهل بیت علیهم السلام نقل کردیم.

با نگاهی گذرا به این احادیث، هیچ تردیدی نمی‌ماند در این که حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و دوازدهمین امام از امامان نور است و سخن از مهدی نوعی افسانه‌ای بیش نیست.

برای تحقیق بیشتر:

۱. کمال الدین و تمام النعمه، تألیف: شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق.
۲. الغیبه، تألیف: نعمانی، به سال ۳۴۲ ق.
۳. الغیبه، تألیف: شیخ طوسی، متوفای ۴۵۰ ق.
۴. بحار الانوار، تألیف: علامه مجلسی، جلد ۵۱، متوفای ۱۱۱۰ ق.
۵. نجم ثاقب، تألیف: میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ ق.

درس سوره

احادیث صحیحہ مہدوی از دیدگاه عامہ

بیش از ۲۰۰ جلد کتاب مستقل از سوی دانشمندان اهل سنت پیرامون حضرت ولی عصر ارواحنا فداه تألیف شده، که در آنها احادیث وارده از پیامبر اکرم ﷺ از طریق عامہ با اسناد مختلف نقل شده، بررسی سندی شده، پس از نقض و ابرام برخی به عنوان حدیث صحیح و حسن و برخی دیگر به عنوان ضعیف و غیر معتبر معرفی شده‌اند.

یکی از علمای بزرگ و هابی‌ها به نام: «دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی» موضوع مہدویت را موضوع رساله دکترای خود در دانشگاه ملک عبدالعزیز مکه مکرمه قرار داد، به سال ۱۳۹۸ ق. در دانشگاه ام القری مکه معظمه دفاع کرد، سپس آن را در دو جلد منتشر نمود:

۱. المہدی المتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحہ وأقوال العلماء وآراء

الفرق المختلفة

۲. الموسوعة فی أحادیث المہدی الضعیفة والموضوعة

مؤلف جمعاً ۳۳۸ حدیث از احادیث مہدویت را در این اثر گرانبهای خود آورده، آنها را بررسی سندی کرده، احادیث صحیحہ را در جلد اول و احادیث

ضعیفه را در جلد دوم آورده است.

ما در اینجا تعدادی از احادیث صحیحه را از جلد اول آن نقل می‌کنیم:

۱. علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُصْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ؛

مهدی از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح می‌کند. (۱)

بستوی این حدیث را از ۱۵ منبع معتبر نقل کرده (۲) سپس بررسی سندی

کرده و در پایان نتیجه گرفته که سند آن نیکو می‌باشد. (۳)

۲. ابوسعید خدری، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

**يُخْرِجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ، يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا
وَيُعْطَى الْمَالُ صَحاحاً، وَتَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ، وَتَعْظُمُ الْأُمَّةُ؛**

مهدی در پایان امت من خارج می‌شود، خداوند او را با بارش سیراب می‌کند،

زمین گیاهش را بیرون می‌فرستد. او مال را به طور صحیح عطا می‌کند، دام

فراوان شود و امت بزرگ گردد. (۴)

بستوی آن را از حاکم نیشابوری و متقی هندی روایت کرده (۵) اسنادش را

بررسی کرده و نتیجه گرفته که سندش صحیح است. (۶)

۱. بستوی، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحة، ص ۱۴۷.

۲. ابن ماجه، السنین، ج ۲، ص ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۵؛ احمد حنبل، المسند، ج ۱، ص ۸۴؛ ابن ابی شیبہ،

المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۹۰؛ بخاری، التاريخ الكبير، ج ۱، ص ۳۱۷؛ ابویعلی، المسند، ج ۱، ص

۳۵۹؛ ابونعیم، حلیة الأولیاء، ج ۳، ص ۱۷۷؛ همو، أخبار اصبهان، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳. بستوی، همان، ص ۱۵۷.

۴. همان، ص ۱۶۳.

۵. حاکم، المستدرک للصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۱۸۸.

۶. بستوی، همان، ص ۱۶۵.

۳. ابو سعید خدری از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده کہ فرمود:

يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، تُخْرِجُ الْأَرْضُ
نباتها وتُمطرُ السماءُ قطرها؛

مہدی در امت من خواهد بود... زمین را پر از عدل و داد می نماید، زمین گیاهش را بیرون می فرستد و آسمان باران خود را می بارد. (۱)

بستوی این حدیث را از طریق احمد حنبل، ابن ابی شیبہ و نعیم بن حماد روایت کرده (۲) سپس سند آنها را بررسی کرده و در پایان نتیجه گرفته کہ سند آنها نیکوست. (۳)

۴. جابر بن عبد الله انصاری، از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده کہ فرمود:

يَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ:
تَعَالَ صَلِّ بِنَا.

فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَهُمْ أَمِيرٌ بَعْضٍ، تَكْرِمَةً لِّلَّهِ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ؛

حضرت عیسی بن مریم فرود آید، امیر مردمان حضرت مہدی ﷺ می فرماید: بیا و نماز را اقامه کن.

حضرت عیسی ﷺ می فرماید: نه، برخی از این امت امام برخی دیگر است و این اکرام خدا به این امت است. (۴)

بستوی این حدیث را از ابن قیم جوزیه و ابونعیم اصفهانی روایت کرده،

۱. همان، ص ۱۷۶.

۲. احمد حنبل، المسند، ج ۳، ص ۲۶؛ ابن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۸۴.

۳. بستوی، همان، ص ۱۷۹.

۴. همان، ص ۱۸۰.

بررسی سندی نموده،^(۱) صحیح بودن سندش را اثبات کرده است.^(۲)

۵. ام سلمه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

المَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛

مهدی از عثرت من، از تبار فاطمه است.^(۳)

بستوی این حدیث را از ۱۳ طریق روایت کرده^(۴) اسنادش را بررسی

نموده، نیکو بودن سندش را اثبات نموده است.^(۵)

۶. امیر بیان حضرت علی علیه السلام در فرازی از حدیث مفصلی فرمود:

يَدْخُلُ فِيهِمْ، عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ بَدْرٍ، لَمْ يَسْبِقُهُمُ الْأَوْلُونَ وَلَا يَدْرِكُهُمُ

الْآخِرُونَ، وَعَلَى عَدَدِ أَصْحَابِ طَالُوتَ الَّذِينَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ؛

او در میان آنها وارد می‌شود با یارانی به تعداد اصحاب بدر، که هرگز نه

پیشینیان به مقام آنها رسیده‌اند و نه پسینیان به مقام آنها می‌رسند. و به تعداد

اصحاب طالوت که همراه او از نهر گذشتند.^(۶)

بستوی آن را از مستدرک حاکم روایت کرده^(۷) اسنادش را بررسی نموده، به

۱. ابن قیم، المنار المنيف، ص ۱۴۷؛ ابونعیم، أخبار المهدی، به نقل سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. بستوی، همان، ص ۱۸۲.

۳. همان، ص ۱۹۵.

۴. ابوداود، السنن، ج ۴، ص ۱۰۷؛ ابن ماجه، السنن، ج ۲، ص ۱۳۶۸؛ حاکم، المستدرک للصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ بخاری، التاريخ الكبير، ج ۳، ص ۳۴۶؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج ۲۳، ص ۲۶۷؛ ذهبی، تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۶۳.

۵. بستوی، همان، ص ۲۰۳.

۶. همان، ص ۲۰۶.

۷. حاکم، المستدرک للصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۴.

نیکو بودن نیند آن تصریح نموده است. (۱)

۷. یکی از اصحاب از رسول اکرم ﷺ روایت کرده که فرمود:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى يُقْتَلَ النَّفْسَ الزَّكِيَّةَ، فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ
غَضِبَ عَلَيْهِمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ، فَأَتَى النَّاسَ الْمَهْدِيَّ
فَزَفُوهُ كَمَا تُزَفُ الْعَرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا، لَيْلَةَ عُرْسِهَا، وَهُوَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ
قِسْطًا وَعَدْلًا، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ مِنْ نَبَاتِهَا، وَتَمْطِرُ السَّمَاءُ مَطَرَهَا، وَتَنْعَمُ
أُمَّتِي فِي وِلَايَتِهِ نِعْمَةً لَمْ تَنْعَمْهَا قَطُّ

مهدی عجل الله فرجه خروج نمی کند، جز هنگامی که نفس زکیه کشته شود. وقتی که
نفس زکیه کشته شود، ساکنان آسمان و ساکنان زمین خشمگین می شوند، پس
مردم به سوی مهدی عجل الله فرجه می آیند، او را همانند عروسی که در شب عروسی به
حجله داماد برده می شود، با اکرام و اجلال می برند.

او زمین را پر از عدل و داد کند، زمین گیاهش را بیرون می فرستد، آسمان
بارش خود را می بارد.

امت من در زمان ولایت او آن چنان در ناز و نعمت زندگی می کنند که هرگز
چنین ناز و نعمتی را ندیده اند. (۲)

بستوی این حدیث را از طریق ابن ابی شیبہ روایت کرده (۳) بررسی سندی

نموده، سندش را صحیح دانسته و همه ی رجالش را توثیق نموده است. (۴)

۱. بستوی، همان، ص ۲۰۸.

۲. همان، ص ۲۱۳.

۳. ابن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۹، ح ۱۹۹.

۴. بستوی، همان، ص ۲۱۴.

۸. از طریق عبدالله بن عمر روایت کرده که گفت:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ أَنْتُمْ أَسَعِدُ النَّاسِ بِالْمَهْدِيِّ؛

ای اهل کوفه! شما در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام خوشبخت‌ترین انسان‌ها هستید. (۱)
 بستوی این حدیث را از سه طریق روایت کرده (۲) بررسی سندی نموده،
 سندش را نیکو داشته است. (۳)

۹. از ابن سیرین روایت شده که گفت:

الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُوَ الَّذِي يَوْمُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ؛

مهدی از این امت است و او همان کسی است که بر عیسی بن مریم امامت
 می‌کند. (۴)

بستوی این حدیث را از دو طریق روایت کرده (۵) بررسی سندی کرده، همه
 رجالش را توثیق نموده، سندش را صحیح دانسته است. (۶)

۱۰. از ابن عباس روایت شده که گفت:

لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى تَطْلُعَ مَعَ الشَّمْسِ آيَةٌ؛

مهدی علیه السلام خروج نمی‌کند، جز هنگامی که همراه خورشید نشانه‌ای پدید
 آید. (۷)

۱. همان، ص ۲۱۵.

۲. ابن ابی شیبه، همان، ص ۶۷۸، ح ۱۸۹؛ ابو عمرو دانی، السنن، ج ۵، ص ۱۰۵۸؛ سیوطی، الحاوی
 للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۸.

۳. بستوی، همان، ص ۲۱۸.

۴. همان، ص ۲۱۹.

۵. ابن ابی شیبه، همان، ص ۶۷۹، ح ۱۹۵؛ میروزی، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴.

۶. بستوی، همان، ص ۲۲۰.

۷. همان.

بستوی این حدیث را از سه طریق روایت کرده،^(۱) بررسی سندی نموده، صحیح بودن سند و موثق بودن راویانش را اثبات نموده است.^(۲)

۱۱. ابراهیم بن میسرہ گوید: بہ طاووس گفتم: آیا عمر بن عبدالعزیز ہدایت یافتہ بود؟ گفت: آری، لکن آن مہدی موعود نبود، چون آن مہدی آید شخص نیکوکار بر نیکوکاری اش افزودہ شود و شخص تبہکار از تبہکاری اش توبہ کند. او مال را فراوان می بخشد، بر کار گزاران سخت می گیرد و بر بینوایان ترحم می کند.^(۳) بستوی آن را از چہار طریق روایت کردہ^(۴) سندش را بررسی نمودہ، سندش را نیکو یافتہ است.^(۵)

۱۲. قتادہ گوید: بہ سعید بن مسیب گفتم: آیا مہدی حق است؟ گفت: آری حق است. پرسیدم: از کیست؟ گفت: از قریش.

پرسیدم: از کدام تیرہ بنی قریش؟ گفت: از بنی ہاشم.

پرسیدم: از کدام تیرہ بنی ہاشم؟ گفت: از آل عبدالمطلب.

پرسیدم: از کدام شاخہ عبدالمطلب؟ گفت: از فرزندان فاطمہ.^(۶)

بستوی این حدیث را از چہار طریق روایت کردہ^(۷) بررسی سندی نمودہ،

۱. عبدالرزاق، المصنّف، ج ۱۱، ص ۳۷۳؛ مروزی، الفتن، ج ۱، ص ۳۳۲؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۲. بستوی، همان، ص ۲۲۱.

۳. همان، ص ۲۲۲.

۴. ابن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۹؛ مروزی، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۳؛ سیوطی، الحاوی للفتن، ج ۲، ص ۱۳۶.

۵. بستوی، همان، ص ۲۲۴.

۶. همان.

۷. ابو عمرو دانی، السنن، ج ۵، ص ۱۰۵۶ و ۱۰۶۰؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۲۳؛ ابن المنادی، الملاحم، ص ۱۷۹، ح ۱۲۱.

سندش را نیکو یافته است. (۱)

۱۳. امیر مؤمنان علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَنْتَلِهَا
عَدْلًا كَمَا مُلِثَتْ جَوْرًا؛

اگر از روزگار جز یک روز نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا
برمی‌انگیزاند، تا جهان را پر از عدل کند، همان‌گونه که پر از ستم شده
است. (۲)

بستوی این حدیث را از چهار طریق روایت کرده، (۳) اسنادش را بررسی
نموده، صحت سندش را اثبات کرده است. (۴)

۱۴. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَ إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ؛

چگونه می‌شود حال شما هنگامی که پسر مریم در میان شما فرود آید و امام
شما از خود شما باشد. (۵)

این حدیث را بستوی از ۱۱ طریق نقل کرده (۶) اسناد آنها را بررسی نموده،
پس از اطمینان از صحت سند، از حافظ ابوالحسن آبری نقل کرده که گفته است:

۱. بستوی، همان، ص ۲۲۶.

۲. همان، ص ۲۳۳.

۳. ابوداود، السنن، ج ۴، ص ۱۰۷؛ احمد حنبل، المسند، ج ۱، ص ۹۹؛ ابن ابی شیبه، المصنف، ج ۸، ص ۶۷۹؛ ح ۱۹۴؛ ابو عمرو دانی، السنن، ج ۵، ص ۱۰۴۵.

۴. بستوی، همان، ص ۲۳۸.

۵. همان، ص ۲۷۹.

۶. البخاری، الصحیح، ج ۴، ص ۲۰۵؛ مسلم، الصحیح، ج ۱، ص ۱۳۶؛ احمد حنبل، المسند، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ابن منده، الایمان، ج ۲، ص ۵۱۶؛ ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۹۱.

روایات متواتر است در این کہ مہدی از این امت است و عیسی علیہ السلام در پشت سر او نماز خواهد خواند. (۱)

آنگاہ از ابن حجر عسقلانی نقل کردہ کہ گفتہ است:

نماز خواندن حضرت عیسی پشت سر مردی از این امت، در آخر الزمان و در نزدیکی رستاخیز، دلالت روشن دارد بر این کہ زمین ہرگز خالی از حجّت نخواہد بود و حتماً فردی کہ قیام بہ حجّت نماید، از سوی پروردگار وجود خواہد داشت و این صحیح ترین اقوال می باشد. (۲)

چند نکتہ:

(۱) بستوی در این کتاب ارزشمند «المہدی المتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحۃ» ۴۶ حدیث بہ عنوان حدیث صحیح نقل کردہ، کہ ما فقط ۱۴ حدیث از آنها را نقل کردیم.

(۲) بہ طوری کہ در آغاز درس یادآور شدیم بستوی از بزرگان و ہابیت می باشد و دو جلد از آثار چاپ شدہ ایشان بہ شرح زندگانی محمد بن عبدالوہاب اختصاص دارد. (۳)

(۳) چنان کہ در پاورقی آورده ایم، حدیث چہار دہم در کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم، با سند صحیح نقل شدہ است، پس آنچه مشہور شدہ کہ احادیث مہدویت در صحیحین نیامدہ، بی پایہ است.

۱. بستوی، همان، ص ۲۸۶، بہ نقل از آبری در مناقب الشافعی.

۲. ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۹۴.

۳. بستوی، همان، ص ۴۳۲.

(۴) آخرین فرازی که مؤلف از ابن حجر عسقلانی نقل کرده دلیل محکم و قاطعی بر حقانیت شیعه است که معتقدند باید همواره در روی زمین امام معصومی باشد و هرگز روی زمین باید خالی از حجت نباشد.

چکیده

برخی از معاندان تلاش کرده‌اند که احادیث مهدویت را ضعیف و غیر معتبر جلوه دهند و برخی از افراد نا آگاه نیز خیال می‌کنند که احادیث مهدویت فقط از نظر احادیث شیعه صحیح و قطعی می‌باشد، در حالی که بسیاری از بزرگان اهل سنت آنها را قطعی، مسلم، صحیح و معتبر دانسته‌اند.

ما در این درس کتاب ارزشمندی از یک شخصیت برجسته و دانشمند فرهیخته‌ی معاصر معرفی کردیم، که نه تنها از علمای اهل سنت، بلکه از علمای وهابی، اهل سعودی، استاد دانشگاه مکه‌ی معظمه می‌باشد و کتابش رساله‌ی دکترای اوست، که در دانشگاه ملک عبدالعزیز مکه آن را رایه داده و دفاع کرده است.

وی در این کتاب ۴۶ حدیث با سلسله اسنادش پیرامون حضرت مهدی عجل الله فرجه نقل کرده، بررسی سندی نموده، بر صحت سند، استواری متن و متواتر بودن محتوای آنها تأکید کرده است.

جالب‌تر این که این کتاب در مکه‌ی معظمه چاپ شده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الفتن، تألیف: نعیم بن حماد مروزی، متوفای ۲۲۹ ق.

۲. المصنّف، تألیف: ابن ابی شیبہ، متوفای ۲۲۵ ق.
۳. فتح الباری، تألیف: ابن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۲ ق.
۴. المہدی المنتظر، تألیف: عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی - معاصر -

درس چهارم

تواتر احادیث مهدویت

بسیاری از علمای عامه به صراحت اعلام کرده‌اند که احادیث مهدویت به حدّ تواتر رسیده است، که از آن جمله است:

۱. حافظ ابوالحسن محمد بن حسین آبری سجزی، متوفای ۳۶۳ ق. که در کتاب «مناقب الشافعی» می‌گوید:

اخبار متواتر و مستفیض است از رسول خدا ﷺ در مورد «مهدی» و این که مهدی از اهل بیت پیامبر است، هفت سال حکومت می‌کند^(۱) زمین را پر از عدل و داد می‌نماید و این که حضرت عیسی بیرون می‌آید و او را در کشتن دجال یاری می‌کند و آن حضرت بر امت اسلامی امامت می‌کند و عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌خواند.

بسیاری از علمای اهل سنت عین عبارت «آبری» را نقل کرده و تأیید نموده‌اند که از آن جمله است:

۱. بر اساس احادیث صحیح که با سند صحیح از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، مدت حکومت حضرت بقیه الله ارواحنا فداء پس از ظهور ۳۰۹ سال می‌باشد [شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۷۴؛ دلائل الامامة، ص ۲۴۱؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶؛ محدث بحرانی، حلیة الأبرار، ج ۲، ص ۵۹۸؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱]

۲. محمد بن احمد بن ابی بکر قرطبی، متوفای ۶۷۱ ق. (۱)
۳. جمال الدین، ابوالحجاج یوسف بن عبدالرحمن مزنی، متوفای ۷۴۲ ق. (۲)
۴. شمس الدین، محمد بن ابی بکر دمشقی، مشهور به: ابن قیّم جوزیه، متوفای ۷۵۱ ق. (۳)
۵. شهاب الدین، احمد بن علی عسقلانی، مشهور به: ابن حجر، متوفای ۸۵۲ ق. (۴)
۶. شمس الدین، محمد بن عبدالرحمن سخاوی، متوفای ۹۰۲ ق. (۵)
۷. جلال الدین، عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. (۶)
۸. شهاب الدین، احمد بن محمد مکی، مشهور به: ابن حجر هیتمی، متوفای ۹۷۴ ق. (۷)
۹. نورالدین، علی بن محمد سلطان، مشهور به: ملا علی قاری، متوفای ۱۰۱۴ ق. (۸)
۱۰. مرعی بن یوسف بن ابی بکر حنبلی، متوفای ۱۰۳۳ ق. (۹)

۱. قرطبی، التذکره، ج ۲، ص ۷۲۳؛ مختصر التذکره، ص ۱۷۴؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۸ ص ۱۲۲.
۲. مزنی، تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۵۹۶.
۳. ابن قیّم، المنار المنیف، ص ۱۴۲.
۴. ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۹۴.
۵. سخاوی، فتح المغیث، ج ۳، ص ۴۱.
۶. سیوطی، العرف الوردی، ص ۱۷۶؛ همو، الحاوی، ج ۲، ص ۱۶۵.
۷. هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۹۹.
۸. ملا علی قاری، رساله المهدی من آل الرسول، ص ۲۵.
۹. مقدسی کرمی، فراند فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر، ص ۲۳۲ و ۲۹۲.

۱۱. محمد بن عبدالرسول برزنجی، متوفای ۱۱۰۳ ق. (۱)
۱۲. ابو عبدالله محمد بن عبدالباقی زرقانی، متوفای ۱۱۲۲ ق. (۲)
۱۳. شمس‌الدین محمد بن احمد سفارینی، متوفای ۱۱۸۸ ق. (۳)
۱۴. محمد بن علی شوکانی، صاحب «نیل الأوطار» متوفای ۱۲۵۰ ق. که در این رابطه کتاب مستقلی نوشته و آن را «التوضیح فی نواتر ما جاء فی المهدی المتظر والدجال والمسیح» نامیده است. (۴)

شوکانی که مورد قبول همه علمای اهل سنت، به ویژه وهابی‌ها می‌باشد، در این کتاب می‌نویسد:

احادیث مهدی که در دسترس من بود، پنجاه حدیث می‌باشد، که در میان آن‌ها صحیح، حسن و ضعیف منجبر هست، که بدون شک و شبهه متواتر هستند و بر اساس اصطلاح اهل فن به کمتر از آن متواتر صدق می‌کند.

بسیاری از بزرگان عامه، این متن را از ایشان عیناً نقل کرده‌اند، که از آن جمله است:

۱۵. مولوی صدیق حسن خان قنوجی، متوفای ۱۳۰۷ ق. (۵)
۱۶. شیخ منصور علی ناصف، متوفای بعد از ۱۳۷۱ ق. (۶)

۱. برزنجی، الإشاعة فی أشراف الساعة، ص ۸۷ و ۱۸۹.

۲. زرقانی، شرح المواهب اللدنیة، به نقل کتانی در نظم المتناثر، ص ۱۴۵.

۳. سفارینی، لوائح الأنوار البهیة، ج ۲، ص ۸۰ و مختصر لوائح، ص ۳۴۳.

۴. شوکانی، البدر الطالع، ج ۲، ص ۲۲۲.

۵. قنوجی، الإذاعة، ص ۱۲۸، ۱۵۳، ۱۵۴ و ۱۶۵.

۶. ناصف، غایة المأمول، ج ۵، ص ۳۲۷.

۱۷. شیخ عبدالمحسن العباد، معاصر، استاد دانشگاه مدینه، (۱)
۱۸. شیخ محمد منتصر الکنانی، معاصر، مقيم مكه معظمه، (۲)
۱۹. استاد ناصر الدین الألبانی، معاصر، در «رسالة حول المهدي المنتظر» (۳)
۲۰. محمد أنور شاه کشمیری، متوفای ۱۳۵۲ ق. نیز کتابی در این رابطه تألیف کرده، آن را «التصريح بما تواتر في نزول المسيح» نام نهاده است.
- یکی از احادیثی که ایشان در کتاب نقل کرده، حدیث جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم ﷺ می باشد که فرمود:

مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ ﷺ؛

هر کس خروج مهدی ﷺ را انکار کند، به آنچه بر حضرت محمد ﷺ نازل شده، کافر شده است. (۴)

۲۱. شیخ محمد بن جعفر فاسی کتانی، متوفای ۱۳۴۵ ق. نیز در کتابی که در این زمینه تألیف کرده می نویسد:
- کوتاه سخن این که احادیث وارده پیرامون حضرت مهدی، خروج دجال و نزول حضرت عیسی متواتر می باشد. (۵)

۲۲. شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، مفتی اعظم عربستان سعودی، با استناد

۱. عباد، عقيدة أهل السنة والأثر في المهدي المنتظر، در ضمن مجلة الجامعة الإسلامية، چاپ دانشگاه مدینه، سال اول، شماره ۳، ۱۳۸۸ ق.

۲. کتانی، جزوة رابطة العالم الإسلامي.

۳. نسخه خطی این کتاب در کتابخانه دانشگاه ملک سعود، به شماره ۳۹۹۸ موجود است. [کتابنامه حضرت مهدی: ۱/۳۹۴] مجلة التمدن الإسلامي، چاپ دمشق، ۱۳۷۱ ق. ص ۶۴۶.

۴. انور شاه، التصريح، ص ۲۴۲، ح ۶۰.

۵. کتانی، نظم المتناثر في الحديث المتواتر، ص ۲۲۹.

به سخنان بزرگانی چون ابوالحسن آبری، سفارینی و شوکانی می‌نویسد:

احادیث در مورد خروج مهدی در آخر الزمان و این که جهان را پر از عدل و داد می‌کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است، بدون تردید متواتر است با تواتر معنوی و این به منزله اجماع اهل علم می‌باشد.^(۱)

۲۳. حافظ ابو عبدالله، محمد بن یوسف نوفلی، مشهور به «گنجی شافعی» مستشهد ۶۵۸ ق. نیز به صراحت از متواتر و مستفیض بودن احادیث مهدی دفاع و بر آن تأکید کرده است.^(۲)

۲۴. ابوزید عبدالرحمن بن عبدالقادر فاسی، متوفای ۱۰۹۲ ق. در کتاب منهج المقاصد، در شرح مراصد المعتمد، به تواتر آن تصریح کرده است.^(۳)

۲۵. شیخ محمد بن قاسم بن محمد جسوس مالکی، متوفای ۱۱۸۲ ق. نیز در شرح کتاب «الرسالة» از عبدالله بن عبدالرحمن شیروانی، بر تواتر آن تصریح کرده است.^(۴)

۲۶. شیخ محمد بن علی صبان، متوفای ۱۲۰۶ ق. چندین بار بر آن تصریح کرده است.^(۵)

۲۷. محمد خضر حسین مصری، شیخ اسبق الأزهر، متوفای ۱۳۷۷ ق. در مقاله‌ای تحت عنوان «نظرة فی احادیث المهدی» بر تواتر آن تصریح نموده

۱. بن باز، ذیل عقیده اهل السنة والأثر، مجله الجامعة الاسلامیة، چاپ دانشگاه مدینه، شماره اول، سال ۱۲، شماره مسلسل ۴۵، ص ۱۹.

۲. گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۲۶، باب یازدهم.

۳. به نقل عبدالله بن محمد بن صدیق، در المهدی المنتظر، ص ۱۰.

۴. همان، ص ۹ و به نقل کتانی، در نظم المتناثر، ص ۲۲۶.

۵. ابن صبان مالکی، اسعاف الراغبین، ص ۱۴۵، ۱۴۷ و ۱۵۲.

است. (۱)

۲۸. ابویعلی محمد بن عبدالرحمن مبارکفوری، متوفای ۱۳۵۳ ق. در شرح سنن ترمذی بر تواتر احادیث حضرت مهدی تصریح کرده است. (۲)
۲۹. شیخ مؤمن بن حسن شبلنجی، متوفای ۱۲۹۱ ق. بر تواتر احادیث مهدوی پای فشرده است. (۳)
۳۰. سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ق. بر تواتر احادیث حضرت مهدی علیه السلام تأکید کرده است. (۴)
۳۱. احمد بن زینی دحلان، مفتی مکّه‌ی معظمه، متوفای ۱۳۰۴ ق. بر تواتر آن تصریح کرده است. (۵)
۳۲. محمد بلبیسی شافعی مصری، متوفای ۱۳۰۸ ق. در شرح «القطر الشّهدی» بر آن تأکید کرده است. (۶)
۳۳. ابوالفیض، سید احمد بن محمد بن صدیق غماری، متوفای ۱۳۸۰ ق. در ردیه‌ی خود بر ابن خلدون، احادیث حضرت مهدی علیه السلام را متواتر و مفید قطع دانسته است. (۷)
۳۴. شیخ صفاء الدین آل شیخ حلقه، احادیث مهدی علیه السلام را فوق تواتر دانسته

۱. مجله التمدّن الاسلامی، جلد ۱۶، چاپ دمشق، به تاریخ محرم ۱۳۷۰ ق. ص ۸۲۸

۲. مبارکفوری، تحفة الأحوذی، ص ۴۸۴، در شرح حدیث ۲۳۳۱.

۳. شبلنجی، نور الأبصار، ص ۲۶۲.

۴. قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۴۴، باب ۸۵

۵. زینی دحلان، الفتوحات الاسلامیة، ج ۲، ص ۲۱۱.

۶. بلبیسی، العطر الوردی، ص ۴۴.

۷. غماری، ابراز الوهم المکنون، من کلام ابن خلدون، ص ۱۵۸.

و گفته: بر اساس همه اصطلاحات، به کمتر از آن تواتر صدق می‌کند. (۱)

۳۵. ابوالفضل، عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادریسی - معاصر - تواتر

احادیث حضرت مهدی را از چندین شخصیت برجسته نقل کرده است. (۲)

۳۶. شیخ حمود بن عبدالله تویجری - معاصر - در ردیه‌ی خود بر کتاب

«لا مهدی ینتظر بعد الرّسول خیر البشر» از قاضی قطر بر تواتر آن تصریح کرده است. (۳)

۳۷. دکتر عبدالحلیم نجّار، در مقدمه خود بر کتاب «المهدیة فی الاسلام» بر

تواتر احادیث مهدویت تأکید کرده است. (۴)

۳۸. ابوالعلاء، ادریس بن محمد ادریس حسینی عراقی فاسی، متوفای ۱۱۸۳

ق. نیز گفته: احادیث حضرت مهدی متواتر یا نزدیک به متواتر است. (۵)

۳۹. دکتر عبدالعظیم عبدالعظیم بستوی - معاصر - از علمای بزرگ و هابیان، از

ده‌ها تن از عالمان فرهیخته نام برده که بر تواتر احادیث مهدویت تأکید کرده‌اند. (۶)

۴۰. در سال ۱۹۷۶ م. یک نفر به نام الکرّم ابومحمد، از کشور «کنیا» نامه‌ای به

رابطه العالم الاسلامی مکه معظمه نوشته، در پیرامون حضرت مهدی علیه السلام سؤال

کرده، «محمد صالح القزّاز» به عنوان دبیر کل رابطه، پاسخ مفصّلی به او فرستاده

۱. آل شیخ حلقه، مجله التریبۃ الاسلامیة، سال ۱۴، شماره ۷، ص ۳۰.

۲. ادریسی، المهدی المنتظر، ص ۱۵-۷.

۳. تویجری، الاحتجاج بالأثر علی من انکر المهدی المنتظر، ص ۱۲۱.

۴. کتاب «المهدیة فی الاسلام» به قلم سعد محمد حسن مصری، که مفروضانه است و کتاب «الی مشیخة الازهر» در ردّ آن نوشته شده است.

۵. به نقل ادریسی در المهدی المنتظر، ص ۸ و کتانی در نظم المتناثر، ص ۲۲۶.

۶. بستوی، المهدی المنتظر، ص ۴۶-۴۰.

و گفته که این پاسخ را شیخ محمد منتصر کنانی نوشته، شیخ صالح بن عثین، شیخ احمد محمد جمال، شیخ احمد علی و شیخ عبدالله خیاط تأیید کرده‌اند. در این نامه پس از شرح مبسوط آمده است:

حافظان و محدثان تصریح کرده‌اند بر این که در میان احادیث مهدی صحیح و حسن هست و مجموع آنها متواتر هستند، که تواتر و صحت آنها قطعی است و اعتقاد به خروج مهدی واجب است و آن از اعتقادات اهل سنت و جماعت می‌باشد، آن را انکار نمی‌کند، جز کسی که جاهل به سنت یا بدعت گذار در عقیده باشد.

این نامه در سطح وسیعی منتشر شده و به چندین زبان ترجمه شده است.^(۱) این بود چهل نمونه از بیانات صریح و شفاف بزرگان اهل سنت در طول قرون و اعصار، در مورد متواتر بودن احادیث حضرت مهدی علیه السلام، که راه هرگونه شک و تردید را بر همگان بسته‌اند.

علیرغم این تعبیرهای قاطع و روشن، تعدادی از افراد معاند در این رابطه اظهار شک و تردید کرده‌اند که خود آن‌ها پاسخ‌های دندان شکن داده‌اند، و اینک اشاره‌ای کوتاه به مخدوش‌گران احادیث مهدوی:

۱. علی بن احمد اندلسی، مشهور به: ابن حزم، متوفای ۴۵۶ ق. در کتاب: «الفصل بین أهل الأهواء والنحل» از مسائل مهدویت انتقاد کرده و احادیث حضرت مهدی علیه السلام را تضعیف کرده، شماری از علمای اهل سنت در رد او کتاب مستقل نوشته‌اند، که از آن جمله است:

۱. ترجمه فارسی این نامه به قلم آیت الله ناصر مکارم شیرازی در کتاب «مهدی انقلابی بزرگ» ص ۱۵۵-۱۴۶ آمده است.

۱) احمد بن صدیق بخاری، متوفای ۱۳۸۰ ق. کتابی به نام: «ابراز الوهم من کلام ابن حزم» نوشته، که به سال ۱۳۴۷ ق. در چاپخانه‌ی ترقی دمشق چاپ شده است.

۲) شیخ کاظم بن شیخ سلمان حلّی، از علمای قرن چهاردهم، کتابی در ردّ او نوشته و آن را «الجزم لفصل ابن حزم» نامیده است. این کتاب در دو مجلد قطور منتشر شده است.

۳) سید مهدی بن صالح کشوان قزوینی نیز، کتابی در ردّ ابن حزم نوشته و آن را «هدی الغافلین الی الدین المبین» نام نهاده و به سال ۱۳۳۵ ق. از تألیف آن پرداخته است.

۲. عبدالرحمن بن خلدون، متوفای ۸۰۸ ق. در کتاب تاریخ خود احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را تضعیف کرده، کتاب‌های مستقلی در ردّ او نوشته شده، که از آن جمله است: «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» از احمد بن صدیق بخاری، چاپ مطبعه‌ی ترقی در دمشق به سال ۱۳۴۷ ق.

۳. شیخ عبدالله محمود، رئیس محکمه‌ی شرعی قطر، کتاب پوچ و بی‌محتوایی در نقد احادیث حضرت مهدی نوشته و آن را «لا مهدی ینتظر، بعد الرّسول خیر البشر» نام نهاده است.

ردیه‌های فراوانی از علمای برجسته اهل سنت در ردّ او نوشته شده که از آن جمله است:

۱) فتح المعبود فی الردّ علی ابن محمود، تألیف: شیخ حمّود بن عبدالله تویجری.

۲) غایة المقصود فی التنبیه علی اوهام ابن محمود، تألیف: شیخ عبدالله بن

محمد، رئیس مجلس اعلیٰ - سعودی -

۳) تحذیر الناسک ممّا أحدثه ابن محمود، تألیف: شیخ محمد بن ابراهیم آل شیخ، مفتی سابق کشور سعودی.

۴) الردّ علی من کذب بالأحادیث الصّحیحة الواردة فی المهدی، تألیف: شیخ عبدالمحسن العباد، استاد و نایب رئیس دانشگاه مدینه منوره.

این کتاب نخست در مجله‌ی دانشگاه مدینه، سال دوازدهم، شماره اول و دوم چاپ شد، سپس به سال ۱۴۰۲ ق. به پیوست کتاب «عقیده اهل السنّة والأثر فی المهدی المنتظر» از همین مؤلف در چاپخانه «الرّشید» در مدینه منوره چاپ و منتشر شد.

این کتاب متن سخنرانی مؤلف در دانشگاه مدینه است، که در مجله دانشگاه که ارگان رسمی دانشگاه است، در ذیقعدة الحرام ۱۳۸۸ ش، سپس در مجله «الهادی» ارگان دار التبلیغ اسلامی قم، بعداً به صورت مستقل، به پیوست ذیل آن به قلم بن باز چاپ و منتشر شد.

در کتاب «الردّ» و «عقیده اهل السنّة» و «ذیل آن» به شدت از احادیث حضرت مهدی و تواتر آن دفاع شده است.

۳. سعد محمد حسن مصری، در کتاب «المهدیة فی الاسلام» احادیث مهدویت را نشأت گرفته از تفکرات یهود و نصارا قلمداد کرده، ردیه‌هایی بر او نوشته شده، از جمله کتاب «الی مشیخة الازهر» به قلم: عبدالله سبیتی، که به سال ۱۳۷۵ ق. در دارالحدیث بغداد چاپ و منتشر شده است.

۴. خاورشناس یهودی مجارستانی «گلدزیهر» متوفای ۱۹۲۱ م. در کتابش که به نام «العقیده والشریعة فی الاسلام» ترجمه شده، احادیث حضرت

مهدی علیه السلام را نشانه رفته است.

۵. خاورشناس دیگری به نام: «دونالدسن» در کتابش که به نام «عقیده الشیعة» ترجمه شده، احادیث حضرت مهدی علیه السلام را نوعی عکس العمل امت اسلامی در برابر مظالم بنی امیه دانسته است. نگاهی گذرا بر تصریحات شفاف بزرگان اهل حدیث بر تواتر احادیث حضرت مهدی علیه السلام ما را از هر گونه پاسخ‌گویی به سخنان پوچ و بی‌پایه‌ی خاورشناسان و هم‌زمان آنها بی‌نیاز می‌کند.

چکیده

دو تن از خاورشناسان مغرض: ۱. گلدزیر ۲. دونالدسن و تنی چند از افراد مشهور، ولی نا آشنا با علم حدیث، چون: ابن حزم، ابن خلدون، شیخ عبدالله محمود و سعد بن محمد حسن مصری، پا از گلیم خود بیرون گذاشته، در موضوعی که در آن تخصص ندارند، اظهار نظر نموده، احادیث مهدویت را تضعیف کرده‌اند.

ما در این درس آنها را نام برده، کتاب‌هایی را که در رد آنها از سوی عالمان برجسته‌ی اهل سنت تألیف شده، معرفی کرده، تعداد چهل تن از عالمان فرهیخته‌ی اهل سنت که به تواتر احادیث مهدویت تصریح کرده‌اند را معرفی نموده‌ایم.

برای تحقیق بیشتر:

۱. المهدی المتظر، تألیف: دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی - معاصر -
۲. اصالت مهدویت، تألیف: شیخ مهدی فقیه ایمانی - معاصر -

-
٣. الردّ على من كذب بالأحاديث الصّحيحة الواردة في المهدى، تأليف: شيخ
عبدالمحسن العباد - معاصر -
٤. الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة، تأليف: سيد محمد صدّيق
حسن قنوجي بخارى، متوفى ١٣٠٧ ق.

درس پنجم

مناقب ویژه‌ی حضرت مهدی علیه السلام در منابع حدیثی اهل سنت

پس از نقل ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام در احادیث اهل سنت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و نقل شماری از احادیث صحیح پیرامون حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اهل سنت و اثبات تواتر احادیث آن حضرت از زبان چهل تن از علمای اهل سنت، سیری گذرا در احادیث معتبر و مستند اهل سنت پیرامون شیوه رفتاری، سلوکی، فضایل، مناقب و دیگر ابعاد زندگی آن حضرت انجام داده، فرازهایی از این احادیث را در این بخش تقدیم می‌کنیم:

۱. نام نامی و یادگرامی

(۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون نام نامی و القاب گرامی حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي، وَ خُلُقُهُ خُلُقِي؛

مردی از خاندان من خروج می‌کند که نامش همان‌نام من و خُلق و خویش

همانند خُلق و خوی من می‌باشد. (۱)

۱. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۳۷؛ هیشمی، موارد الظمان، ص ۴۶۴، ح ۱۸۷۹؛ متقی هندی، البرهان، ص ۹۲؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۲۹۲.

شایان دقت است که طبرانی این حدیث را از ۲۰ طریق، از رسول اکرم ﷺ روایت کرده است. (۱)

(۲) و در حدیث دیگری فرمود:

يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، إِسْمُهُ كِاسِمِي، وَكُنْيَتُهُ كَكْنِيَّتِي؛

در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج می‌کند که نامش همانند نام من و کنیه‌اش همانند کنیه من می‌باشد. (۲)

۲. نسب گرامی

(۳) رسول گرامی اسلام در مورد نسب والای حضرت مهدی ﷺ فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي؛

مهدی از تبار من است. (۳)

(۴) با توضیح بیشتر فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي، مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛

مهدی از عترت من، از تبار فاطمه است. (۴)

(۵) و در حدیث دیگر فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛

۱. طبرانی، همان، ص ۱۳۷-۱۳۱، ح ۱۰۲۳۰-۱۰۲۰۸.

۲. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۶۳.

۳. ابن صبان مصری، اسعاف الزاغیین (در حاشیه نور الأبصار)، ص ۱۳۴.

۴. ابوداود، الصحیح من سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۸؛ خطابی، معالم السنن، ج ۴، ص ۳۴۴؛ منذری،

مختصر السنن، ج ۶، ص ۱۸۵؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۱۵؛ ابن کثیر، النهایة، ج ۱، ص ۲۷؛ سیوطی،

الحاوی، ج ۲، ص ۵۵؛ متقی هندی، البرهان، ص ۸۹؛ مناوی، فیض القدیر، ج ۶، ص ۲۷۷؛ عظیم

آبادی، عون المعبود، ج ۱۱، ص ۲۷۳، ح ۴۲۶۴.

مهدی از نسل فاطمه است. (۱)

(۶) امیر بیان، مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام در این رابطه فرمود:

أَلْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنَّا، مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛

مهدی مردی از ما، از تبار فاطمه است. (۲)

(۷) جناب سلمان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید:

مهدی از کدامین فرزند شماست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست مبارکش را بر شانه امام حسین علیه السلام نهاد و فرمود:

مِنْ وَلَدِي هَذَا؛

از این فرزندم. (۳)

(۸) سلطان سریر ارتضاء، حضرت علی بن موسی الرضا، علیه آلاف التحية

والثناء، با توضیح بیشتر فرمود:

الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِ أَبِي مُحَمَّدٍ، الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَهُوَ صَاحِبُ

الزَّمانِ، الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ؛

خلف صالح از فرزندان ابومحمد حسن بن علی است، و او صاحب الزمان،

قائم و مهدی علیه السلام است. (۴)

در بیش از ۱۰۸ حدیث از طریق اهل بیت عصمت و طهارت تصریح شده که

۱. ابن ماجه، السنن، ج ۲، ص ۲۴، ح ۴۰۸۴؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۲۱.

۲. سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۷۴.

۳. محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۳۶؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۲۴.

۴. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۹۲.

حضرت مهدی علیه السلام فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است ^(۱)، در شماری از احادیث اهل سنت نیز به آن تصریح شده، که یک نمونه‌ی آن حدیث فوق است، که آن را ابن صباغ مالکی و قندوزی حنفی با سلسله اسناد خودشان از امام رضا علیه السلام روایت کرده‌اند. ^(۲)

(۹) امام صادق علیه السلام با صراحت بیشتر فرمود:

الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِي، وَ هُوَ الْمَهْدِيُّ، اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ كُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ، يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، يُقَالُ لِأُمِّهِ: «نَرْجِسُ»؛

خلف صالح از فرزندان من است، او مهدی است، نامش محمد و کنیه‌اش ابوالقاسم می‌باشد، در آخر الزمان خروج می‌کند، به مادرش «نرجس» گفته می‌شود. ^(۳)

۳. جمال بی مثال

در بخش آغازین کتاب احادیث فراوانی در وصف آن خورشید فروزان امامت نقل کردیم، در اینجا به نقل یک حدیث تبرک می‌جوئیم:

(۱۰) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف جمال عدیم المثال فرزند دلیندش فرمود:

الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛

مهدی طاووس اهل بهشت است. ^(۴)

(۱۱) در بیان دیگری فرمود:

۱. آیه الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۰۸-۲۰۲.
 ۲. ابن صباغ، همان؛ قندوزی، منابع المودة، ج ۳، ص ۳۹۲، ح ۳۶.
 ۳. قندوزی، همان، ح ۳۷، به نقل از اربعین ابونعیم اصفهانی.
 ۴. ابن صباغ، همان، ص ۲۹۳.

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، اسْمُهُ اسْمِي، كُنِّيْتُه كُنِّيْتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ
خُلُقًا؛

مهدی از نسل من است، نام او نام من است، کنیه‌اش کنیه من و خودش
شبهه‌ترین مردمان است به من در سیرت و صورت. (۱)

۴. مقام عصمت

عصمت چهارده نور پاک از نظر شیعه قطعی، بلکه از ضروریات مذهب
می‌باشد، از نظر اهل سنت نیز در این زمینه احادیث صریح و معتبری وجود
دارد، که از آن جمله است:

(۱۲) ابن عباس از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده که فرمود:

أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، مُطَهَّرُونَ
مَعْصُومُونَ؛

من، علی، حسن، حسین و نه تن از فرزندان حسین، پاک، پاکیزه و معصوم
هستیم. (۲)

(۱۳) پیامبر اکرم در خصوص عصمت آن حضرت فرمود:

يَقْفُو أَثْرِي لَا يُخْطِئُونِي؛

مهدی قدم در جای قدم من می‌گذارد و هرگز خطا نمی‌کند. (۳)

محمی الدین عربی، پیشوای اهل عرفان، بر طبق این نص صریح پیامبر

اکرم ﷺ، به عصمت حضرت مهدی ﷺ تصریح کرده، در پایان می‌نویسد:

۱. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۵۸۵.

۲. همان، ص ۳۱۳، ح ۵۶۳.

۳. ابن عربی، الفتوحات المکیة، ج ۳، ص ۳۳۲، باب ۳۶۶.

مهدی علیه السلام حجت خدا بر اهل زمان است و مقام او در سطح پیامبران عظیم الشان الهی است. (۱)

۵. جایگاه بلند حضرت مهدی علیه السلام

(۱۴) پیامبر عظیم الشان در احادیث فراوان از جایگاه رفیع حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته، از جمله در حدیثی می‌فرماید:

نَحْنُ وَوَلَدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَنَا وَحَمْزَةُ وَجَعْفَرٌ، وَعَلِيٌّ وَ
الْحَسَنُ وَالحُسَيْنُ وَالمَهْدِيُّ؛

ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم، من، حمزه، جعفر، علی، حسن، حسین و مهدی. (۲)

(۱۵) خداوند منان در شب معراج با خاتم پیامبران، پیرامون خلقت نوری و مقامات رفیع پیشوایان معصوم علیهم السلام به تفصیل سخن گفته، انوار درخشان آنها را در قائمه‌ی عرش خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارایه داده، نور درخشان حضرت مهدی علیه السلام را چون ستاره‌ای فروزان، به حال ایستاده، در هاله‌ای از نور متجلی ساخته، در معرفی آنها فرمود:

هُوَلَاءِ الْحُجَجُ، وَهُوَ الثَّائِرُ مِنْ عِثْرَتِكَ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، إِنَّهُ الْحُجَّةُ
الْوَاجِبَةُ لِأَوْلِيَائِي، وَالمُتَّقِمُ مِنْ أَعْدَائِي؛

اینان حجت‌های من هستند، اما او (آن ایستاده) منتقم عترت تو می‌باشد. به عزت و جلال خود سوگوند، که او حجت واجب من بر دوستانم و دست انتقام

۱. همان، ص ۳۳۸.

۲. ابن ماجه، السنن، ج ۲، ص ۲۴، ح ۴۰۸۷؛ ابن طلحه، مطالب السؤل، ص ۳۱۳؛ گنجی شافعی، البيان، ص ۳۴؛ ابن کثیر، النهایة، ج ۱، ص ۳۱؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ص ۲۹۴.

من از دشمنانم می‌باشد. (۱)

۶. مقتدای مسیح

(۱۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می‌فرماید:

عیسی بن مریم به هنگام نماز صبح فرود می‌آید. حضرت مهدی عجل الله فرجه به ایشان می‌فرماید:

یا روح الله! جلوتر بیا تا نماز را اقامه کنی.

می‌گوید: این امت امام یکدیگر هستند.

پس حضرت مهدی جلو می‌ایستد و نماز را اقامه می‌کند. (۲)

(۱۷) در حدیث دیگر فرمود: حضرت عیسی عجل الله فرجه عرض می‌کند:

شما برای نماز شایسته‌تر هستی.

پس عیسی عجل الله فرجه به آن حضرت اقتدا می‌کند. (۳)

۷. مقام شفاعت

(۱۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث گسترده‌ای جایگاه یکایک ائمه عجل الله فرجه را بیان

می‌کند، در پایان می‌فرماید:

وَالْمَهْدِيُّ شَفِيعُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَيْثُ لَا يَأْذَنُ إِلَّا لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى؛

در روز رستاخیز حضرت مهدی شفاعت‌کننده‌ی مؤمنان است، در آن روزی

۱. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۵۷۲.

۲. احمد حنبل، المسند، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۱۷۹۲۰؛ مسلم، الصحيح، ج ۱، ص ۱۳۷، ب ۷۱، ح ۲۴۷؛

بيهقي، السنن الكبرى، ج ۹، ص ۳۹؛ گنجی شافعی، البيان، ص ۴۸، ح ۲۷؛ حاکم، مستدرک

الصحيحين، ج ۴، ص ۴۷۸؛ هبشي، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۴۴؛ ابن قییم، المنار المنيف، ص

۱۴۲ و ۱۴۷؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۱۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۱.

۳. سبط ابن جوزی، تذكرة الخواص، ص ۳۲۵.

که خداوند اذن شفاعت نمی‌دهد، جز به کسی که بخواهد و خشنود باشد. (۱)

۸. هنگامه‌ی ظهور

(۱۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روز موفور السّرور ظهور آخرین امام نور را «روز رهایی» نامیده می‌فرماید:

يُدْعَى ذَٰلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ الْخَلَاصِ؛

آن روز، روز رهایی نامیده می‌شود. (۲)

(۲۰) بر اساس روایات فراوان، ظهور حضرت مهدی علیه السلام در شب ۲۳ رمضان المبارک و قیام جهانی آن حضرت روز دهم محرم - عاشورا - اتفاق خواهد افتاد. چنان که در حدیث شریف می‌فرماید:

يُظْهَرُ الْمَهْدِيُّ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام وَكَانَ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ، قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَجَبْرِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ؛

مهدی علیه السلام در روز عاشورا خروج می‌کند، و آن همان روزی است که حسین بن علی علیه السلام در آن روز به شهادت رسیده است.

گویی او را با چشم خود می‌بینم که روز دهم محرم که روز شنبه است، در میان رکن و مقام ایستاده است، جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ آن حضرت قرار دارد. (۳)

۱. خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۹۵؛ حموی، فراند التمطین، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۵۷۲.
 ۲. ابن قیم جوزیه، المنار المنیف، ص ۲۹۲، ح ۳۴۴؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۲؛ ابن حجر عسقلانی، الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۹.
 ۳. سلمی، عقد الدرر، ص ۶۵.

در اینجا لازم است اشاره کنیم که میان ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام سه ماه و ۱۷ روز فاصله است، ظهور شب ۲۳ ماه رمضان و قیام جهانی روز دهم محرم می‌باشد، روز ظهور، روز جمعه و روز قیام، روز شنبه می‌باشد.

چکیده

در این درس نام نامی، یادگرامی، نسب سامی، نام پدر، نام مادر، تاریخ دقیق، روز قیام جهانی، فضایل و مناقب ویژه، سلوک رفتاری، شفاعت گسترده، مقام عصمت، جایگاه رفیع، ویژگی‌های عصر ظهور، پیشوایی امت، امامت بر حضرت مسیح و دیگر ابعاد زندگی حضرت مهدی علیه السلام را به استناد ۲۰ حدیث، منحصرأ از منابع معتبر اهل سنت نقل کرده‌ایم.

درنگی کوتاه در این احادیث به روشنی اثبات می‌کند که در احادیث اهل سنت نیز بر همه‌ی ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام تصریح شده و نقطه‌ی مبهمی برای حق جویان باقی نمانده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. المعجم الکبیر، تألیف: حافظ ابوالقاسم، سلیمان بن احمد طبرانی، متوفای ۳۶۰ ق.
۲. عقد الدرر فی أخبار المتظر، تألیف: یوسف بن یحیی مقدسی سلمی شافعی - قرن هفتم -
۳. الفصول المهمة، تألیف: علی بن محمد، مشهور به: ابن صباغ مالکی، متوفای ۸۵۵ ق.

درس ششم

دیگر مناقب ویژه حضرت مهدی علیه السلام در منابع حدیثی اهل سنت

در بخش پیشین هشت منقبت از مناقب ویژه حضرت مهدی علیه السلام را بر اساس ۲۰ حدیث معتبر از احادیث موجود در منابع پایه و مرجع اهل سنت نقل کردیم، اینک دیگر مناقب ویژه آن حضرت را منحصراً از منابع آنها در این بخش می‌آوریم:

۹. راز بقای جهان هستی

(۲۱) رسول گرامی اسلام در حدیثی از غیبت طولانی حضرت مهدی علیه السلام و آزمون سخت مؤمنان در عصر غیبت به تفصیل سخن گفت، جابر بن عبدالله انصاری پرسید:

آیا دوستانش در عصر غیبت از وجود آن حضرت سود می‌برند؟!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ، وَيَتَفَعَّلُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ، كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ، إِذَا سَتَرَهَا سَحَابٌ؛

سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت، آنها از نور وجودش کسب نور

می‌کنند و از ولایتش سود می‌برند، همان‌گونه که مردمان از خورشید سود می‌برند، هنگامی که در پشت ابر نهان باشد.

سپس فرمود:

يَا جَابِرُ! هَذَا مِنْ مَكْتُونِ سِرِّ اللَّهِ وَ مَخْزُونِ عِلْمِهِ، فَأَكْتُمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ؛

ای جابر! این رازی از رازهای پروردگار و گنجی از گنجینه‌ی دانش خداوند است، آن را مخفی بدار، به جز از اهلیش. (۱)

تشبیه حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر بسیار تشبیه جالب و شگفت‌انگیز است.

زیرا بر اساس هیئت جدید، خورشید در مرکز منظومه‌ی شمسی و کرات منظومه بر گرداگرد آن در حال گردش هستند.

خورشید با نیروی جاذبه بسیار نیرومندی آن‌ها را به سوی خود جذب می‌کند، آن‌ها نیز با نیروی گریز از مرکز تلاش می‌کنند که از آن فاصله بگیرند. تعادل این دو نیروی جاذبه و دافعه کرات منظومه را در مدار خود قرار داده، از ایجاد هرگونه خلل و تباهی محفوظ می‌دارد.

اگر یک ذره نیروی جاذبه بیشتر بود، این کرات به سوی خورشید جذب شده، باکره‌ی خورشید برخورد کرده، نابود می‌شدند و اگر یک ذره نیروی گریز از مرکز آن‌ها بیشتر بود، از حومه‌ی مغناطیسی خورشید، دور شده، در فضای لایتناهی پخش و پرت و نابود می‌شدند. بر اساس هیئت جدید تنها عامل بقای کرات منظومه شمسی، تعادل دو نیروی جاذبه و دافعه می‌باشد.

۱. قندوزی، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۳۸، ح ۱۱؛ ص ۳۹۹، ح ۵۴.

خورشید برای کرات منظومه، از جمله زمین، نورافشانی می‌کند، میکروب زدایی می‌کند، موجودات زنده را پرورش می‌دهد و آثار فراوان دیگری کریمانه به آنها می‌بخشد.

هنگامی که خورشید در پشت ابر نهان باشد، نور، حرارت، میکروب زدایی، پرورش گیاهان و جانداران به صورت ضعیف‌تر انجام می‌شود، ولی تنها یک ویژگی آن بدون کم و کاست ادامه دارد و آن جاذبه‌ی آن است، در جذب کرات و بقای کرات منظومه به برکت تعادل جاذبه و دافعه‌ی خورشید و کرات منظومه، هیچ تفاوتی بین بودن و نبودن ابر نیست.

روی این بیان هنگامی که خورشید در پشت ابر نهان است، آثار ارزشمند آن به کرات منظومه به طور ضعیف‌تر می‌رسد، ولی در جاذبه‌ی آن هیچ خللی پیش نمی‌آید.

حجّت خدا نیز هنگامی که در پشت پرده‌ی غیبت نهان است، استفاده انسان‌ها از او بسیار ضعیف‌تر از دوران حضور می‌باشد، ولی به برکت او زمین و آسمان پای برجاست و نظام عالم درهم نمی‌ریزد، انسان‌ها و دیگر موجودات زنده به زندگی خود ادامه می‌دهند، که بر اساس روایات فراوان: «لولا الحجة لساخت الأرض بأهلها» اگر یک لحظه حجّت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می‌برد.^(۱)

از این رهگذر رسول اکرم ﷺ وجود مقدّس حضرت مهدی عجل الله فرجه را در عصر

۱. در این رابطه به منابع زیر مراجعه شود: اصول کافی: ۱۳۹/۱؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۳۹؛ اعلام الوری، ص ۳۶۴؛ کفایة الأثر، ص ۱۶۳؛ بحارالانوار، ۲۵۹/۳۶؛ کمال الدین: ۲۰۲/۱؛ غیبت نعمانی، ص ۱۳۹؛ علل الشرائع، ص ۱۹۸؛ عیون الأخبار، ص ۲۱۲.

غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه فرموده است.

در منابع اهل سنت نیز در این رابطه احادیثی موجود است، از جمله:

(۲۲) امام زین العابدین علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی فرمود:

بِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَبِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَبِنَا يُنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ
يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ. وَلَوْ لَأَمَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛

خداوند به وسیله‌ی ما مانع می‌شود که زمین اهل خود را پریشان سازد،
خداوند به وسیله‌ی ما باران می‌فرستد و به وسیله‌ی ما رحمتش را
می‌گستراند و به وسیله‌ی ما برکات زمین را بیرون می‌فرستد.

اگر نبود امامی از ما در روی زمین، زمین اهل خود را در کام خود فرو
می‌برد. (۱)

(۲۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از خطبه‌های خود که در آخرین روزهای

حیات خود ایراد کردند، فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ كَأَنِّي أُذْعَى فَأُجِيبُ، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ
عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي.

مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا.

فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ وَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ.

لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْهُمْ، وَ لَوْ خَلَّتْ إِذَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛

هان ای مردمان! گویی نزدیک است که فرا خوانده شوم، پس اجابت نمایم.
من در میان شما دو امانت گرانبها به ودیعت نهادم:

۱. حموی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۴۶؛ قندوزی، منابع العمدة، ج ۱، ص ۷۵ و ج ۳، ص ۳۶۰.

(۱) کتاب خدا

(۲) عترت و اهل بیت خودم

اگر به این دو چنگ بزنید، هرگز گمراه نمی‌شوید.

از آنها فراگیرید و هرگز در صدد تعلیم آنها برنمایید، که آنها از شما داناتر هستند.

هرگز روی زمین از آنها خالی نمی‌شود، و اگر خالی شود، زمین اهل خود را در کام خود فرو می‌برد. (۱)

۱۰. مشعل فروزان الهی

(۲۴) در ذیل آیه شریفه ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^(۲) در احادیث فراوان آمده است که این آیه مربوط به عصر ظهور است، از جمله در حدیثی چنین آمده:

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ؛

هنگامی که آن حضرت خروج کند، زمین با نور او روشن می‌شود. (۳)

در تورات، انجیل، اوستا و قرآن کریم از روشن شدن زمین با نور صاحب زمین سخن رفته، در احادیث فراوان، از جمله حدیث فوق تصریح شده که این معنی در عصر ظهور تحقق پیدا می‌کند.

در احادیث اهل بیت با توضیح بیشتر آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین با نور صاحبش روشن می‌گردد، مردم از

۱. قندوزی، همان، ج ۱، ص ۷۴.

۲. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۶۹.

۳. حموی، فراند السّمطین، ج ۲، ص ۳۳۷، ح ۵۹۰.

نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند، شب و روز یکسان گردد، تاریکی رخت برمی‌بندد. (۱)

در تورات در این زمینه با قاطعیت آمده است که:

بار دیگر آفتاب در روز، نور تو نخواهد بود و ماه درخشندگی برای تو نخواهد تابید، زیرا یهوه نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود. (۲)

از بررسی نویدهای کتب مقدّسه، آیات نورانی قرآن و احادیث وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق اهل تشیع و تسنن روشن می‌شود که در عصر ظهور دیگر نیازی به خورشید و انرژی خورشیدی نخواهد بود، ولی نمی‌دانیم که آیا جهان هستی با نور دوازدهمین امام نور، به صورت معجزه‌آسا روشن خواهد شد، یا به وسیله‌ی آن علم برتر و دانش مافوق تصویری که بنابر احادیث آن امام نور خواهد آورد؟

۱۱. پناه امت

(۲۵) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی پیرامون فرزند دلبندهش امام عصر علیه السلام می‌فرماید:

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي، يَبْعَثُهُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ؛

مهدی در امت من خروج می‌کند، خداوند او را به عنوان پناهگاه برای مردمان برمی‌انگیزاند. (۳)

(۲۶) و در حدیث دیگری فرمود:

۱. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۸۶.

۲. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اشعیا، نبی، باب ۶۰، بند ۱۹.

۳. سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۰.

(۱) کتاب خدا

(۲) عترت و اهل بیت خودم

اگر به این دو چنگ بزنید، هرگز گمراه نمی‌شوید.

از آنها فراگیرید و هرگز در صدد تعلیم آنها برنیاید، که آنها از شما داناتر هستند.

هرگز روی زمین از آنها خالی نمی‌شود، و اگر خالی شود، زمین اهل خود را در کام خود فرو می‌برد. (۱)

۱۰. مشعل فروزان الهی

(۲۴) در ذیل آیه شریفه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^(۲) در احادیث فراوان آمده است که این آیه مربوط به عصر ظهور است، از جمله در حدیثی چنین آمده:

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ؛

هنگامی که آن حضرت خروج کند، زمین با نور او روشن می‌شود.^(۳)

در تورات، انجیل، اوستا و قرآن کریم از روشن شدن زمین با نور صاحب زمین سخن رفته، در احادیث فراوان، از جمله حدیث فوق تصریح شده که این معنی در عصر ظهور تحقق پیدا می‌کند.

در احادیث اهل بیت با توضیح بیشتر آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین با نور صاحبش روشن می‌گردد، مردم از

۱. قندوزی، همان، ج ۱، ص ۷۴.

۲. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۶۹.

۳. حموی، فراند السمطین، ج ۲، ص ۳۳۷، ح ۵۹۰.

نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند، شب و روز یکسان گردد، تاریکی رخت برمی‌بندد. (۱)

در تورات در این زمینه با قاطعیت آمده است که:

بار دیگر آفتاب در روز، نور تو نخواهد بود و ماه درخشندگی برای تو نخواهد تابید، زیرا یهوه نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود. (۲)

از بررسی نویدهای کتب مقدّسه، آیات نورانی قرآن و احادیث وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق اهل تشیع و تسنن روشن می‌شود که در عصر ظهور دیگر نیازی به خورشید و انرژی خورشیدی نخواهد بود، ولی نمی‌دانیم که آیا جهان هستی با نور دوازدهمین امام نور، به صورت معجزه‌آسا روشن خواهد شد، یا به وسیله‌ی آن علم برتر و دانش مافوق تصویری که بنابر احادیث آن امام نور خواهد آورد؟

۱۱. پناه امت

(۲۵) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی پیرامون فرزند دل‌بندش امام عصر علیه السلام می‌فرماید:

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي، يَتَّبِعُهُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ؛

مهدی در امت من خروج می‌کند، خداوند او را به عنوان پناهگاه برای مردمان برمی‌انگیزاند. (۳)

(۲۶) و در حدیث دیگری فرمود:

۱. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۸۶.

۲. کتاب مقدّس، عهد عتیق، کتاب اشعیا، نبی، باب ۶۰، بند ۱۹.

۳. سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۰.

يَأْوِي إِلَيْهِ النَّاسُ، كَمَا تَأْوِي النَّحْلُ إِلَى يَعْسُوبِهَا؛

مردمان به آن حضرت پناه می‌برند، همان گونه که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می‌برند. (۱)

۱۲. بیعت با خدا

(۲۷) در مراسم بیعت با امام نور، جبرئیل امین فریاد می‌زند:

أَلْبَيْعَةُ لِلَّهِ؛

بیعت برای خدا. (۲)

(۲۸) مراسم بیعت در میان رکن و مقام (بین حجرالاسود و مقام ابراهیم)

انجام می‌شود، چنان که در حدیث شریف آمده است:

فَيَبَّاعُ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛

در میان رکن و مقام با آن حضرت بیعت انجام می‌شود. (۳)

(۲۹) در حدیث دیگری آمده است:

يَبَّاعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛

با مردی در میان رکن و مقام بیعت می‌شود. (۴)

۱۳. بیعت با ولی خدا

(۳۰) پیامبر اکرم ﷺ در تشریح ضرورت بیعت با ولی خدا می‌فرماید:

إِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايَعُوهُ، وَ لَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلَجِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ؛

۱. برزنجی، الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۹۰.

۲. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ص ۳۰۲.

۳. سفارینی، لوائح الأنوار البهية، ج ۳، ص ۷۸.

۴. ابن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۸، ص ۶۱۲.

چون او را مشاهده کردید، با او بیعت کنید که او خلیفه‌ی خدا، حضرت مهدی است. (۱)

۱۴. محبوب دل‌ها

(۳۱) رسول اکرم ﷺ پیرامون محبوبیت آن ولی خدا می‌فرماید:

يُحِبُّهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛

ساکنان آسمان و ساکنان زمین به او عشق می‌ورزند. (۲)

(۳۲) امیر بیان، مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام فرمود:

إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ

عَلَى أَقْوَامِ النَّاسِ، وَ يُشْرَبُونَ حَبَّةً، وَ لَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ؛

هنگامی که منادی آسمانی بانگ برآورد که:

«حق با محمد و آل محمد علیهم السلام می‌باشد»؛

نام مهدی بر سر زبان‌ها می‌افتد، دل‌ها مالا مال از محبت او می‌شود، آنها

دیگر کاری جز عشق‌بازی با نام و یاد او ندارند. (۳)

از خداوند متان می‌خواهیم که در فرج آن حضرت تعجیل بفرماید، آن عشق

سرشار و ارادت بی‌شائبه به مولای محبوب را به ما عنایت بفرماید، تفضلاً

سعادت دیدار آن کعبه‌ی مقصود و زندگی در عهد ظهور موفور السرور آن قبله

موعود را به ما نصیب بفرماید، ان شاء الله.

۱. سلمی، عقد الدرر، ص ۵۷.

۲. همان، ص ۱۷؛ عدوی حمزاوی، مشارق الأنوار، ص ۱۱۲.

۳. همان، ص ۵۲؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۵؛ برزنجی، الإشاعة، ص ۱۱۷؛ صدیق، إبراز الوهم المکنون، ص ۱۴۸.

چکیده

بیش از هزار سال پیش از پدید آمدن هیئت جدید، توسط: کپلر، کوپرنیک، نیوتن و گالیله، از نقش خورشید در بقای کرات منظومه سخن رفته، وجود مقدّس امام زمان علیه السلام در عصر غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده، به صراحت اعلام شده اگر یک لحظه خورشید فروزان امامت در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می‌بلعد.

در این درس علت تشبیه، نقش خورشید در بقای منظومه شمسی، بی‌نیازی مردم از نور خورشید در عصر ظهور، شگفتی این تشبیه در عصر حکومت هیئت یظلمیوس بر مراکز علمی و دیگر آثار وجودی حضرت مهدی علیه السلام تبیین شده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. العرف الوردی فی أخبار المهدی، تألیف: جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ق.
۲. فرائد السّمطین، تألیف: حافظ ابراهیم بن مؤید حموی جوینی، متوفای ۷۳۰ق.
۳. او خواهد آمد، تألیف: علی اکبر مهدی پور - معاصر -

درس هفتم

حضرت مهدی علیه السلام و یاران خاص در احادیث اهل سنت

۱۵. تعداد اصحاب خاص

بر اساس روایات فراوان در روز ظهور موفور السرور دوازدهمین امام نور، ده‌ها هزار نفر در میان رکن و مقام با آن حضرت بیعت می‌کنند. ولی تعداد اصحاب خاص، که فرماندهان لشکری و کشوری هستند، ۳۱۳ تن می‌باشد:

(۳۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از یک حدیث طولانی فرمود:

وَإِنَّ الْمَهْدِيَّ يُبَايِعُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَحِدَّةٍ مِنْ مَعَهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَبَضْعَةَ عَشَرَ.

در میان رکن و مقام (حجر الاسود و مقام ابراهیم) با مهدی علیه السلام بیعت می‌شود، تعداد کسانی که با او هستند ۳۱۰ تن و اندی می‌باشد. (۱)

(۳۴) امیر مؤمنان علیه السلام در همین رابطه فرمود:

عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ بَدْرِ، لَمْ يَسْبِقْهُمْ الْأَوْلُونَ وَلَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ طَالُوتَ، الَّذِينَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ.

۱. ابن حجر عسقلانی، الفتاوی الحدیثیة، ص ۴۰.

به تعداد اصحاب بدر و به تعداد اصحاب طالوت که به همراه او از رودخانه عبور کردند.

در گذشته کسی از آنها سبقت نگرفته و در آینده کسی به جایگاه آنها نخواهد رسید. (۱)

(۳۵) امام باقر علیه السلام با شفافیت بیشتر فرمود:

فَيُظْهِرُ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةِ عَشَرَ، عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرِ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَزَعًا كَقَزَعِ
الْخَرْيْفِ، وَهَبَانٍ بِاللَّيْلِ، أَسَدٌ بِالنَّهَارِ.

با ۳۱۳ تن، به تعداد اصحاب بدر - بدون وعده‌ی قبلی - ظاهر می‌شود، که چون قطعات ابر پاییزی گرد آیند. آنها راهبان شب و شیران روز هستند. (۲)

۱۶. دیگر یاران

بر اساس روایات فراوان ۳۱۳ تن فرماندهان کشوری و لشکری حضرت مهدی علیه السلام هستند، ولی یاران حضرت به آنها منحصر نمی‌باشد، بلکه برای هر منطقه‌ای از اقطار و اکناف جهان یک لشکر متشکل از ۱۰۰۰۰ نفر می‌فرستد، در رأس هر لشکری یک نفر از اصحاب خاص آن حضرت قرار دارد.

یاران حضرت مهدی علیه السلام به آنها نیز منحصر نمی‌باشد، بلکه یاران دیگری دارد که در احادیث به آنها اشاره شده است:

(۳۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک گروه از یاران آن حضرت را از فرشته‌ها معرفی کرده می‌فرماید:

۱. سلمی، عقد الدرر، ص ۵۹ و ۱۳۱.

۲. همان، ص ۱۴۶.

يُمِدُّهُ اللهُ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛

خداوند آن حضرت را با ۳۰۰۰ تن از فرشتگان یاری می‌رساند. (۱)

و در حدیث دیگری گروه دیگری را معرفی کرده می‌فرماید:

وَمَعَهُ أَصْحَابُ الْكَهْفِ، أَعْوَانٌ لَهُ؛

اصحاب کهف نیز به همراه آن حضرت و یاران او می‌باشند. (۲)

۱۶. فتوحات

در احادیث از فتوحات فراوان، که به لطف حق تعالی، به دست حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و یاران با صفایش انجام می‌شود، سخن رفته، که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

(۳۸) رسول اکرم ﷺ در واپسین لحظات عمر خود، برای تسلی قلب شریف حضرت فاطمه علیها السلام فرازهایی از عنایت خداوند منان به خاندان عصمت و ظهارت سخن گفته، در پایان می‌فرماید:

فَيَبْعَثُ اللهُ عِنْدَ ذَلِكَ مَنْ يَفْتَحُ حُصُونِ الضَّلَالَةِ وَ قُلُوباً غُلْفًا.

در آن هنگام خداوند کسی را بر می‌انگیزاند که قلعه‌های ضلالت را می‌گشاید و دل‌های بسته شده را باز گشایی می‌کند. (۳)

گشودن قلعه‌های محکم و استوار، با بازوان پرتوان و اراده‌های آهنین امکان‌پذیر می‌باشد، ولی گشودن دل‌های بسته و مهر خورده، نیازمند منطق قوی، استدلال متین، موقعیت‌شناسی دقیق، و رعایت نکات بسیار ظریف و

۱. مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۸۳.

۲. سفارینی، لوائح الأنوار البهية، ج ۲، ص ۷۸.

۳. محبّ الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۳۶.

لطیف می باشد.

(۳۹) در حدیث دیگری فرمود:

فَيَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرَكَ؛

گنج‌ها را استخراج می کند و بلاد را فتح می نماید. (۱)

(۴۰) آنگاه با بیان شفاف تر فرمود:

يَرُدُّ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ، وَيُفْتَحُ لَهُ فُتُوحٌ فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ يَقُولُ:
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛

خداوند به دست آن حضرت شکوه و عظمت دین را بر می گرداند، فتوحاتی
برایش نصیب می شود و در روی زمین تنها کسانی می مانند که می گویند:
«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». (۲)

این حدیث شریف صریح است در این که همه‌ی بلاد به دست با کفایت
آن حضرت گشوده می شود، همه‌ی مشرکان موحد می شوند و حتی یک نفر غیر
موحد در روی زمین نمی ماند.

(۴۱) پیامبر اکرم ﷺ در مورد گستره‌ی فرمانروایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمود:

مَلَكَ الْأَرْضَ أَرْبَعَةَ، مُؤْمِنَانِ وَ كَافِرَانِ.

فَالْمُؤْمِنَانِ: ذُو الْقَرْنَيْنِ وَ سَلِيمَانَ

وَ الْكَافِرَانِ: نَمْرُودَ وَ بُخْتِ النَّصْرَ

وَ سَيَمْلِكُهَا خَامِسٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي؛

۱. سلمی، عقد الدرر، ص ۲۲۲.

۲. همان.

تا کنون دو مؤمن و دو کافر بر همه‌ی جهان سیطره یافته‌اند:

اما آن دو مؤمن عبارتند از: ذوالقرنین و حضرت سلیمان.

و آن دو کافر عبارتند از نمرود و بخت‌النصر.

به زودی فرد پنجمی از خاندان من نیز بر آن سیطره پیدا خواهد نمود. (۱)

۱۷. امدادهای غیبی

برای فتح بلاد و گشودن دل‌ها و نفوذ در اعماق اندیشه‌ها، تنها ادوات و ابزار جنگی کافی نیست، بلکه در بسیاری از موارد کاری از آنها بر نمی‌آید، برای این کار ابزار و ادوات دیگری لازم است که ما از آنها امدادهای غیبی تعبیر می‌کنیم، که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

(۴۱) شماری از امدادهای غیبی را امام باقر علیه السلام در حدیثی بر می‌شمارد:

الْمَهْدِيُّ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالظَّفَرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ
الْكُتُوزُ، وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ، وَ يُظْهِرُ اللَّهُ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ
كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

مهدی ما به وسیله‌ی القای رعب او در دل‌ها نصرت یافته، با نویدهای پیروزی مؤید گشته، زمین زیر پایش در نور دیده می‌شود، گنج‌ها برایش ظاهر می‌گردد، دامنه‌ی حکومتش ظاهر می‌شود. (۲)

(۴۲) امام صادق علیه السلام برخی دیگر از عوامل غیبی را این گونه بیان می‌کند:

يُظْهِرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ مَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ قَمِيصُهُ وَ سَيْفُهُ

۱. همان، ص ۱۹؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۶؛ ابن حجر، الفتاوی الحدیثیة، ص ۳۹.

۲. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ص ۳۰۲.

وَعَلَامَاتٌ وَ نُورٌ وَ بَيَانٌ

مهدی عليه السلام شامگاهان در مکه ظاهر می شود، در حالی که پرچم، پیراهن و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله را همراه دارد، او با نشانه‌ها، چهره‌ی نورانی و بیان گیرا مؤید است. (۱)

(۴۳) در حدیث دیگر از مهم‌ترین عامل مؤثر در موفقیت پرده برداشته می فرماید:

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ، فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ

منادی از آسمان به نام مهدی عليه السلام ندا می کند، هرکسی که در شرق و غرب باشد، آن را می شنود.

آن گاه ویژگی مهم این ندای آسمانی را چنین بیان می کند:

يَسْمَعُ أَهْلُ كُلِّ لُغَةٍ بِلُغَاتِهِمْ؛

اهل هر زبانی آن را به زبان مادری خود می شنود. (۲)

(۴۴) از دیگر تأییدات ربّانی حضرت مهدی عليه السلام نشانه‌هایی است که همراه خورشید ظاهر می شود. از طریق ابن عباس روایت شده است که گفت:

لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى تَطْلُعَ مَعَ الشَّمْسِ آيَةٌ؛

مهدی عليه السلام خروج نمی کند، جز هنگامی که همراه خورشید نشانه‌ای ظاهر شود. (۳)

۱. ابن حجر، الفتاوی الحدیثیة، ص ۴۲.

۲. برزنجی، الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۹۱.

۳. عبد الرزاق، المصنّف، ج ۱۰، ص ۳۱۷، ح ۲۰۹۴۰؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۲.

(۴۵) از عوامل موفقیت حضرت مهدی عجل الله فرجه در هدایت اهل کتاب دسترسی ایشان به تورات واقعی و انجیل واقعی است، که در حدیث آمده است:

و يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ أَرْضٍ يُقَالُ لَهَا: أَنْطَاكِيَّةُ؛

تورات و انجیل را از سرزمینی به نام انطاکیه بیرون می‌آورد. (۱)

(۴۶) از دیگر عوامل موفقیت آن حضرت در جذب دل‌ها وجود فرشته‌ای بر فراز سر آن حضرت است، که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می‌فرماید:

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي :

«إِنَّ هَذَا الْمَهْدِيُّ، فَاتَّبِعُوهُ»؛

حضرت مهدی خروج می‌کند، در حالی که بالای سرش فرشته‌ای فریاد می‌زند که:

«این مهدی است، از او پیروی کنید.» (۲)

(۴۷) یکی دیگر از عوامل پیروزی حضرت، بروز عوامل جوی بر خلاف آنچه از آغاز خلقت تا آن روز اتفاق افتاده است. امام باقر عجل الله فرجه در این رابطه می‌فرماید:

إِنَّ لِمَهْدِيْنَا آيَاتَيْنِ لَمْ يَكُونَا مِنْدُ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَنْكَسِفُ الْقَمَرُ لِأَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ وَتَنْكَسِفُ الشَّمْسُ فِي النُّصْفِ مِنْهُ.

برای مهدی ما دو نشانه است که از نخستین روزی که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفریده، چنین چیزی رخ نداده است:

۱. همان، ح ۲۰۹۳۷.

۲. حموی، فراند السمطین، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۵۶۹؛ سیوطی، همان، ص ۵۸؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۳۱.

۱. ماه در شب اول ماه رمضان می‌گیرد.

۲. خورشید در شب نیمه‌ی آن می‌گیرد. (۱)

در طول تاریخ بشری همواره ماه در اواسط ماه قمری و خورشید در اواخر آن گرفته است، هرگز خسوفی در اواسط ماه و کسوفی در اواخر ماه رخ نداده است، ولی در ماه رمضان که مهدی موعود ظاهر می‌شود، ماه در شب اول و خورشید در شب نیمه‌ی آن گرفته می‌شود.

۱۸. خشنودی همگانی

از نخستین روزی که حضرت آدم ابوالبشر قدم در گره خاکی نهاده، تا به امروز هزاران زمامدار صالح و غیر صالح به قدرت رسیده، در گوشه‌ای از این پهن‌دشت گیتی به رتق و فتق امور پرداخته، ولی هرگز هیچ حکومتی بر سر کار نیامده که همگان از او راضی و خشنود باشند، برای اولین بار در تاریخ آفرینش حکومتی بر سریر قدرت خواهد نشست که همگان از او راضی و خشنود باشند و آن حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و اینک تعدادی از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه:

(۴۸) حضرت ختمی مرتبت در این رابطه می‌فرماید:

يَرْضَىٰ فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ، وَالطَّيْرُ فِي الْجَوِّ

در خلافت او اهل آسمان و اهل زمین، حتی پرنندگان هوا خشنود می‌شوند. (۲)

(۴۹) در حدیث دیگر با توضیح بیشتر فرمود:

۱. قرطبی، التذکره، ج ۲، ص ۱۹.

۲. سلمی، عقد الدرر، ص ۳۴.

يَرْضَىٰ عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، وَالطَّيْرُ فِي الْجَوِّ، وَالْوَحْشُ
فِي الْقَفْرِ وَ الْحَيْثَانُ فِي الْبَحْرِ؛

ساکنان آسمان، ساکنان زمین، پرندگان هوا، درندگان صحرا و ماهیان دریا از او خشنود می‌شوند. (۱)

(۵۰) در حدیث دیگر با اشاره به برخی از عوامل خشنودی همگانی می‌فرماید:

يَرْضَىٰ عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدَعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئاً
إِلَّا صَبَّتهُ مِدْرَاراً، وَ لَا تَدَعُ الْأَرْضُ مِنْ مَائِهَا شَيْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ حَتَّى تَتَمَّنَّى
الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ؛

ساکنان آسمان و ساکنان زمین از او خشنود می‌شوند، آسمان چیزی از بارانش را ننگه نمی‌دارد، سیل آسا آن را فرو می‌ریزد، زمین چیزی از آبش را ننگه نمی‌دارد، آن را بیرون می‌فرستد. تا جایی که زنده‌ها مردگان خود را آرزو می‌کنند. (۲)

چکیده

در این درس تبیین شده که یاران حضرت ولی عصر ارواحنا فداه ده‌ها هزار نفر می‌باشند، تعداد ۳۱۳ نفر فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت می‌باشند. آنگاه جایگاه رفیع آنها بیان شده، عوامل پیروزی حضرت، امدادهای غیبی، نقش بانگ آسمانی، نزول فرشتگان، نزول برکات آسمانی، بروز گنج‌های

۱. برزنجی، الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۸۹؛ سفارینی، لوائح الأنوار البهية، ج ۲ ص ۷۸.
۲. عبدالرزاق، المصنّف، ج ۱۰، ص ۳۱۶، ح ۲۰۹۳۵؛ مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۴؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۴۳ و ۶۰؛ خطیب تبریزی، مشکات المصابیح، ج ۳، ص ۱۸۴، ح ۵۴۵۷.

زیرزمینی، همراه داشتن و دايع نبوت، پديد آمدن آثار جوی، خشنودی ساکنان زمین و آسمان، خرسندی پرندگان هوا و ماهیان دریا، به استناد احادیث اهل سنت از منابع معتبر تقدیم گشته است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الاشاعة لاشراط الساعة، تألیف: محمد بن عبد الرسول حسینی شهرزوری
برزنجی، متوفای ۱۰۱۳.
۲. فرائد فوائد الفكر فی الامام المهدی المنتظر، تألیف: مرعی بن یوسف کرمی
حنبلی، متوفای ۱۰۳۳ ق.
۳. ینابیع المودة، تألیف: سلیمان بن محمد قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ق.

درس هشتم

سیره‌ی حکومتی حضرت مهدی علیه السلام از منظر احادیث اهل سنت

گفت و گو از سیره‌ی حمیده‌ی آن الگوی جهان و اسوه‌ی خلقت، به نگارش چندین مجلد مستقل نیاز دارد، ولی به جهت محدود بودن صفحات کتاب، فقط به چند نکته در این رابطه بسنده می‌کنیم:

۱۹. سیره‌ی حمیده‌ی حضرت مهدی علیه السلام

(۵۱) حضرت امّ سلمه پیرامون شیوه‌ی حکومتی حضرت مهدی علیه السلام و سیمای عصر ظهور در پرتو سیره‌ی حمیده‌ی آن امام نور، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود:

يَعْمَلُ فِي النَّاسِ بِسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ، وَ يَلْقَى الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ فِي الْأَرْضِ؛

در میان مردم با سنت و سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتار می‌کند و همه‌ی احکام اسلام در زمان او پیاده می‌شود. (۱)

(۵۲) در حدیث دیگری فرمود:

۱. ملا علی قاری، مرقات المفاتیح، ج ۵، ص ۱۸۲؛ مختصر سنن ابی داود، ص ۱۶۱، ح ۴۱۱۷.

و يُظْهِرُ مِنَ الْعَدْلِ مَا يَتَمَنَّى لَهُ الْأَحْيَاءُ أَمْوَاتَهُمْ؛

آن مقدار از عدالت خود را ظاهر می‌کند که زنده‌ها آرزو می‌کنند که ای کاش مرده‌هایشان زنده بودند. (۱)

(۵۳) پیامبر اکرم وضع روحی مردمان را در عصر ظهور این‌گونه ترسیم

می‌کند:

يَذْهَبُ الْبَغْضَاءُ وَالشُّحْنَاءُ وَالتَّحَاسُدُ؛

بغض، حسد و کینه از میان مردم رخت بر می‌بندد. (۲)

(۵۴) امام باقر علیه السلام آبادانی جهان را چنین ترسیم می‌کنند:

فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عَمْرَةٌ؛

بر فراز کوهی خاکی، هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند، جز این که آباد سازد. (۳)

(۵۵) و در یک تعبیر جامع فرمود:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ إِذَا كَانَ، زَيْدَ الْمُحْسِنِ فِي إِحْسَانِهِ، وَتَيْبَ عَلَى الْمُسِيءِ مِنْ

إِسَائِهِ وَهُوَ يَبْذُلُ الْمَالَ وَ يَشْتَدُّ عَلَى الْعُمَّالِ وَ يَرْحَمُ الْمَسَاكِينَ

چون عصر مهدی فرا رسد، بر نیکی اشخاص نیکوکار افزوده می‌شود، افراد تبهکار از گناه خود توبه داده می‌شوند.

او ثروت را بی‌محابا می‌بخشد، بر کارگزاران سخت می‌گیرد، بر بینوایان

ترحم می‌کند. (۴)

۱. سیوطی، الحاوی، ج ۲ ص ۵۸.

۲. ابن الوردی، خریدة العجائب، ص ۲۰۱.

۳. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ص ۳۰۲.

۴. ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۸، ص ۶۷۹، ح ۱۹۸.

۲۰. مظهر جود خدا

همه‌ی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام مظهر جود خدا بوده، همواره دیگران را بر خود ایثار می‌کردند و بهترین‌ها را در راه خدا انفاق می‌نمودند، ولی در مورد جود و بخشش آخرین اندوخته‌ی پروردگار، تعبیرهای جالبی در احادیث آمده، که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

(۵۶) پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دست بخشنده و سیره‌ی فیض آثار فرزند دل‌بندش را این‌گونه به تصویر می‌کشد:

يُفِيضُ الْمَالَ قَيْضًا؛

ثروت رات سیل آسا فرو می‌ریزد. (۱)

(۵۷) در مورد کیفیت تقسیم ثروت فرمود:

يُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحًا؛

ثروت را «صحاحا» تقسیم می‌کند

پرسیدند: «صحاحاً» یعنی چه؟ فرمود: یعنی: به‌طور مساوی. (۲)

(۵۸) امام باقر علیه‌السلام در این رابطه فرمود:

إِذَا قَامَ مَهْدِيُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ

هنگامی که مهدی ما اهل‌بیت قیام کند، ثروت را به‌طور مساوی تقسیم می‌کند

و عدالت را میان رعیت اجرا می‌نماید. (۳)

(۵۹) حضرت خاتم‌الانبیاء در مورد بذل و بخشش خاتم‌الأوصیاء فرمود:

۱. سلمی، عقد‌الذرر، ص ۱۶ و ۳۴.

۲. سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵.

۳. مقدسی، فراند فوائد‌الفکر، ص ۲۵۲.

يَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي خَلِيفَةً يُحْيِي الْمَالَ حَيًّا وَلَا يَعُدُّهُ عَدًّا

در آخر امت من خلیفه‌ای خواهد بود که مال را مشت مشت بریزد، بدون این که آن را بشمارد. (۱)

در برخی از منابع حدیثی، در این حدیث به جای «آخر امتی» تعبیر: «آخر الزمان» آمده است. (۲)

(۶۰) در بیان دیگری فرمود:

يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةً يُعْطِي الْمَالَ، وَلَا يَعُدُّهُ عَدًّا

در آخر الزمان خلیفه‌ای خواهد بود که ثروت را بدون این که آن را بشمارد - عطا می‌کند. (۳)

(۶۱) در حدیث دیگری در مورد گوارا بودن عطایای آن حضرت فرمود:

يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ الزَّمَانِ وَظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: «الْمَهْدِيُّ»
يَكُونُ عَطَاؤُهُ هَيْبًا.

در آن روزگار ناسازگار و در آن دوران بروز فتنه‌ها، مردی خواهد بود که به آن «مهدی» گویند، دهش‌ها و بخشش‌هایش گوارا خواهد بود. (۴)

(۶۲) رسول عالمیان دهش‌های آن مظهر جود خدا را این گونه ترسیم می‌کند:

چون کسی از آن حضرت تقاضای کمک کند، به مقداری که توان بردنش را

۱. بغوی، مصابیح السنة ص ۱۹۲؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۳، ح ۳۸۶۵۹؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۳۲.

۲. سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۰.

۳. احمد حنبل، المسند، ج ۴، ص ۱۱، ح ۱۱۰۱۲؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ص ۲۹۷.

۴. سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۰.

دارد، پول در اختیارش می‌گذارد. (۱)

(۶۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری به این نکته نیز اشاره می‌کنند که به هنگام ظهور آخرین امام نور علاوه بر غنای مادی، مردم از نظر معنوی نیز غنی می‌شوند، حرص و آز از دل مردم رخت بر می‌بندد.

يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، يَتَّقِسُّ الْمَالَ صِحَاحاً وَ يَمْلَأُ
اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غِنًى وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ

ساکنان آسمان و ساکنان زمین از او خشنود می‌شوند، ثروت را به طور مساوی تقسیم می‌کند، خداوند دل‌های امت محمد صلی الله علیه و آله را از روح بی‌نیازی و بزرگواری آکنده می‌سازد و عدالتش همگان را فرا می‌گیرد. (۲)

۲۱. منبع برکات

هیچ نقاش چیره دستی قادر به تصویر سیمای جهان در دوران ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) نمی‌باشد، ولی شماری از احادیث مربوط به برکات وجودی آن حضرت را از باب تیمن و تبرک در اینجا می‌آوریم:

(۶۴) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می‌فرماید:

يُنزَلُ لَهُ مِنَ اللَّهِ الْبَرَكَاتُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا؛

خداوند برکات آسمان را برای او فرو می‌فرستد، زمین نیز برکاتش را برای او ظاهر می‌سازد. (۳)

۱. خطیب تبریزی، مشکات المصابیح، ج ۳، ب ۲۷، ح ۵۴۵۵.

۲. احمد حنبل، المسند، ج ۴، ص ۷۵، ح ۱۱۳۲۶؛ حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۰، ح ۵۶۱؛

ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ص ۲۹۷؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۲۹؛ متقی هندی،

کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۲، ح ۳۸۶۵۳؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵.

۳. سلمی، عقد الدرر، ص ۱۵۶.

(۶۵) در همین رابطه در حدیث آمده است که:

و تَزِيدُ الْمِيَاهُ، وَ تَمْتَدُّ الْأَنْهَارُ، وَ تُضْعِفُ الْأَرْضُ أَكْلَهَا؛

آب‌ها فراوان می‌شود، رودخانه‌ها گسترش می‌یابد و زمین میوه‌هایش را چندین برابر می‌کند. (۱)

(۶۶) و در حدیث دیگری فرمود:

يَسْقِيهِ اللهُ الْعَيْثَ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتِهَا، وَ يُعْطِي الْمَالَ صِحَاحاً وَ تَكْثُرُ
الْمَاشِيَةُ وَ تَعْظُمُ الْأُمَّةُ

خداوند او را با باران رحمتش سیراب می‌کند، زمین گیاهش را بیرون می‌فرستد، او ثروت را به طور مساوی بخشش می‌کند، دام‌ها فراوان شوند و امت شکوهمند گردد. (۲)

(۶۷) و در حدیث دیگر فرمود:

تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيماً لَمْ يَتَّعَمُوا مِثْلَهُ قَطُّ، الْبِرُّ وَ الْفَاجِرُ يُرْسَلُ
السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِذْرَاراً وَ لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا

امت من در زمان او آن چنان در ناز و نعمت غوطه‌ور می‌شوند که هرگز چنین رفاه و گشایشی نبوده است. هر شخص نیکوکار و تبهکار از این نعمت‌ها برخوردار می‌شوند.

آسمان بارانش را سیل آسا برای آنها فرو می‌ریزد و زمین چیزی از گیاهش را

۱. سفارینی، لوائح الأنوار البهية، ج ۲، ص ۷۸؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۷۸؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۴۱.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۳؛ ح ۳۸۷۰۰؛ ذهبی، تلخیص المسند، ج ۴، ص ۵۵۸.

ذخیره نمی‌کند. (۱)

(۶۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیش از دو قرن و نیم پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام در مورد آثار و برکات شب میلاد آن حضرت فرمود:

لَيْلَةُ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، يَغْفِرُ اللَّهُ لِعِبَادِهِ، إِلَّا لِمُشْرِكٍ أَوْ لِعَبْدٍ مُشَاحِنٍ؛

در شب نیمه‌ی شعبان، خداوند متان همه‌ی بندگان را می‌آمرزد به جز افراد مشرک و بدعتگزار. (۲)

(۶۹) رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام به نوعی دیگر از برکات وجودی آن حضرت پرده برداشته و می‌فرماید:

تَطُولُ لَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِينِهِ بِمِقْدَارِ عَشْرِ سِنِينَ؛

شب‌ها و روزها در عهد او طولانی می‌شود، تا جایی که یک سال از سال‌های زمان او به مقدار ۱۰ سال می‌شود. (۳)

۲۲. خوشبخت‌ترین

با توجه به این همه برکات که در عصر موفور السرور آن امام نور رخ می‌دهد، هر انسان معتقد آرزو می‌کند که ای کاش یک گوشه‌ی چشمی از یوسف زهرا به او معطوف شود، آنگاه آرزو می‌کند که آن عصر مشعشع طلایی را درک کند، برای رسیدن به این سعادت در تهذیب نفس و خودسازی خود تلاش می‌کند.

۱. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۵۶۶؛ ابن کثیر، النهایة، ج ۱، ص ۳۰؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ص ۲۹۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۳، ح ۳۸۷۰۶.
 ۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۸۵.
 ۳. قرمانی، اخبار الدول و آثار الأول، ص ۱۱۸.

در احادیث فراوان به این نکته اشاره شده، از جمله حدیث زیر

(۷۰) امام باقر علیه السلام فرمود:

يَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ؛

خوشا به حال کسی که آن حضرت را درک کند و در زمره یاران حضرتش

قرار بگیرد. (۱)

(۷۱) در حدیث دیگری خطاب به اهل کوفه آمده است:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، أَنْتُمْ أَسْعَدُ النَّاسِ بِالْمَهْدِيِّ؛

ای اهل کوفه! شما به برکت حضرت مهدی خوشبخت‌ترین انسان‌ها

می‌باشید. (۲)

آری! پس از انتخاب کوفه به عنوان پایتخت حکومت جهانی حضرت

مهدی علیه السلام، اهل کوفه این سعادت را دارند که همه‌ی نمازهای یومیه‌ی خود را

پشت سر آن حضرت اقامه کنند و همه خطبه‌های حیات بخش آن امام همام را با

گوش جان استماع نمایند.

نیک بختانی که سعادت درک عصر آکنده از شادکامی‌ها را پیدا کنند، طبعاً

آرزو می‌کنند که ای کاش پدران، نیاکان و دیگر عزیزانشان زنده بودند و آن

روزها مبارک و میمون را درک می‌کردند.

در احادیث فراوان به این نکته اشاره شده، از جمله حدیث زیر:

(۷۲) پیامبر رحمت فرمود:

۱. سلمی، عقد الدرر، ص ۶۴.

۲. ابن ابی شیبة، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۸۹.

تَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرٍ؛

در اثر آن همه خیر که خداوند متعال به اهل زمین عنایت می‌کند، زنده‌ها
مردگان خود را آرزو می‌کنند. (۱)

۲۳. معیار شناخت

(۷۳) از سالار شهیدان پرسیدند: حضرت مهدی عجل الله فرجه را چگونه می‌توان
شناسایی کرد؟ فرمود:

بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ؛

با متانت و وقار

پرسیدند: دیگر با چه نشانی؟ فرمود:

بِمَعْرِفَةِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَبِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَ لَا يَخْتِاجُ إِلَى أَحَدٍ.

با شناخت و آگاهی کامل آن حضرت به احکام حلال و حرام و نیاز همگان
به ایشان و بی‌نیازی ایشان از همگان. (۲)

۲۴. از تبار سالار شهیدان

در احادیث فراوان تصریح شده که حضرت مهدی عجل الله فرجه از تبار امام حسین علیه السلام
و نهمین فرزند آن حضرت می‌باشد، از جمله حدیث زیر:

(۷۴) جناب سلمان می‌فرماید:

به محضر مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شدم، دیدم که امام حسین علیه السلام را

۱. حاکم، مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۵؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۴۴؛ مقدسی، فرائد فواند
الفکر، ص ۲۸۵، ملا علی قاری، مرقات المفاتیح، ج ۵، ص ۱۸۴؛ عدوی حمزوی، مشارق الأنوار،
ص ۱۱۲.

۲. سلمی، عقد الدرر، ص ۴۱؛ مقدسی، فرائد فواند الفکر، ص ۲۵۰.

روی زانوی مبارکش نهاده، دهانش را بوسه باران کرده، بر میان دو دیده نور دیده‌اش بوسه می‌زند و می‌فرماید:

أَنْتَ سَيِّدٌ، إِبْنُ سَيِّدٍ وَ أَنْتَ الْإِمَامُ، إِبْنُ الْإِمَامِ، وَأَنْتَ حُجَّةٌ، إِبْنُ حُجَّةٍ،
وَأَنْتَ أَبُو حُجَجٍ تِسْعَةَ، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ؛

تو آقا، پسر آقا، امام، پسر امام، حجت، پسر حجت و پدر نه حجت هستی که
نهمین آن‌ها قائم آن‌ها می‌باشد. (۱)

۲۵. وظیفه‌ی ما

پس از اشاره‌ای کوتاه به آثار و برکات وجودی حضرت ولی عصر، امام
زمان علیه السلام به یکی از وظایف خود در عصر غیبت اشاره می‌کنیم:

(۷۵) رسول اکرم صلی الله علیه و آله مهم‌ترین وظیفه‌ی ما را در عصر غیبت انتظار فرج بیان

کرده، می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

برترین عبادت‌ها انتظار فرج می‌باشد. (۲)

(۷۶) در حدیث دیگر به سختی آن اشاره کرده، می‌فرماید:

إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبَادَةٌ؛

انتظار فرج، اگر همراه با شکیبایی باشد، عبادت است. (۳)

در کتاب درسینامه مهدویت که سال گذشته توسط «ستاد مردمی شعبانیه»

۱. قندوزی، منابع المودّة، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۹۰۹.

۲. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵؛ ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۵۶۵، ح ۳۵۷۱.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۲۷۲، ح ۶۵۰۷.

منتشر شد، به تفصیل در این زمینه سخن گفتیم.^(۱) به کتاب‌های ذکر شده در آخر درس نیز مراجعه شود:

چکیده

در این درس از آبادانی جهان در عصر ظهور، بذل و بخشش بی حساب حضرت مهدی، اجرای عدالت، اصلاح تبه‌کاران، بی‌نیازی همگان، وفور نعمت، فراوانی دام‌ها، گسترش رودخانه‌ها، نزول بارش‌های رحمت، تقسیم مساوی ثروت، از بین رفتن کینه و حسد، اجرای کامل عدالت، انتخاب کوفه به عنوان پایتخت دولت کریمه، تجلی برکت در ساعات شبانه روز، آسایش و آرامش و امنیت، تاجایی که مردمان مردگان خود را آرزو کنند. فضیلت انتظار فرج، نوید جایگاه شب نیمه‌ی شعبان در احادیث اهل سنت و دیگر آثار حکومت حقّه و سیره‌ی حکومتی آن حضرت، سخن رفته است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. تکالیف الانام، تألیف: صدر الاسلام علی اکبر همدانی، متوفای ۱۳۲۵ ق.
۲. تنها ره‌رهایی، تألیف: علی اکبر مهدی پور، - معاصر -
۳. کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، تألیف: سید محمد تقی موسوی اصفهانی، متوفای ۱۳۴۸ ق.
۴. مکیال المکارم، تألیف ایشان.
۵. وظیفه الانام فی زمن غیبة الامام، تألیف ایشان.^(۲)

۱. ستاد مردمی شعبانیه، درسنامه مهدویت، ص ۱۳۹-۱۵۸.

۲. برای کتابشناسی توصیفی آثار فوق مراجعه فرمایید به: کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ص ۲۴۸.

درس نهم

سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام

در احادیث اهل بیت علیهم السلام

در درس‌های گذشته احادیث مربوط به سیره‌ی حمیده‌ی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در منابع اهل تسنن تقدیم گردید، در این درس سیره‌ی حمیده‌ی آن حضرت را از منابع شیعه تقدیم می‌کنیم:

۱. شمیم رحمت

همه‌ی امامان، مظهر رحمت خداوند متان هستند، ولی حضرت مهدی علیه السلام رحمت واسعه‌ی پروردگار است و در احادیث فراوان جلوه‌هایی از مراتب رحمت و شفقت آن شمیم رحمت ترسیم شده، که به شماری از آنها اشاره می‌کنیم:

۱) در حدیث قدسی مشهور به: «لوح فاطمی» که از سوی حضرت پروردگار به محضر پیامبر رحمت اعطا شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را به تنها یادگار خود حضرت فاطمه علیها السلام اهدا فرموده است، اسامی دوازده امام نور و ویژگی‌های آن‌ها آمده، پس از نام مقدس امام حسن عسکری علیه السلام آمده است:

ثُمَّ أَكْمِلُ ذَلِكَ بِإِبْنِهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ

عَلَيْهِ كَمَالٌ مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ

سپس آن سلسله امامت را با فرزندش (فرزند امام حسن عسکری) تکمیل می‌کنم، که رحمت است برای جهانیان، کمالات حضرت موسی، شکوه و جلالت حضرت عیسی، صبر و شکیبایی حضرت ایوب با اوست. (۱)

(۲) در فرازی از زیارت «آل یاسین» که از ناحیه‌ی مقدسه صادر شده، خطاب به آن حضرت آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ وَالْفَوْثُ وَالرَّحْمَةُ
الْوَاسِعَةُ

درود بر شما ای پرچم برافراشته، ای دانش در حال ریزش، هان ای پناهگاه و رحمت گسترده! (۲)

(۳) امیر بیان، پیشوای پروا پیشگان، در فرازی از یک حدیث گسترده، در وصف آن خورشید تابان می‌فرماید:

أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرُكُمْ عِلْمًا وَ أَوْصَلُكُمْ رَحِمًا

از نظر پناه دهی از همه وسیع‌تر، از نظر دانش از همه بیشتر و از نظر دل‌رحم بودن از همه افزون‌تر. (۳)

(۴) حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، در سخنان خود در مکه‌ی معظمه به هنگام ظهور، از رحمت گسترده خداوند سخن می‌گوید، سپس می‌فرماید:

وَ أَنَا تِلْكَ الرَّحْمَةُ

۱. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۱۲.

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳.

۳. شیخ حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۸.

آن رحمت گسترده الهی من هستم. (۱)

(۵) در فرازی از پیام آن امام مهربانی‌ها که توسط نفس زکیه، در مسجد الحرام در میان رکن و مقام قرائت می‌شود، چنین اعلام می‌شود: ای اهل مکه، من فرستاده فلانی هستم، او می‌فرماید:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ الْخِلَافَةِ

ما اهل بیت رحمت، معدن رسالت و کان خلافت هستیم. (۲)

(۶) امام جواد علیه السلام در مورد محبت و شفقت آن امام همام، خطاب به جناب عبدالعظیم می‌فرماید:

يُلْقَى فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ

از سوی پروردگار، رحمت بر قلب شریفش القا می‌شود. (۳)

در این احادیث که فرازهایی از آنها تقدیم گردید، از آن حضرت به عنوان رحمت برای جهانیان، رحمت گسترده پروردگار، دل رحم، مظهر رحمت خداوند، از سلاله‌ی اهل بیت رحمت و محل ریزش رحمت پروردگار تعبیر شده است.

۲. بخشنامه‌ی جنگی

(۷) در فرازی از بخشنامه‌ی که در صحنه‌ی نبرد با سپاه سفیانی از آن حضرت صادر می‌شود، خطاب به سپاهیان خود می‌فرماید:

أَلَا لَا تُتَّبِعُوا مُدْبِرًا وَلَا تُجْهَرُوا عَلَى جَرِيحٍ

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸.

آگاه باشید، هرگز فراری را دنبال نکنید و افراد زخمی را نکشید.

سپس فرمان می‌دهد که با آن‌ها همانند شیوهٔ امیر مؤمنان علیه السلام در جنگ جمل رفتار کنند. (۱)

شیوه‌ی امیر مؤمنان علیه السلام در جنگ‌ها با خطوط زرّین بر تارک تاریخ بشری نوشته شده و بر همگان روشن است.

ابن ابی الحدید می‌نویسد:

هنگامی که صف‌ها بسته می‌شد، امیر المؤمنین علیه السلام خطبه‌ای ایراد می‌کرد و در ضمن آن می‌فرمود:

شما هرگز اقدام به جنگ نکنید...

هرگز زخمی‌ها را نکشید.

اگر دشمن را شکست دادید، هرگز فراری‌ها را دنبال نکنید. (۲)

مولای متقیان در جنگ صفین به سپاهیان خود فرمود:

شما آغازگر جنگ نباشید.

اگر خدا خواست که پیروز شوید، فراری‌ها را دنبال نکنید.

به افراد بی‌دفاع متعرض نشوید.

زخمی‌ها را نکشید.

به هیچ زنی آسیب نرسانید، اگرچه به شما دشنام دهند یا به امیر شما ناسزا گویند. (۳)

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۹.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۲۸.

۳. سید رضی، نهج البلاغه، بخش نامه‌ها، نامه‌ی ۱۴.

۳. سیره حمیده حضرت مهدی علیه السلام

در روایات فراوان تأکید شده که سیره‌ی حضرت بقیة الله ارواحنا فدا، همان سیره‌ی پیامبر رحمت می‌باشد، اینک فرازهایی از روایات در این باب:

(۸) محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام پرسید: هنگامی که قائم علیه السلام قیام می‌کند، با چه شیوه‌ای رفتار می‌کند؟ فرمود:

بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ

با همان سیره و روشی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار نمود.

پرسید: سیره پیامبر چگونه بود؟ فرمود:

أَبْطَلَ مَا كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَاسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ

بر آن چه در عهد جاهلی بود، مهر بطلان زد و با مردمان بر اساس عدالت رفتار نمود. (۱)

(۹) عبدالله بن عطاء نیز همین پرسش را از محضر امام صادق علیه السلام نمود، حضرت در پاسخ فرمود:

يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ

همان گونه انجام می‌دهد که رسول خدا انجام می‌داد. (۲)

(۱۰) در حدیث دیگری شباهت‌های حضرت مهدی علیه السلام را با پیامبران عظیم الشأن می‌شمارد، در پایان می‌فرماید:

۱. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۵۴.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۱.

وَأَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ مُحَمَّدٍ ﷺ فَيَهْتَدِي بِهُدَاهُ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ.

اما شیوه‌ای از حضرت محمد ﷺ دارد، این است که از شیوه‌ی هدایت آن حضرت هدایت یافته و با سیره‌ی آن حضرت رفتار می‌کند (۱).

(۱) و در حدیث دیگری فرمود: هنگامی که خداوند به قائم عجل الله اذن خروج دهد، بر فراز منبر قرار گرفته، آن‌ها را به خدا سوگند می‌دهد و به سوی خود فرا می‌خواند و می‌فرماید:

أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ يَعْمَلَ فِيهِمْ بِعِلْمِهِ

- متعهد می‌شود که - در میان آنها با سیره‌ی پیامبر صلی الله رفتار کند و چون شیوه‌ی آن حضرت عمل نماید. (۲)

(۱۲) حضرت خاتم الانبیاء صلی الله در مورد حضرت خاتم الاوصیاء فرمود:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي

قائم عجل الله از فرزندان من است، نامش نام من، کنیه‌اش کنیه‌ی من، شمایلش شمایل من و سیره‌اش همان سیره‌ی من است. (۳)

(۱۳) امام باقر عجل الله در ضمن یک حدیث طولانی، متن خطبه‌ای را که امام مهربانی‌ها در هنگامه‌ی ظهور در کنار خانه‌ی خدا ایراد خواهد نمود، نقل کرده، در فرازی از آن می‌فرماید:

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳. شیخ صدوق، همان، ص ۴۱۱.

أَلَا وَمَنْ حَاجَّني فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ

هر کس با سنت پیامبر خدا با من مواجه کند، من برای اجرای سنت رسول خدا از هر شخص دیگری شایسته‌تر هستم. (۱)

همین مضمون در ده‌ها حدیث دیگر با تعبیرهای مختلف به صراحت آمده است. (۲)

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ و صلح، با دوست و دشمن، برای همگان روشن است و به نص قرآن برای همگان آسوه و الگو می‌باشد. (۳)

حضرت مهدی علیه السلام به بیان خودش، برای تأسی و تبعیت از پیامبر اکرم، از همه شایسته‌تر است.

بر اساس تعبیرهای صریح و شفاف احادیث فراوان، که شماری از آنها تقدیم گردید، سیره و شیوه حضرت مهدی علیه السلام، همان سیره رسول عالمیان می‌باشد.

۴. قلّه‌ی شرافت

در مورد جایگاه رفیع و مقام منیع حضرت مهدی علیه السلام روایات فراوان از پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است که به شماری از آنها اشاره می‌کنیم:

(۱۴) امیر بیان، پیشوای پرواپیشگان، شرح گسترده‌ای پیرامون مقام والای

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴؛ حزاز، کفایة الأثر، ص ۱۱؛ سید رضی، نهج البلاغة، خطبه‌ی ۱۳۸؛ راوندی، الذّعات، ص ۲۹۶؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۳، ص ۵۲۱؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۰؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳ و ۱۶۱.

۳. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۱.

فرزند برومندش امام زمان علیه السلام ایراد فرموده که ترجمه‌ی فرازهایی از آن را تقدیم می‌کنیم:

او از بنی‌هاشم، از برترین نژاد عرب، از قلّه‌ی شرف، از اقیانوس بی‌کران فضیلت، که همه‌ی نهرهای فضیلت‌ها به سوی آن سرازیر می‌شود، پناه همه‌ی پناهجویان، کان صفا، هنگامی که همه بی‌صفا می‌شوند.

چون مرگ چنگ و دندان نشان دهد، او هراسی به دل راه ندهد.

هنگامی که عرصه‌ی نبرد، تنگ‌تر شود، ضعف و زبونی بر او عارض نشود.

هنگامی که پهلوان‌ها نقش بر زمین شوند، او عقب‌نشینی نمی‌کند.

همواره آماده‌ی نبرد، همیشه پیروز، دشمن شکن، شیربیشه‌ی شجاعت، درهم کوبنده‌ی ریشه‌ی ستمگران، ویرانگر کاخ‌های ظلم و استبداد، قهرمانی شجاع و بزرگوار، شمشیری برنده از شمشیرهای خداوند، دست‌بخشنده‌ای از مظاهر جود و بخشش خداوند، اوج قلّه‌ی شرف انسانی، که در اعماق اصیل‌ترین فضیلت‌ها ریشه دوانیده است.

آن‌گاه امیر مؤمنان به توصیف دانش گسترده و صفات برجسته‌ی آن حضرت پرداخته، در پایان دست مبارکش را بر روی سینه نهاده فرمود:

هَاهُ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ.

آه، من چقدر مشتاق دیدار او هستم. ^(۱)

(۱۵) در بیان دیگری در مورد یاران خاص آن حضرت سخن گفته، در پایان

فرمود:

و يَا شَوْقًا إِلَىٰ رُؤْيَيْهِمْ فِي خَالِ حُضُورِ دَوْلَتِهِمْ؛

آه، من علی، چقدر مشتاق هستم که آن‌ها را به هنگام ظهور و استقرار دولتشان مشاهده نمایم. (۱)

۵. خشنودی همگان

در این رابطه چندین حدیث در بخش‌های قبلی از منابع عامه نقل کردیم، اینک چند حدیث از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام

(۱۶) رسول عالمیان در مورد رضایت جهانیان از حکومت حقّی حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام می‌فرماید:

يَرْضَىٰ عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛

ساکنان آسمان و ساکنان زمین از او خشنود می‌شوند. (۲)

(۱۷) در فرازی از یک حدیث طولانی آمده است:

يَرْضَىٰ عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوِّ وَ الْحَيْثَانُ فِي الْبِحَارِ؛

ساکنان آسمان، مرغان هوا و ماهیان دریا از او خشنود می‌شوند. (۳)

خشنودی آسمانیان و آدمیان بسیار طبیعی است، اما مرغان و ماهیان چرا از حکومت آن حضرت خشنود می‌شوند؟

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۷۸.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۱۹.

یک احتمال این است که آن‌ها نیز هوشمند هستند و به همین دلیل از برقراری حکومت حقه‌خشنود و خوشحال می‌باشند.

احتمال دیگر این که در عصر موفور السرور ظهور دیگر آب و هوا آلوده نمی‌شوند. از این رهگذر پرندگان و آبزی‌ها نفس راحتی می‌کشند و احساس آرامش و آسایش می‌کنند.

(۱۸) امیر بیان، مولای متقیان علی علیه السلام در بیان جامع‌تر از خشنودی اهل برزخ پرده بر می‌دارد و در ضمن یک حدیث طولانی می‌فرماید:

لَا يَتَّقَى مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرْحَةُ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ وَ هُمْ يَتَزَاوَرُونَ فِي قُبُورِهِمْ وَ يَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ؛

هیچ مرده‌ی مسلمانی نمی‌ماند، جز این که این مسرت و شادمانی، در قبر به او می‌رسد، مردگان در قبرها به دیدار یک دیگر می‌روند و قیام قائم علیه السلام را به یکدیگر تبریک می‌گویند. (۱)

(۱۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام گفت و گو از بانگ آسمانی می‌فرماید:

إِذَا كَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَيُّهَا النَّاسُ قُطِعَ عَنْكُمْ مَدَّةُ الْجَبَّارِينَ وَ وُلِّيَ الْأَمْرَ خَيْرُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ فَالْحَقُّوا بِمَكَّةَ؛

هنگامی که هنگامه‌ی خروج قائم علیه السلام فرارسد، منادی آسمانی فریاد بر می‌آورد:

هان ای مردمان! دیگر دوران ستمگران سپری شد، زمام امور را بهترین فرد

امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله در دست گرفت، پس به مکه معظمه بیونید. (۲)

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳.

۲. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

چکیده

دشمنان اهل بیت تلاش کرده‌اند که حکومت حضرت مهدی علیه السلام را حکومتی مستبد، خشن و مبتنی بر خشونت معرفی کنند.

در این درس سیمای ملکوتی آن شمیم رحمت، بر اساس احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بیان شد، فرازهایی از بخشنامه‌ی جنگی آن حضرت در میدان جنگ نقل شده، احادیث صریح و شفاف در مورد این که سیره‌ی آن حضرت همان سیره‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد، از پیشوایان معصوم آمده، از خشنودی پرندگان هوا، ماهیان دریا و درندگان صحرا در حکومت آن حضرت سخن رفته، ابراز سرور و شادمانی ارواح مؤمنان در عالم برزخ بیان شده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. کتاب الغیبة، تألیف: ابو جعفر محمد بن ابراهیم نعمانی - قرن چهارم -
۲. کتاب الغیبة، تألیف: شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ق
۳. کمال الدین، تألیف: شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱.

درس دهه

حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی

مرزهای جغرافیایی در هم ریزد، شالوده حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی در سرتاسر گیتی استوار گردد.

در سطح جهان فقط یک حکومت و آن حکومت حضرت مهدی، فقط یک فرمانروا و آن یوسف زهرا، تنها یک قانون اساسی و آن قرآن کریم، فقط یک پرچم و آن پرچم توحید، تنها یک آیین و آن دین مقدس اسلام به رسمیت شناخته می شود.

مهم ترین شاخصه‌ی حکومت حضرت مهدی علیه السلام عدل فراگیر است که در ۱۴۸ حدیث به این تعبیر آمده است:

يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از جور و ستم شده باشد. (۱)

۶. عدل فراگیر

(۲۰) رئیس مذهب، امام به حق ناطق، حضرت جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

۱. آیه الله صافی، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۲۳.

أَمَّا وَ اللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ.

به خدا سوگند! عدالت آن حضرت در داخل خانه هایشان به آنها می‌رسد، همان گونه که گرما و سرما به داخل خانه‌ها راه پیدا می‌کند. (۱)

(۲۱) خداوند منان در قرآن کریم می‌فرماید:

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛

بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می‌کند. (۲)

امام صادق در تفسیر آن فرمود:

أَيُّ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أُمَّةٍ الضَّلَالِ؛

یعنی خداوند آن را زنده می‌کند با عدالت قائم علیه السلام به هنگام ظهورش؛ پس از آن که باستم پیشوایان ضلالت، مرده باشد. (۳)

(۲۲) هنگامی که حضرت نرجس خاتون به محضر امام هادی علیه السلام شرفیاب

شد، امام علیه السلام فرمود: می‌خواهم به تو جایزه‌ای بدهم، آیا ۱۰۰۰۰ دینار طلا برای تو خوشتر است یا بشارتی که در آن شرف جاودانه است؟

عرضه داشت: مژده فرزند برای من. فرمود:

أَبْشِرِي بِوَلَدٍ يَمْلِكُ الدُّنْيَا شَرْقًا وَ غَرْبًا، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا، كَمَا
مُلِثْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛

تو را بشارت باد به فرزندی که شرق و غرب گیتی را تحت سیطره خود در می‌آورد، جهان را آکنده از عدل و داد می‌سازد، همان گونه که پر از جور و

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۹۷.

۲. سوره‌ی حدید، آیه ۱۷.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۲۴؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۱.

ستم شده باشد. (۱)

۷. آشتی فرامنی

در عصر موفور السرور ظهور مصلح جهانی، نه تنها در میان همه‌ی توده‌ها صلح و صفا حاکم می‌شود، بلکه بر اساس روایات فروان، حتی در میان دیگر جانداران نیز صلح و آشتی برقرار می‌شود:

(۲۳) امام حسن مجتبی علیه السلام در یکی از احتجاج‌های خود می‌فرماید:

وَ تَضَلَّخُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ؛

در حکومت آن حضرت حتی درندگان نیز آشتی می‌کنند. (۲)

(۲۴) امیر مؤمنان علیه السلام در این رابطه فرمود:

لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اضْطَلَّحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ؛

در آن روزگار، کینه و حسد از دل بندگان خدا رخت بر می‌بندد، درندگان و چارپایان با یکدیگر آشتی می‌کنند. (۳)

جالب توجه است که در کتب عهدین نیز در این رابطه گفتگو شده است. (۴)

و شایان دقت است که در منابع زرتشتیان نیز از آشتی حیوانات در عصر

ظهور سخن رفته است. (۵)

۸. آگاهی گسترده

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۳؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۱۴؛ طبری، دلایل الامامة،

ص ۲۶۷، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۷۴.

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.

۳. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۱۹.

۴. عهد قدیم، کتاب اشعیاء نبی، فصل ۱۱، فرازهای ۱-۱۰.

۵. ر.ک: او خواهد آمد، ص ۱۳۲.

گاهی امامان معصوم علیهم السلام از گذشته و آینده جهان، از اعماق دل انسان‌ها و از هر چیزی که نسبت به دیگران غیب محسوب می‌شود، از اعتقادات قطعی و مسلم ما می‌باشد، در این جا نیاز به بسط سخن نیست، تنها به نقل یک حدیث بسنده می‌کنیم.

(۲۵) امام صادق علیه السلام در یک بیان جامع فرمودند:

إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ
مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفَضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ
بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يَبْصُرْهَا؛

هنگامی که زمام امور به دست صاحب این امر منتهی شود، خداوند متعال، همه‌ی پستی‌ها و بلندی‌های روی زمین را برای او صاف و هموار سازد، پس همه‌ی دنیا در برابر او همانند کف دست او می‌شود. آیا اگر در کف دست یکی از شما مویی باشد، آن را نمی‌بینید؟^(۱)

۹. اندوخته الهی

قرآن کریم در آیات فراوانی برای تنها بازمانده از حجج الهی اطلاع رسانی کرده و در یک مورد از او به «بقیة الله» تعبیر کرده و فرمود:

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛

بازمانده‌ی خدا برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید.^(۲)

علاوه بر کتب تفسیر، در شماری از احادیث نیز عنوان «بقیة الله» بر حضرت مهدی علیه السلام اطلاق شده است که به شماری از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۴.

۲. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۸۶.

(۲۶) امام باقر علیه السلام در فرازی از یک حدیث گسترده فرمود:

فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا
وَ أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ؛

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱)

ثُمَّ يَقُولُ:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ

فَلَا يُسَلَّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛

هنگامی که آن حضرت خروج می‌کند، پشتش را به کعبه تکیه می‌دهد، ۳۱۳ تن مرد در اطراف او گرد آیند.

نخستین چیزی که بر زبان جاری کند، این آیه‌ی شریفه است:

«اندوخته خدا برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید».

آنگاه می‌فرماید:

من «بقیة الله» هستم، من حجّت و خلیفه خدا بر شما هستم.

پس هر کس به او سلام کند، می‌گوید:

درود بر تو ای اندوخته خدا در روی زمین. (۲)

(۲۷) از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا می‌توان به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان

۱. همان.

۲. فضل بن شاذان، اثبات الرجعة - مخطوط -؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱؛ طبرسی،

اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲؛ میرلوحی، کفایة المهتدی، ص ۶۶۱؛ همو، گزیده آن، ص ۲۸۰؛ خاتون

آبادی، کشف الحق، ص ۱۸۲، اربلی، کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۲۴.

«امیرالمؤمنین» سلام است؟ فرمود: نه.

پرسیدند: پس چگونه به ایشان سلام بگوییم؟ فرمود: بگویید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ؛

درود بر تو ای بازمانده خدا.

آن گاه امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود:

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^(۱)

(۲۸) امام هادی علیه السلام ایام هفته را در میان ۱۴ نور پاک تقسیم نمود، در مورد

روز جمعه فرمود:

آن نیز از آن پسر امام حسن عسکری علیه السلام است، که امت اسلامی بر او گرد

آیند.

آنگاه آیه شریفه را تلاوت نمود، سپس فرمود:

نَحْنُ بَقِيَّةُ اللَّهِ؛

ما بازماندگان خداوند هستیم.^(۲)

۱۰. رمز بقای جهان هستی

بر اساس اعتقاد قطعی ما، اگر یک لحظه روی زمین خالی از حجّت باشد،

زمین ساکنانش را در کام خود فرو می برد.

در درس های پیشین شماری از احادیث عامه را در این رابطه آوردیم و این

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱؛ فرات الکوفی، تفسیر فرات، ج ۱، ص ۱۹۳؛ شیخ حر عاملی، اثبات

الهداة، ج ۳، ص ۴۴۷؛ علامه مجلسی، مرآت العقول، ج ۴، ص ۳۷۰.

۲. مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۲۲۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۲۸۳.

یک حدیث از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام

(۲۹) امام باقر علیه‌السلام در این رابطه می‌فرماید:

لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ يَوْمًا بِلَا إِمَامٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛

اگر یک روز زمین بدون امامی از ما بماند، اهل خود را در کام خود فرو می‌برد. (۱)

۱۱. خورشید پنهان

در ضمن چهار حدیث از چهار معصوم، وجود مقدس حضرت بقیه الله در ایام غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است.

حدیثی در درسهای پیشین از کتب عامه نقل کردیم و اینک حدیث دیگری از شخص حضرت مهدی علیه‌السلام:

(۳۰) در توقیع شریفی که از ناحیه مقدسه توسط دو مین نایب خاص آن حضرت به افتخار اسحاق بن یعقوب صادر شده، آمده است:

وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَبَّتْهَا عَنِ
الْأَبْصَارِ السَّحَابِ

اما کیفیت بهره‌مند شدن از من در دوران غیبت، همانند بهره‌مند شدن مردم از خورشید است، هنگامی که در پشت ابر پنهان باشد. (۲)

علامه مجلسی هشت وجه تشبیه برای این حدیث بیان کرده، (۳) ما وجه

۱. کلینی، ج ۱، ص ۱۷۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۹۲؛ طبرسی، الاحتجاج، ص ۴۷۱؛ همو، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۲؛ اربلی، كشف الغمة، ج ۳، ص ۳۲۲؛ فیض کاشانی، النوادر، ص ۱۶۴؛ شیرازی، کلمة الامام المهدی، ص ۲۲۵؛ غروی، المختار من کلمات الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲-۹۳.

دیگری در همین درسنامه آوردیم. (۱)

(۱۲) تنها عامل دفع بلا

در احادیث فراوان تصریح شده که همهٔ دوستان و شیعیان در عصر غیبت به برکت وجود مقدس امام زمان علیه السلام از بلاها در امان هستند؛ اینک به دو حدیث از شخص حضرت بقیة الله اشاره می‌کنیم:

(۳۱) حضرت مهدی علیه السلام در نخستین روز ولادتش در گهواره به ابونصر

خادم فرمود:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِی وَ شِيعَتِي

من پایان بخش اوصیا هستم، خداوند به وسیله‌ی من بلاها را از شیعیان و خاندانم دفع می‌کند. (۲)

(۳۲) و در نامه‌اش خطاب به شیخ مفید می‌نویسد:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ
الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ

ما هرگز در رعایت و حراست شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را به دست فراموشی نمی‌سپاریم و گرنه بلاها بر شما سرازیر می‌شد و دشمنان، شما را نابود می‌کردند. (۳)

علیرغم اهتمام شدید ابرقدرتها برای برچیدن طومار عمر شیعیان، نزدیک

۱. ر.ک: او خواهد آمد، ص ۱۶۹-۱۸۷.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۴۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱؛ شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۹۴، ح ۱۱۵.

۳. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

به نیمی از مسلمانان جهان را شیعیان تشکیل می‌دهند^(۱) و این دلیلی جز عنایت و حمایت ویژه حضرت ولی عصر و دعای خیر آن حضرت ندارد.

۱۲. پناه عالمیان

در احادیث فراوان از آن حضرت به عنوان پناهگاه تعبیر شده، از جمله:

(۳۳) رسول اکرم ﷺ در فرازی از حدیثی می‌فرماید:

تَوُّبٌ إِلَيْهِ أُمَّتِي كَمَا تَوُّبُ الطَّيْرِ إِلَى أَوْكَارِهَا،

امت من به او پناه می‌برند، همان‌گونه که پرندگان به آشیانه‌های خود پناه می‌برند.^(۲)

(۳۴) امام باقر علیه السلام در مقام ترسیم توان جسمی اصحاب خاص حضرت از زبان آن‌ها نقل می‌کند که در آستانه ظهور می‌گویند:

وَ اللَّهُ لَوْ يَأْوِي بِنَا الْجِبَالُ لَأَوَيْنَاهَا

به خدا سوگند! اگر کوه‌ها به ما پناهنده شوند، آن‌ها را پناه می‌دهیم.^(۳)

(۳۵) قطب راوندی از ابوالوفای شیرازی نقل کرده که در کرمان به اسارت رفته، به امام سجّاد علیه السلام متوسّل شده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در عالم رؤیا دیده، حضرت به او رهنمون شده که در هر مشکلی به کدامین امام متوسّل شود، در پایان فرموده:

وَأَمَّا الْحُجَّةُ فَإِذَا بَلَغَ مِنْكَ السَّيْفُ الْمَذْبِیحَ فَاسْتَعِثْ بِهِ فَإِنَّهُ يُغِيثُكَ وَهُوَ

۱. بر اساس آمار ۲۰۰۱ میلادی، آمار مسلمانان جهان یک میلیارد و ششصد و شصت میلیون نفر می‌باشد و بر اساس مصاحبه‌ی انور سادات، رئیس جمهور سابق مصر، نیمی از امت اسلامی را شیعیان تشکیل می‌دهند. [ر.ک: معتمدی، عزاداری سنتی شیعیان، ج ۳، ص ۷۸۹]

۲. طبری، دلائل الامامة، ص ۴۴۵.

۳. عیاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۱۹۳؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

غِيَاثٌ وَ كَهْفٌ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِهِ

و اما حضرت حجّت، پس هنگامی که وارد به استخوان رسید، به او متوسّل شو که البته فریادرسی می‌کند، که او پناهگاه و فریادرس کسی است که به او استغاثه کند. (۱)

۱۳. بیان نافذ

تا روزی که ذوالفقار علی علیه السلام در نیام و زبان حضرت مهدی در کام باشد، شب‌پره‌ها بازیگر میدان هستند، ولی هنگامی که به آن حضرت فرمان سخن گفتن داده شود، باطل جویان، با ذلت و خواری از صحنه بیرون می‌روند و حق به حق‌دار می‌رسد.

(۳۶) حجّت یزدان در یکی از توقیعات شریف خود می‌فرماید:

وَ إِذَا أذنَ اللهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَ اضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ وَ انْحَسَرَ عَنْكُمْ

چون به ما اذن سخن گفتن داده شود، حق آشکار می‌گردد، باطل از ریشه و بن کنده می‌شود و باطل جویان رخت بر می‌بندند. (۲)

۱۴. احیاگر قرآن و سنت

بر اساس روایات فراوان، در عصر غیبت آن قدر مفاهیم کتاب و سنت دستخوش تغییر و تحریف می‌شود که به هنگام ظهور، هنگامی که آن امام نور آنها را بر اساس صحیح، تفسیر و تبیین می‌کند، مردم می‌گویند: کتاب جدید و آیین جدید آورده است و لذا در احادیث فراوان از ایشان به عنوان احیاگر قرآن و سنت تعبیر شده است:

۱. قطب راوندی، الدعوات، ص ۱۹۲.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۸۹، طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۹.

(۳۷) امیر بیان در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه می‌فرماید:

يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ؛

او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را احیا می‌کند. (۱)

(۳۸) و در فراز دیگری از همین خطبه می‌فرماید:

يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ

عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛

او امیال را به قرآن بر می‌گرداند، هنگامی که دیگران قرآن را با امیال خود

تفسیر می‌کنند. او اندیشه‌ها را به قرآن بر می‌گرداند، هنگامی که دیگران

قرآن را با اندیشه‌های خود تأویل می‌کنند. (۲)

ابن ابی الحدید در شرح این خطبه می‌نویسد:

این سخن اشاره است به امامی که خداوند او را در آخر الزمان پدید می‌آورد

و او همان امام موعود است که در اخبار و احادیث بشارت داده شده

است. (۳)

۱۵) جایگاه بس رفیع

مقام رفیع و جایگاه منیع حجت خدا به قدری بلند است که طایر اندیشه هیچ

دانشمندی قدرت پرواز در آن محدوده را ندارد، ولی از باب «ما لا یدرک کله، لا

یترک کله» به دو حدیث از رئیس مذهب اشاره می‌کنیم:

(۳۹) از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت قائم علیه السلام متولد شده است؟

۱. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۳۸.

۲. همان؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۱.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۴۰.

فرمود:

لَا، وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛

نه، اگر من زمان او را درک می‌کردم، همه عمر به خدمت او می‌پرداختم. (۱)
 (۴۰) چهارتن از اصحاب امام صادق علیه السلام به محضر آن حضرت مشرف شدند، آن حضرت را مشاهده کردند که روی خاک‌ها نشسته، همانند مادر داغ‌فرزند دیده، اشک می‌ریزد و با خود زمزمه می‌کند:

سَيِّدِي غَيْبُكَ نَفَتْ رُقَادِي وَ ضَيِّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي وَ ابْتَزَّتْ مِنِّي رَاحَةَ
 فُوَادِي سَيِّدِي غَيْبُكَ أَرْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ

ای سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده، عرصه را بر من تنگ نموده، آرامش را از دلم سلب کرده است.

سرور من! غیبت تو مصیبتی جانکاه بر سراسر وجودم فروریخته. (۲)

امام صادق علیه السلام بیش از یک قرن، پیش از میلاد امام زمان علیه السلام برای طولانی شدن غیبت آن حضرت و پریشانی شیعیان در عصر غیبت اشک می‌ریزد و بی‌تابی می‌کند و او را «سرور من» خطاب می‌کند!

ما دورافتادگان و محرومان از فیض حضور، در این روزگار ناسازگار تعبیری پیدا نمی‌کنیم که بیچارگی و بی‌نوایی خود را بیان کند!

به همراه شیفتگان و دلباختگان آستان مولا از اعماق دل عرضه می‌داریم:

«يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ، مَسْنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ، وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ، فَأَوْفِ لَنَا
 الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا، إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»؛

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۴۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۳.

هان ای عزیز!

[ای عزیز فاطمه!]

دردی جانکاه بر ما و کسان ما فروریخته،

با متاعی اندک به سویت آمده‌ایم،

پیمانۀ ات را بر ما سرریز و بر ما تصدق نما،

که خداوند تصدق‌کنندگان را پاداش می‌دهد. (۱)

چکیده

در ۱۴۸ حدیث عدالت فراگیر حضرت مهدی علیه السلام به این تعبیر آمده است که:

يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛

زمین را پر از عدل و داد نماید، همان‌گونه که پر از جور و ستم شده باشد.

در این درس پیرامون عدل مهدوی، به عنوان بزرگ‌ترین شاخصه‌ی عصر ظهور سخن گفتیم، آشتی انسان‌ها، توده‌ها، حتی چهارپایان را با درندگان بر اساس روایات اسلامی و دیگر ادیان ابراهیمی بیان کردیم، پیرامون آگاهی گسترده‌ی حضرت، قدرت بیان، نفوذ کلمه، جایگاه رفیع و پناهدهی گسترده‌ی حضرت مهدی علیه السلام، گلوآژه‌ی «بقیة الله» و احیاءگری قرآن و سنت، مطالبی تقدیم نمودیم.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الاحتجاج، تألیف: احمد بن علی طبرسی - قرن ششم -
۲. منتخب الاثر، تألیف: آیه الله صافی گلپایگانی - معاصر -
۳. او خواهد آمد، تألیف: علی اکبر مهدی پور

درس یازدهم

کتابنامه غیبت، پیش از وقوع غیبت

احادیث وارد شده از پیشوایان معصوم علیهم السلام پیرامون ولادت، زندگی، غیبت، ظهور و دیگر مسائل مربوط به حضرت بقیه الله ارواحنا فداء، پیشینه‌ای بس دراز دارد و به عصر رسالت مربوط می‌شود.

هزاران حدیث معتبر و مستند که در طول دو قرن و نیم، از عهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا عصر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شده و در آنها از ولادت امام زمان، نسب آن حضرت، پدر بزرگوار و مادر مکرمه‌ی ایشان سخن رفته، ویژگی‌های جسمانی، به ویژه در مورد غیبت آن حضرت گفتگو شده است، هر یک از آنها یک معجزه به شمار می‌آید، زیرا در آنها از حوادث مربوط به آینده سخن رفته، پس از قرن‌ها مطابق آن رخ داده است.

از این رهگذر سیره نویسان و تراجم نگاران، این احادیث را در کتب مربوط به دلایل نبوت ثبت کرده‌اند.^(۱)

شیخ مفید این احادیث را دلیل قاطع و روشنی بر حقانیت شیعه و استواری

۱. ابونعیم اصفهانی، دلایل النبوة، ص ۵۵۰، ح ۴۸۷ - ۴۸۵.

اعتقادات امامیه دانسته است.^(۱)

در طول چهارده قرن، از عصر پیامبر اکرم تا زمان ما، هزاران کتاب پیرامون حضرت مهدی علیه السلام تألیف شده، که در برخی از کتابخانه‌های تخصصی قم، بیش از ۴۰۰۰ مجلد کتاب مستقل پیرامون آن حضرت موجود است.

ما در اینجا منحصرأً از کتاب‌هایی نام می‌بریم که پیش از میلاد مسعود حضرت مهدی علیه السلام به رشته تحریر درآمده است:

۱- کتاب الغیبة

تألیف: ابو اسحاق، ابراهیم بن صالح انماطی، از اصحاب امام باقر علیه السلام.^(۲)

انماطی از شیعیان امامی - اثنا عشری - می‌باشد^(۳) و این کتاب را بیش از یکصد سال پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام تألیف کرده است.

۲- کتاب الغیبة

تألیف: ابوالحسن، علی بن حسن بن محمد طائی جرمی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام.^(۴)

۳- کتاب الغیبة

تألیف: ابوعلی، حسن بن محمد بن سماعه، از اصحاب امام کاظم علیه السلام.^(۵)

۴- کتاب الغیبة

۱. شیخ مفید، الفصول العشرة (در ضمن مصنفات الشیخ المفید)، ص ۸۲.
 ۲. نجاشی، الرجال، ص ۱۵، رقم ۱۳؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴، رقم ۲.
 ۳. مامقانی، تنفیح المقال، ج ۴، ص ۸۴، رقم ۳۲۱.
 ۴. نجاشی، الرجال، ص ۲۵۵، رقم ۶۶۷.
 ۵. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۰۳، رقم ۱۹۳.

تألیف: حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام.^(۱) او علاوه بر کتاب «الغیبة» آثار دیگری در حوزه‌ی مهدویت نوشته، که از آن جمله است:

(۱) کتاب الرّجعة

(۲) کتاب الملاحم

(۳) کتاب القائم - الصّغیر -^(۲)

۵- کتاب الغیبة

تألیف: ابوالفضل، عباس بن هاشم ناشری، مشهور به «عُبَیْس» از اصحاب امام رضا علیه السلام.^(۳)

با توجه به تاریخ درگذشت وی به سال ۲۲۰ ق. این کتاب حداقل ۳۵ سال پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام تألیف شده است.

۶- کتاب الغیبة

تألیف: ابوالحسن، علی بن محمد بن علی سَوّاق، معاصر امام رضا علیه السلام.^(۴)

۷- کتاب الغیبة

تألیف: ابوالحسن علی بن عمر اعرج، معاصر امام رضا علیه السلام.^(۵)

۸- کتاب الغیبة

۱. نجاشی، الرّجال، ص ۳۷، رقم ۷۳.

۲. از قید «الصّغیر» معلوم می‌شود که وی دو کتاب به نام «القائم» نوشته، یکی بزرگ و دیگری کوچک، که فقط کوچک آن به دست نجاشی رسیده است.

۳. نجاشی، الرّجال، ص ۲۸۰، رقم ۷۴۱.

۴. همان، ص ۲۶۰، رقم ۶۷۹.

۵. همان، ص ۲۵۶، رقم ۶۷۰.

تألیف: علی بن حسن فضال، از اصحاب امام هادی علیه السلام. (۱)

۹- کتاب الغیبة

تألیف: ابراهیم بن اسحاق احمری، معاصر امام حسن عسکری علیه السلام. (۲)

۱۰- کتاب الغیبة

تألیف: ابوالعباس، عبدالله بن جعفر حمیری، از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام. (۳)

حمیری آثار دیگری در رابطه با حضرت بقیة الله دارد، که از آن جمله است:

(۱) الغیبة والحیرة

(۲) الفترة والحیرة (۴)

(۳) التوقیعات (۵)

(۴) قرب الإسناد الی صاحب الأمر علیه السلام (۶)

این‌ها ده مورد از ده‌ها کتاب‌های مستقل تألیف شده پیرامون غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می‌باشد، که پیش از وقوع غیبت پیرامون غیبت و به عنوان «کتاب الغیبة» نگارش یافته و به دست پیشتاز علمای رجال، مرحوم نجاشی رسیده و گزارش آن در کتاب گرانسنگ «رجال نجاشی» ثبت شده است. اگر بخواهیم همه‌ی کتاب‌های تألیف شده در حوزه‌ی مهدویت را که توسط

۱. همان، ص ۲۵۸، رقم ۶۷۷

۲. همان، ص ۱۹، رقم ۲۱؛ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۸۳.

۳. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۶۸، رقم ۴۳۹.

۴. همان.

۵. جلالی، فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۱۰.

۶. نجاشی، الرجال، ص ۲۲۰، رقم ۵۷۳.

اصحاب ائمه و پیش از ولادت حضرت بقیه الله، تألیف شده‌اند را بشماریم به درازا می‌کشد.

در اینجا لازم است اشاره کنیم که برخی از مؤلفان این آثار از فرقه‌ی واقفیه هستند و آن‌ها در امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام متوقف می‌باشند و آن حضرت را همان مهدی موعود پنداشته‌اند! ولی ما به دو جهت عناوین آثار آن‌ها را در اینجا یادآور شدیم:

۱- در متن این کتاب‌ها انحراف و لغزشی وجود ندارد، لذا شیخ طوسی و دیگر بزرگان از این کتاب‌ها نقل کرده‌اند.

۲- صدور این کتاب‌ها به وفور از فرقه‌های مختلف، دلیل رسوخ اعتقاد به غیبت موعود در طول قرون و اعصار بوده و بیانگر این حقیقت است که احادیث مربوط به مهدی موعود از نظر کثرت و شهرت و تواتر در میان امت اسلامی در سطحی بوده که ده‌ها تن از اصحاب ائمه علیهم السلام در طول قرن‌های اول، دوم و سوم، ده‌ها کتاب مستقل در این رابطه تألیف نموده و آن‌ها را «کتاب الغیبة» نام نهاده‌اند.

تعدد این کتاب‌ها در عصر امامان، مشت محکمی است بر دهان دشمنان اهل بیت علیهم السلام که عمداً شبهه افکنی می‌کنند و به دروغ ادعای کنند که احادیث مربوط به غیبت موعود، بعد از غیبت آن حضرت گردآوری شده است.

تعدادی از آثار معرفی شده، بیش از یک قرن پیش از ولادت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تألیف شده و مؤلفین آنها در نیمه اول قرن دوم در گذشته‌اند، در حالی که حضرت ولی عصر علیه السلام در نیمه دوم قرن سوم متولد شده‌اند.

پدیدآورندگان آثار یاد شده عموماً از شیعیان اهل بیت یا از فرقه‌های وابسته

به این خاندان بودند، در اینجا به معرفی یک اثر مستقل از یک مؤلف پرآوازه، پیرامون حضرت ولی عصر می‌پردازیم که پیش از تولد موعود، کتاب ارزشمندی را در حوزه‌ی مهدویت تألیف کرده و خود از رجال معروف اهل سنت می‌باشد.

او «عباد بن یعقوب رواجنی» متوفای ۲۵۰ ق. می‌باشد. (۱)

او که پنج سال پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام دیده از جهان فرو بسته، کتاب ارزشمندی به نام «اخبار المهدی» از خود به یادگار نهاده است. (۲)

مؤلف از بزرگان اهل سنت می‌باشد، بخاری، ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، بزاز و دیگر محدثان عامه از او روایت کرده، بر وثاقت و صداقت او تأکید کرده‌اند.

ذهبی پس از نقل وثاقت او از حاکم و ابوحاتم، از ابوجریر نقل می‌کند که می‌گفت: من از رواجنی شنیدم که می‌گفت:

هرکس همه روزه در نماز خود از دشمنان آل محمد علیهم السلام بیزاری نجوید، با آنها محشور خواهد شد. (۳)

سمعانی پس از آن که تصریح می‌کند که رواجنی از مشایخ بخاری بود، از او انتقاد می‌کند که چرا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

إِذَا رَأَيْتُمْ مَعَاوِيَةَ عَلَى مِثْبَرِي فَاقْتُلُوهُ؛

۱. بخاری، التاريخ الكبير، ج ۶ ص ۴۴، رقم ۱۶۴۵.

۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴۳، رقم ۵۴۲.

۳. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۷.

هنگامی که معاویه را بر فراز منبر من دیدید، او را به قتل برسانید.^(۱)

و چرا از ابوبکر نقل کرده که به خالد بن ولید دستور داده بود که مولای

مؤمنان را به قتل برساند، بعد پشیمان شد و گفت:

لَا تَفْعَلْ يَا خَالِدُ مَا أَمَرْتُكَ؛

ای خالد، آنچه را که به تو دستور داده بودم انجام مده.^(۲)

ذهبی از راویان مورد اعتماد روایت کرده که گفت: از عبّاد شنیدم که

می گفت:

خداوند، عادل تر از آن است که طلحه و زبیر را به بهشت راه دهد که با

علی علیه السلام بیعت کردند، سپس بیعت خود را شکسته، با آن حضرت

جنگیدند.^(۳)

آنگاه از شاگردان وی روایت کرده که دیدم رواجنی شمشیری بالای سرش

آویخته است، از او پرسیدم که این شمشیر از آن کیست؟ گفت:

أَهْدَتْهُ لِأُقَاتِلَ بِهِ مَعَ الْمَهْدِيِّ؛

من آن را مهیا کرده‌ام که با آن در رکاب مهدی علیه السلام شمشیر بزنم.^(۴)

همه رجالیون بر وثاقت و صداقت او اتفاق نظر دارند، جز این که به جهت

محبّت شدیدش به اهل بیت علیهم السلام و ابراز برائت و بیزاری اش از دشمنان اهل بیت،

برخی از علمای رجال او را به تشیع متّهم کرده‌اند^(۵) ولی بزرگان شیعه تصریح

۱. معانی، الأنساب، ج ۶، ص ۱۷۰.

۲. همان.

۳. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۷۹.

۴. همان.

۵. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۷۵.

کرده‌اند که او اهل تس^(۱)نن می‌باشد.

شیخ طوسی از کتاب او به عنوان «أخبار المهدی» نام برده، ولی زرکلی از آن به عنوان «أخبار المهدی المنتظر» یاد کرده است.^(۲)

چکیده

برخی از معاندان برای کم رنگ کردن احادیث مهدویت، ادعا کرده‌اند که تا سال ۲۶۰ هجری، مطلقاً نامی از غیبت نبود، پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام روایاتی جعل کرده، از غیبت امام دوازدهم سخن گفته‌اند، ما برای دفع این شبهه از ریشه و بن، ده کتاب از اصحاب ائمه علیهم السلام معرفی کردیم، که همه‌ی آنها در عصر ائمه و پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام تألیف شده و همه‌ی آنها به نام: «کتاب الغیبة» تألیف شده‌اند. از این رهگذر احادیث مهدویت از عصر نبوت تا پیش از آغاز غیبت، در منابع حدیثی، تاریخی، رجالی و کلامی مطرح بوده است و چنین ادعایی موجب شرمساری مدعیان می‌باشد.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الأنساب، تألیف: سمعانی، متوفای ۵۶۲ ق.
۲. رجال نجاشی، تألیف: احمد بن علی نجاشی، متوفای ۴۵۰ ق.
۳. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، تألیف: علی اکبر مهدی پور
۴. مرجع مهدویت، نشر: اطلاع رسانی پارسا، ج ۱۴
۵. میزان الاعتدال، تألیف: ذهبی، متوفای ۷۴۸ ق.، جلد دوم

۱. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴۳؛ ابن داود، الرجال، ص ۲۹۲؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص

درس دوازدهم

نص صریح بر غیبت صغری و کبری

در احادیث فراوان از خاتم پیامبران و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام، تأکید شده بر این که برای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی.

در دوران غیبت کوتاه که به «غیبت صغری» مشهور شده، شیعیان توسط نواب خاص با آن حضرت در ارتباط بودند، ولی در دوران غیبت طولانی که به «غیبت کبری» شهرت یافته، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، نایب خاص و وکیل شناخته شده‌ای در میان مردم نداشتند و امکان ارتباط مستقیم و مستمر برای احدی وجود نداشت.

ولادت حضرت ولی عصر علیه السلام شب نیمه شعبان ۲۵۵ ق. در سامرا اتفاق افتاد و از لحظه تولد به دور از دسترس مردمان زندگی می‌کرد.

روز هشتم ربیع الاول ۲۶۰ ق. پدر بزرگوارشان، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید و منصب امامت بر عهده‌ی آن حضرت قرار گرفت.

از آن تاریخ تا روز نیمه شعبان ۳۲۹ ق. که تاریخ ارتحال آخرین سفیر از سفیران چهارگانه می‌باشد^(۱) شیعیان به وسیله‌ی نوّاب خاصّ چهارگانه با آن حضرت در ارتباط بودند.

این دوران به نام «غیبت صغری» نامیده شده است.

اگر مبدأ غیبت صغری را از روز ولادت آن حضرت حساب کنیم، مدّت غیبت صغری دقیقاً ۷۴ سال خواهد بود.^(۲)

ولی اگر آن را از روز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام محاسبه کنیم، مدّت غیبت صغری ۶۹ سال و پنج ماه و یک هفته خواهد بود.^(۳)

با ارتحال علی بن محمد سمّری درب سفارت برای همیشه بسته شد، دوران غیبت صغری پایان یافت و اینک بیش از ۱۱ قرن از آغاز غیبت کبری می‌گذرد.

برخی از دشمنان قسم خورده‌ی اهل بیت، برای ایجاد شبهه در اذهان جوانان می‌گویند: داستان دو غیبت و تقسیم آن به صغری و کبری، پس از درگذشت نایب چهارم و آغاز غیبت کبری جعل شده است!!

برای رفع شبهه از ریشه و بن، حدیثی از تفسیر ابو حمزه ثمالی، متوفای

۱. شیخ طوسی تاریخ وفات علی بن محمد سمّری - آخرین نایب خاص امام زمان علیه السلام - را روز ۱۵ شعبان ۳۲۹ ق. ثبت کرده [الغیبة، ص ۳۹۴] ولی شیخ صدوق، راوندی و مرحوم بحرانی آن را در ۱۵ شعبان ۳۲۸ ق. نوشته‌اند [کمال الدین: ۵۰۳/۲؛ الخرائج والجرائج: ۱۱۲۸/۳؛ مدینه المعاجز: ۱۴۵/۸] بدون تردید قول شیخ طوسی اصحّ می‌باشد.

۲. شیخ مفید آغاز غیبت صغری را از روز ولادت امام زمان علیه السلام ثبت کرده است [الارشاد: ۲۵۹/۲]

۳. علامه مجلسی محاسبه‌ی آغاز غیبت صغری را از روز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام مناسب‌تر می‌داند. [بحار الأنوار: ۳۶۶/۵۱]

۱۴۸ ق. و حدیثی از مشیخه حسن بن محبوب، متوفای ۲۲۴ ق. و سه حدیث از کتاب شریف اصول کافی، که مؤلف آن در عهد غیبت صغری می زیست و پیش از آغاز غیبت کبری وفات کرده است، نقل می کنیم:

۱. ابو حمزه ثمالی، از اصحاب امام سجّاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام که به سال ۱۴۸ ق. (۱) یا ۱۵۰ ق. (۲) دیده از جهان فرو بسته، در تفسیر خود، در ذیل آیه شریفه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ» (۳) از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که فرمود:

این آیه در حق ما نازل شده و آن کلمه پایدار امامت است، که تا روز رستاخیز در پشت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام قرار گرفته است.

سپس فرمود:

وَأَنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ، إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى؛

برای قائم ما دو غیبت است، که یکی از آنها از دیگری طولانی تر است. (۴)

ابو حمزه ثمالی شخصیت بسیار ممتاز و برجسته ای می باشد که امام صادق علیه السلام در حق او فرمود:

ابو حمزه همانند سلمان زمان خود می باشد. (۵)

این حدیث شریف را که در آن به دو غیبت تصریح شده است، ابو حمزه

۱. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۸، ص ۸۵

۲. نجاشی، الرجال، ص ۱۱۵، رقم ۲۹۶.

۳. سوره ی زخرف، آیه ۲۸.

۴. ابو حمزه ثمالی، تفسیر القرآن الکریم، ص ۲۹۸؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۳.

۵. نجاشی، الرجال، ص ۱۱۵.

ثمالی در تفسیر خود از امام سجّاد علیه السلام روایت کرده است.

ابو حمزه بیش از یک قرن پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام و نزدیک دو قرن پیش از آغاز غیبت کبری در گذشته است.

۲. حسن بن محبوب، متوفای ۲۲۴ ق. در کتاب مشیخه خود از ابراهیم بن اسحاق خارقی، از ابوبصیر، روایت کرده که گفت:

به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم که امام باقر علیه السلام می فرمود:

لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ - غَيْبَتَانِ، وَاحِدَةٌ طَوِيلَةٌ وَالْآخَرَى
قَصِيرَةٌ؛

برای قائم آل محمد علیه السلام دو غیبت است: یکی طولانی و دیگری کوتاه.

فرمود:

نَعَمْ يَا أَبَا بَصِيرٍ! إِخْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخِرَى، ثُمَّ لَا يَكُونُ ذَلِكَ يَعْنِي
ظُهُورَهُ حَتَّى يَخْتَلِفَ وُلْدُ فُلَانٍ وَتَضِيقَ الْحَلَقَةُ، وَيَظْهَرَ السُّفْيَانِيُّ وَيَشْتَدَّ
الْبَلَاءُ وَيَشْمَلَ النَّاسَ مَوْتُ وَ قَتْلٌ وَ يَلْجَأُونَ مِنْهُ إِلَى حَرَمِ اللَّهِ تَعَالَى وَ
حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛

آری، ای ابوبصیر! یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است.

لکن آن تحقق پیدا نمی‌کند تا هنگامی که فرزندان فلانی اختلاف کنند، حلقه تنگ‌تر شود، سفیانی خروج کند، گرفتاری‌ها شدت یابد، کشت و کشتار فراگیر شود و مردم به حرم خدا و حرم پیامبر خدا پناه ببرند.

این حدیث را حسن بن محبوب با ده‌ها حدیث دیگر در مشیخه خود آورده

است.

حسن بن محبوب از اصحاب اجماع و از یاران امام هشتم بود.^(۱)
 او مقام بسیار والایی داشت و یکی از ارکان اربعه زمان خود بود.^(۲)
 کتاب مشیخه حسن بن محبوب را گروهی تبویب کرده‌اند، که از آن جمله
 است:

(۱) ابوسلیمان، داود بن کوره^(۳)

(۲) ابوجعفر، احمد بن حسین بن عبدالملک^(۴)

شهید ثانی نیز آن را انتخاب کرده، در حدود ۱۰۰۰ حدیث از آن برگزیده و
 شیخ حرّ عاملی آن را به خط شهید دیده است.^(۵)

کتاب مشیخه اگرچه به دست ما نرسیده، ولی سعد بن عبدالله اشعری، این
 حدیث را به نقل از کتاب مشیخه در «بصائر الدرجات» آورده است.

اهمیت کتاب سعد بن عبدالله در این است که مؤلف از شخصیت‌های
 برجسته شیعه در قرن سوم بود و خود به سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق. در گذشته است.^(۶)

روی این بیان حدیث یاد شده را حسن بن محبوب بیش از یکصد سال پیش
 از آغاز غیبت کبری در کتاب مشیخه و اشعری بیش از سی سال پیش از آغاز

۱. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۶، رقم ۱۰۵۰.

۲. همو، الفهرست، ص ۹۶، رقم ۱۶۲.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۱۵۸، رقم ۴۱۶.

۴. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۶۷، رقم ۷۱.

۵. شیخ حرّ عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۸۷.

۶. نجاشی، الرجال، ص ۱۷۸، رقم ۴۶۷.

غیبت کبری در بصائر الدرجات نقل کرده است.

حسن بن سلیمان حلّی، شاگرد برجسته شهید اول، کتاب اشعری را تلخیص کرده و حدیث فوق را در آن درج نموده است.^(۱)

این حدیث را نعمانی با سلسله اسنادش از حسن بن محبوب روایت کرده است.^(۲)

امین الاسلام طبرسی نیز این حدیث را از کتاب حسن بن سلیمان روایت کرده می‌فرماید:

حسن بن محبوب زرّاد (سرّاد) از محدّثان و مؤلّفان مورد اعتماد و استناد شیعه، کتابی به نام «مشیخه» تألیف کرده، که از کتاب‌های پایه و مرجع می‌باشد و بیش از کتاب «مزنّی» و امثال آن شهرت دارد.

وی این کتاب را بیش از یکصد سال پیش از غیبت (غیبت کبری) تألیف کرده است.^(۳)

آنگاه متن حدیث یاد شده را به عنوان نمونه نقل کرده در مقام تحلیل آن فرموده است:

اینک بین چگونگی دو غیبت برای حضرت صاحب الامر علیه السلام اتفاق افتاده است و مضمون احادیثی که پیش از تولّد آن حضرت از پدران و نیاکانش روایت شده، دقیقاً به همان شکل رخ داده است.^(۴)

۱. حلّی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۵ (چاپ جدید، ص ۴۳۴، ح ۵۲۱).

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۷۲، ب ۱۰، ح ۷.

۳. زیرا او به سال ۲۲۴ ق. وفات کرده و غیبت کبری به سال ۳۲۹ ق. آغاز شده است.

۴. طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۵۸.

اربلی نیز همین متن را به نقل از طبرسی آورده است.^(۱)

شیخ مفید در این رابطه می‌فرماید:

روایات فراوان از پیشوایان پیشین از آل محمد علیهم‌السلام رسیده است که حضرت قائم منتظر علیه‌السلام را دو غیبت است که یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است، در غیبت کوتاه خواص شیعه از اخبار او مطلع هستند، ولی در غیبت طولانی محل استقرارش از عموم مردم، به جز نزدیکانش که متصدی خدمت او هستند، پوشیده می‌باشد.

پیش از ولادت امام حسن عسکری و پدران بزرگوارش، اخبار فراوان در این رابطه رسیده است.

هنگامی که وکلا و سفیران یاد شده در گذشتند، نویدهای مربوط به غیبت کبری تحقق یافت. و این، یکی از دلایل روشن بر حقانیت شیعه و اعتقادات راسخ آنان می‌باشد.^(۲)

۳. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، با سلسله اسناد خود از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ، يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوَاسِمَ، يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ؛

برای قائم علیه‌السلام دو غیبت است که در یکی از آنها در موسم حج شرکت می‌کند، او مردمان را می‌بیند، ولی مردم او را نمی‌بینند.^(۳)

۱. اربلی، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۹.

۲. شیخ مفید، الفصول العشرة، ص ۱۸، (مصنقات الشيخ المفید، ج ۳، الفصول العشرة، ص ۸۲).

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹، کتاب الحجّة، باب نادر فی الغیبة، ح ۱۲.

۴. در حدیث دیگری از آن حضرت روایت می‌کند که فرمود:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ، إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ، الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ
بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ، وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ
مَوَالِيهِ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی.

در غیبت اولی به جز خواص شیعیان کسی از محل اقامت او خبر ندارد.

در غیبت دیگری فقط خواص نزدیکانش از جایگاه او مطلع هستند. (۱)

۵. در حدیث دیگری از آن حضرت روایت کرده که فرمود:

لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَانِ، إِحْدَاهُمَا يَرْجِعُ مِنْهَا إِلَى أَهْلِهِ، وَالْأُخْرَى يُقَالُ:
هَلَكًا، فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ؛

برای صاحب این امر دو غیبت است، در یکی از آنها به نزدیکانش مراجعه می‌کند، ولی در دیگری گفته می‌شود که هلاک شده، یا در کدامین وادی گام نهاده است!

راوی پرسید: اگر چنین وضعی پیش آید ما چه کنیم؟ فرمود:

إِذَا ادَّعَاهَا مُدَّعٍ، فَاسْأَلُوهُ عَنِ أَشْيَاءَ يُجِيبُ فِيهَا مِثْلَهُ؛

اگر کسی آن را ادعا کند، از او در مورد مطالبی پرسش کنید که فقط امثال او می‌تواند پاسخ بگوید. (۲)

۱. همان، ص ۳۴۰، ح ۱۹.

۲. همان، ح ۲۰.

محمد بن یعقوب کلینی، برجسته‌ترین، استوارترین و مورد اعتمادترین محدث شیعه در عصر غیبت صغری می‌باشد که پیش از آغاز غیبت کبری، به سال ۳۲۹ ق. دیده از جهان فرو بسته است.

از این رهگذر وجود این احادیث در کتاب شریف کافی با این صراحت و شفافیت، هرگونه تردید را از بین می‌برد و جای شک و ابهامی برای احدی باقی نمی‌گذارد.

چکیده

دشمنان قسم خورده‌ی اهل بیت علیهم‌السلام در مورد همه‌ی مطالب مربوط به اهل بیت، به ویژه مطالب مربوط به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، سخنان پوچ و بی پایه در سایت‌ها و دیگر رسانه‌ها منتشر کرده، القای شبهه نموده‌اند، از جمله ادعا کرده‌اند که پیش از ۳۲۹ هجری، که سال وفات نایب چهارم، بسته شدن در سفارت و آغاز غیبت کبری می‌باشد، در هیچ منبعی حدیثی نبوده که از دو غیبت به عنوان غیبت صغری و غیبت کبری نام برده باشد، پس از وفات نایب چهارم، چون وکیل و نایب خاصی در میان مردم نبود، این احادیث جعل شده است.

در این درس ما حدیثی از تفسیر ابو حمزه ثمالی نقل کردیم که در آن از دو غیبت کوتاه (صغری) و بلند (کبری) بحث شده است.

ابو حمزه به سال ۱۴۸ یا ۱۵۰ وفات کرده، یعنی بیش از یکصد سال پیش از ولادت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و در حدود ۲۰۰ سال پیش از آغاز غیبت کبری در گذشته است.

سپس حدیثی از حسن بن محبوب نقل کردیم که سال ۲۲۴ وفات کرده،

یعنی بیش از یکصد سال قبل از آغاز غیبت کبری.

سپس سه حدیث از اصول کافی نقل کرده‌ایم، که مؤلف آن در زمان غیبت صغری زندگی می‌کرد و پیش از آغاز غیبت کبری در گذشته است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. اصول کافی، جلد اول، تألیف: محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ ق.
۲. اختیار معرفة الرجال، گزینش شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق.
۳. مختصر بصائر الدرجات، گزینش حسن بن سلیمان حلّی - قرن هشتم -
۴. الدرر الی تصانیف الشیعة، تألیف شیخ آغا بزرگ تهرانی، متوفای ۱۳۹۰

فهرست مصادر

۱. ابراز الوهم المکنون، صديق، من كلام ابن حزم، احمد بن صديق بخارى، متوفای ۱۳۸۰ ق،
چ ۱۳۴۷ ق. دمشق
۲. ابراز الوهم المکنون، من كلام ابن خلدون، احمد بن صديق، متوفای ۱۳۸۰، چ ۱۳۴۷ ق. دمشق
۳. اثبات الرجعة، فضل بن شاذان، متوفای ۲۶۰ ق. - مخطوط -
۴. اثبات الوصية، مسعودی، علی بن الحسين، متوفای ۳۴۹ ق. چ نجف اشرف
۵. اثبات الهداة، شيخ حر عاملی، متوفای ۱۱۰۴ ق. چ ۱۳۹۹ ق. قم
۶. اختيار معرفة الرجال، شيخ طوسی، متوفای ۴۶۰. چ دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
۷. اسعاف الراغبين (در حاشیه نور الأبصار) ابن صبان مصری، متوفای ۱۲۰۶ ق، چ بيروت
۸. اصول کافی، محمد بن يعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ ق. چ بيروت
۹. إعلام الوری بأعلام الهدی، امين الاسلام طبرسی - قرن ششم - چ ۱۳۹۹ ق. بيروت
۱۰. الاحتجاج بالآثر علی من انکر المهدي المنتظر، شيخ حمود بن عبد الله تويجری - معاصر - چ
۱۴۰۶ ق. سعودی
۱۱. الإحتجاج، طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، - قرن ششم - چاپ ۱۰۴۱ ق. بيروت
۱۲. الاختصاص، شيخ مفيد، متوفای ۴۱۳ ق. چ ۱۴۱۳ ق.
۱۳. الإذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة، سيد محمد صديق قنوجی، متوفای ۱۳۰۷ ق، چ
۱۴۲۴ ق. بيروت.
۱۴. الارشاد، شيخ مفيد، متوفای ۴۱۳ ق. چاپ ۱۴۱۳ ق. قم
۱۵. الأعلام، خيرالدين زرکلی، متوفای ۱۳۹۶ ق. چ ۱۹۸۰ م. بيروت
۱۶. الأنساب، سمعانی، عبدالکریم بن محمد بن منصور، متوفای ۵۶۲ ق. چ ۱۴۰۰ ق. بيروت
۱۷. الايمان، ابن منده، اسحاق بن محمد بن يحيى، متوفای ۳۹۵ ق.

۱۸. البدر الطالع، شوکانی، محمد بن علی خولانی، متوفای ۱۲۵۰ ق. چ بیروت.
۱۹. البدء والتاریخ، مقدسی، احمد بنسهل نوبختی، متوفای ۳۲۲ ق، چ ۱۹۱۶ م. بغداد
۲۰. البرهان، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ ق. چ ۱۴۱۹ ق. بیروت
۲۱. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، متقی هندی، متوفای ۹۷۵ ق. چ ۱۳۹۹ ق. قم
۲۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان، گنجی شافعی، محمد بن یوسف، متوفای ۶۵۸ ق. چ بیروت
۲۳. التاریخ الکبیر، بخاری، متوفای ۲۵۶ ق. چ ۱۴۰۷ ق. بیروت
۲۴. التذکره، قرطبی، شمس الدین محمد بن احمد، متوفای ۶۷۱ ق. چ ۱۴۰۵ ق. بیروت
۲۵. التصریح بما تواتر فی نزول المسیح، شیخ محمد انور شاه کشمیری، متوفای ۱۳۵۲ ق. چ ۱۴۲۶ ق. بیروت
۲۶. التفسیر، عیاشی، محمد بن مسعود، - قرن سوم - چ ۱۴۲۰ ق. قم
۲۷. الجامع الصحیح، ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، متوفای ۲۷۹ ق. چ بیروت
۲۸. الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، متوفای ۶۷۱ ق. چ ۱۹۷۳ م. بیروت
۲۹. الحاوی للفتاوی، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. چ ۱۴۲۱ ق. بیروت
۳۰. الخرائج والجوارح، قطب الدین راوندی، متوفای ۵۷۳ ق. چ ۱۴۰۹ ق. قم
۳۱. الخصائص الکبری، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق، چ ۱۴۲۴ ق. بیروت
۳۲. الخصال، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. چ ۱۴۰۳ ق. قم
۳۳. الدعوات، قطب راوندی، سعید بن عبد الله، متوفای ۵۷۳ ق. چ ۱۴۰۷ ق. قم
۳۴. الزجال، ابن داود، متوفای ۷۰۷ ق، چ ۱۳۹۲ ق. نجف اشرف.
۳۵. الزجال، نجاشی، احمد بن علی، متوفای ۴۵۰ ق، چ ۱۴۱۳ ق. بیروت
۳۶. الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدي، شیخ عبدالحمسن العباد - معاصر - چ مدینه منوره.
۳۷. الزام الناصب، حائری، شیخ علی یزدی، متوفای ۱۳۴۳ ق، چ بیروت

۳۸. السنن، ابن ماجه، محمد بن يزيد قزوینی، متوفای ۲۷۵ ق، چ بیروت
۳۹. السنن، ابو عمرو دانی، عثمان بن سعید قرطبی، متوفای ۴۴۴ ق.
۴۰. السنن الكبرى، بیهقی، متوفای ۴۵۸ ق، چ بیروت
۴۱. السير والمغازی، ابن اسحاق، محمد بن اسحاق بن یسار، متوفای ۱۵۱ ق. چ ۱۳۹۸ ق. بیروت
۴۲. السیرة الحلیة، حلبی، علی بن برهان الدین حلبی شافعی، متوفای ۱۰۴۴ ق. چ بیروت
۴۳. الصافی، فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ ق، چ ۱۴۱۹ ق. تهران
۴۴. الضحیح، مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ ق. چ ۱۳۷۴ ق. مصر
۴۵. الضحیح من سنن المصطفی، سلیمان بن اشعث سجستانی، متوفای ۲۷۵ ق، چ ۱۴۲۷ ق. بیروت
۴۶. الصراط المستقیم، بیاضی، علی بن یونس نباطی، متوفای ۸۷۷ ق. چ ۱۳۸۴ ق. تهران
۴۷. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیتمی مکی، متوفای ۹۷۴ ق، چ ۱۳۸۵ ق. مصر
۴۸. العرف الوردی، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. چ ۱۴۲۷ ق. تهران
۴۹. العطر الوردی، بلیسی، احمد بن احمد حلوانی شافعی، متوفای ۱۳۰۸ ق. چ ۱۳۰۸ ق. بولاق
۵۰. الغیبة، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰، چ ۱۳۹۷ ق. تهران
۵۱. الغیبة، نعمانی، متوفای بعد از ۳۴۲ ق. چ ۱۳۹۷ ق. تهران
۵۲. الفتاوی الحدیثیة، ابن حجر، احمد بن محمد مکی هیتمی، متوفای ۹۷۴، چ بیروت
۵۳. الفتن، نعیم بن حماد مروزی، متوفای ۲۲۹، چ ۱۴۱۲ ق. قاهره
۵۴. الفتوحات الاسلامیة، زینی دحلان، متوفای ۱۳۰۴ ق، چ ۱۳۲۳ ق، مصر.
۵۵. الفتوحات المکیة، محی الدین ابن عربی، متوفای ۶۳۸ ق، چ ۱۴۲۴ ق. بیروت
۵۶. الفردوس بمأثور الخطاب، سیرویه بن شهریار دیلمی، متوفای ۵۰۹ ق، چ ۱۴۰۷ ق. بیروت
۵۷. الفصول العشرة (در ضمن مصنفات الشیخ المفید)، متوفای ۴۱۳ ق. چ ۱۴۱۳ ق، قم.
۵۸. الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، متوفای ۸۵۵ ق، چ نجف اشرف
۵۹. الفهرست، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق، چ ۱۴۲۰ ق. قم

۶۰. القطر الشهدي في اوصاف المهدي، شهاب الدين احمد بن محمد اسماعيل حلواني شافعي، متوفى ۱۰۳۸، ج ۱۳۰۸ ق. بولاق.
۶۱. القول المختصر في علامات المهدي المنتظر، ابن حجر هيثمي مكي، متوفى ۹۷۴ ق. ج قاهره.
۶۲. الكشف والبيان، ثعلبي، ابواسحاق، متوفى ۴۲۷ ق. ج ۱۴۲۲ ق. بيروت
۶۳. المختار من كلمات الامام المهدي، شيخ محمد غروي، متوفى ۱۴۳۲ ق. ج ۱۴۱۴، قم
۶۴. المستدرک للضحیحین، حاکم نیشابوری، متوفى ۴۰۵ ق. ج بيروت
۶۵. المسند، ابويعلى، احمد بن على بن مثنى، متوفى ۳۰۷ ق. ج ۱۴۰۴ ق. بيروت
۶۶. المسند، احمد حنبل، متوفى ۲۴۱ ق. ج ۱۴۱۴ ق. بيروت
۶۷. المصنف، ابن ابى شيبه، عبدالله بن محمد، متوفى ۲۳۵ ق. ج ۱۴۰۹ ق. بيروت
۶۸. المصنّف، عبدالرزاق بن همام صنعاني، متوفى ۲۱۱ ج ۱۴۲۱ ق. بيروت
۶۹. المعجم الكبير، طبراني، سليمان بن احمد، متوفى ۳۶۰ ق. ج ۱۴۰۴ ق. بيروت
۷۰. الملاحم، ابن المنادي، احمد بن جعفر، متوفى ۳۳۶ ق. ج ۱۴۱۸ ق. قم
۷۱. المنار المنيف، ابن قيم جوزيه، متوفى ۷۵۱، ج ۱۴۰۸ ق. بيروت
۷۲. المهدي المنتظر، عبدالله بن محمد صديق حسنى ادريسى، متوفى ۱۳۸۰ ق. ج ۱۴۰۵ ق. بيروت
۷۳. المهدي المنتظر، بستوى، عبد العظيم - معاصر - ج ۱۴۲۰ ق. مکه معظمه
۷۴. المهدية في الاسلام منذ اقدم العصور حتى اليوم، سعد محمد حسن ازهرى، ج ۱۳۷۳ ق. مصر
۷۵. النوادر، فيض كاشاني، محمد بن مرتضى، متوفى ۱۰۹۱ ق. ج سنگي تهران
۷۶. النهاية، ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن كثير، متوفى ۷۷۴ ق. ج ۱۹۶۸ م. رياض
۷۷. امل الأمل، شيخ حرّ عاملی، متوفى ۱۱۰۴ ق. ژ ۱۳۸۵ ق. نجف الاشرف
۷۸. او خواهد آمد، على اكبر مهدي پور، چاپ دوازدهم، قم
۷۹. أخبار الدؤل و آثار الأؤل، قرمانی، احمد بن يوسف دمشقی، متوفى ۱۰۱۹ ق. ج قاهره
۸۰. بحار الانوار، علامه مجلسی، متوفى ۱۱۱۰ ق. ج بيروت

۸۱. تاریخ الاسلام، ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، متوفای ۷۴۸ ق، ج ۱۴۱۰ ق. بیروت
۸۲. تاریخ الخمیس، دیار بکری، حسین بن محمد، متوفای ۹۶۶ ق، ج ۱۳۰۲ ق. مصر
۸۳. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، احمد بن علی، متوفای ۴۶۳ ق. ج بیروت
۸۴. تاریخ دمشق، ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله، متوفای ۵۷۱ ق. ج ۱۴۲۱ ق، بیروت
۸۵. تحفة الأحوذی، مبارکفوری، ابویعلی محمد بن عبدالرحمن، متوفای ۱۳۵۳ ق، ج بیروت
۸۶. تذکرة الحفاظ، ذهبی، متوفای ۷۴۸ ق، ج ۱۳۷۶ ق، حیدرآباد دکن.
۸۷. تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی، متوفای ۶۵۴ ق. ج ۱۳۸۳ ق. بیروت
۸۸. تفسیر القرآن الکریم، ابوحمزه ثمالی، متوفای ۱۴۸ ق. ج ۱۳۷۸ ش. قم
۸۹. تفسیر فرات، فرات الکوفی - قرن سوم - ج ۱۴۱۲ ق. بیروت
۹۰. تلخیص المستدرک، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، متوفای ۷۴۸ ق. ج ۱۴۱۰ ق. بیروت
۹۱. تنقیح المقال، مامقانی، شیخ عبدالله، متوفای ۱۳۵۱ ق. ج ۱۴۳۱ ق. قم
۹۲. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق، ج ۱۴۰۶ ق. بیروت
۹۳. تهذیب الکرمال، مزی، یوسف، متوفای ۷۴۲ ق، ج ۱۴۱۳ ق. بیروت
۹۴. جامع الاصول، ابن اثیر ابوالسعادات مبارک بن محمد جزری، متوفای ۶۰۶ ق، ج ۱۴۰۰ ق، بیروت
۹۵. جزوة رابطة العالم الاسلامی. کتانی،
۹۶. حلیة الأبرار، محدث بحرانی، سید هاشم، متوفای ۱۱۰۹، ج ۱۳۵ ش. قم
۹۷. حلیة الأولیاء، ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ ق، ج ۱۳۵۷ ق، بیروت
۹۸. خریدة العجائب، ابن الوردی، سراج الدین ابوالحفص، متوفای ۷۴۹ ق، ج بیروت
۹۹. دلائل الامامه، محمد بن جریر بن رستم طبری امامی - قرن پنجم - ج ۱۴۱۳ ق، قم.
۱۰۰. دلائل النبوة، ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ ق، ج ۱۴۱۹ ق. بیروت.
۱۰۱. ذیل عقیده اهل السنة والأثر، مجله الجامعة الاسلامیة، ج دانشگاه مدینه، شماره اول، سال

۱۲. شماره مسلسل ۴۵، بن باز،
۱۰۲. رساله المهدی من آل الرسول، ملأ علی قاری، متوفای ۱۰۱۴ ق. - مخطوط -
۱۰۳. روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چ سوم، ۱۳۷۶ ق، قم
۱۰۴. روضة الواعظین، ابن قتال نیشابوری، مستشهد ۵۰۸ ق، چ ۱۴۲۳ ق. قم
۱۰۵. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، شمس الدین محمد، متوفای ۷۴۸ ق، چ ۱۴۰۱ ق. بیروت
۱۰۶. شرح المواهب اللدنیة، محمد بن عبدالباقی، متوفای ۱۱۲۲ ق.
۱۰۷. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، متوفای ۶۵۶ ق، چ قاهره.
۱۰۸. عباده، عقیده اهل السنة والاثار فی المهدی المنتظر، در ضمن مجله الجامعة الاسلامیة، چ دانشگاه مدینه، سال اول، شماره ۳، ۱۳۸۸ ق.
۱۰۹. عقد الدرر، سلمی، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، - قرن هفتم - چ ۱۳۹۹ ق. قاهره
۱۱۰. علل الشرائع، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق، چ ۱۳۸۵ ق. نجف اشرف
۱۱۱. عون المعبود، عظیم آبادی، محمد شمس الحق، چاپ ۲۰۰۲ م. بیروت
۱۱۲. عهد قدیم، کتاب اشعیا نبی، کتاب مقدس، چ ۱۹۰۴ م. لندن.
۱۱۳. عیون الأخبار، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. چ ۱۳۹۰ ق، نجف اشرف
۱۱۴. غایة المواعظ، الوسی، خیرالدین ابوالبرکات، متوفای ۱۳۱۷ ق، چ بیروت
۱۱۵. غایة المأمول، ناصف، شیخ منصور علی، متوفای بعد از ۱۳۷۱ ق، چ ۱۴۰۶ ق. بیروت
۱۱۶. غایة المرام، محدث بحرانی، سید هاشم، متوفای ۱۱۰۹، چ ۱۴۲۲، بیروت
۱۱۷. فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۱ هـ، چ ۱۳۷۹ ق. ریاض.
۱۱۸. فتح المغیث، سخاوی، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن، متوفای ۹۰۲ ق. چ قاهره.
۱۱۹. فراند السمطین، حموینی، ابراهیم بن محمد جوینی، متوفای ۷۳۰، چ ۱۳۹۸ ق. بیروت
۱۲۰. فراند فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر، مرعی بن یوسف مقدسی کرمی، متوفای ۱۰۳۳ ق. چ ۱۴۲۴ ق. قم

۱۲۱. فهرس التراث، جلالی، سید محمد حسینی، چ ۱۴۲۲ ق. قم.
۱۲۲. فیض القدیر، مناوی، محمد عبد الرؤوف، متوفای ۱۰۳۰ ق. چ ۱۴۲۲ ق. بیروت
۱۲۳. کتاب النبوة، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. چ ۱۳۸۱، تهران
۱۲۴. کتاب مقدس، چ ۱۹۰۴ م. لندن
۱۲۵. کشف الحق، خاتون آبادی، میر محمد صادق، متوفای ۱۲۷۲ ق. چ ۱۳۶۱ ش، تهران
۱۲۶. کشف الغمة، اربلی، علی بن عیسی، متوفای ۶۹۳ ق، چ بیروت
۱۲۷. کفایة الاثر، خزازه، ابوالقاسم علی بن محمد، - قرن چهارم - چ ۱۴۰۱ ق. قم
۱۲۸. کفایة المهتدی، میرلوحی، سید محمد، - قرن دوازدهم - چ ۱۴۲۶ ق. قم
۱۲۹. کلمة الامام المهتدی، شیرازی، شهید سید حسن، مستشهد ۱۴۰۰ ق. چ ۱۴۰۴ ق. بیروت
۱۳۰. کمال الدین، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق، چ ۱۳۹۵ ق. تهران
۱۳۱. کنز العمال، متقی هندی، متوفای ۹۷۵ ق، چ ۱۳۹۹ ق، بیروت
۱۳۲. لسان العرب، ابن منظور، متوفای ۷۱۱ ق، چ ۱۴۰۸ ق. بیروت
۱۳۳. لوائح الأنوار البهية، فارینی، شمس الدین محمد بن احمد سفارینی، متوفای ۱۱۸۸ ق، چ ۱۳۰۸ ق. بولاق.
۱۳۴. مجله التربية الاسلامية، آل شیخ حلقه،
۱۳۵. مجله التمدن الاسلامی، جلد ۱۶، چاپ دمشق، ۱۳۷۰ ق.
۱۳۶. مختصر بصائر الدرجات، حلی، حسن بن سلیمان - قرن هشتم - چ ۱۴۲۳ ق، بیروت
۱۳۷. مختصر سنن ابی داود، عبدالعظیم منذری شافعی، متوفای ۶۵۶ ق، چ بیروت
۱۳۸. مدينة المعاجز، محدث بحرانی، سید هاشم، متوفای ۱۱۰۹، چ ۱۴۱۳ ق. قم
۱۳۹. مرآت العقول، علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ ق، چ ۱۴۰۸ ق. تهران
۱۴۰. مرقات المفاتیح، ملا علی قاری، متوفای ۱۰۱۴ ق. چ مصر.
۱۴۱. مشارق الأنوار، حمزوی، حسن عدوی، متوفای ۱۳۰۳، چ مصر

۱۴۲. مشکات المصابیح، خطیب تبریزی، متوفای بعد از ۷۴۱ ق. چ ۱۴۱۱ ق. بیروت
۱۴۳. مصابیح السنة، بغوی، حسین بن مسعود بن محمد الفراء، متوفای ۵۱۰ یا ۵۱۶ ق. چ ۱۴۰۷ ق. بیروت
۱۴۴. مطالب السؤل، محمد بن طلحة، متوفای ۶۵۲ ق. چ ۱۴۱۹ ق. بیروت
۱۴۵. معالم السنن، الخطابی، حمد بن محمد، متوفای ۳۸۸ ق.
۱۴۶. معالم العلماء، ابن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ ق. چ ۱۳۸۰ ق. نجف اشرف
۱۴۷. معجم البلدان، یاقوت حموی، متوفای ۶۵۶ ق. چ بیروت
۱۴۸. مقتل الحسين، خوارزمی، موفق بن احمد مکی، متوفای ۵۶۸ ق. چ ۱۳۷۶ ق. نجف اشرف
۱۴۹. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ ق. چ ۱۴۱ ق. بیروت
۱۵۰. منتخب الأثر، آية الله حاج شیخ لطف الله صافی، چ ۱۴ ق. قم
۱۵۱. منتخب الأنوار المضيئة، نیلی، سید علی، متوفای ۷۹۰، چاپ ۱۴۰۱ ق. قم
۱۵۲. میزان الاعتدال، ذهبی، احمد بن عثمان، متوفای ۷۴۸ ق. چ بیروت
۱۵۳. نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر، کتانی، محمد بن جعفر فاسی، متوفای ۱۳۴۵ ق.
۱۵۴. نور الأبصار، شبلینجی، سید مؤمن، متوفای بعد از ۱۳۰۸ ق. چ بیروت
۱۵۵. ينابيع المودة، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم بلخی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ق. چ ۱۳۸۵ ش. قم

فهرست مطالب

۵	مدخل
	درس اول
۱۱	سیمای موعود در آیینه‌ی احادیث اهل سنت
	درس دوم
۱۹	سیمای موعود در آیینه احادیث اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
	درس سوم
۲۹	احادیث صحیح‌ه مهدوی از دیدگاه عامه
	درس چهارم
۴۰	تواتر احادیث مهدویت
	درس پنجم
۵۲	مناقب ویژه حضرت مهدی <small>علیه‌السلام</small> در منابع حدیثی اهل سنت
۵۲	۱. نام نامی و یادگرامی
۵۳	۲. نسب گرامی
۵۵	۳. جمال بی‌مثال
۵۶	۴. مقام عصمت
۵۷	۵. جایگاه بلند حضرت مهدی <small>علیه‌السلام</small>

۶. مقتدای مسیح ۵۸
۷. مقام شفاعت ۵۸
۸. هنگامه‌ی ظهور ۵۹

درس ششم

- دیگر مناقب ویژه حضرت مهدی علیه السلام در منابع حدیثی اهل سنت ۶۱
۹. راز بقای جهان هستی ۶۱
۱۰. مشعل فروزان الهی ۶۵
۱۱. پناه امت ۶۶
۱۲. بیعت با خدا ۶۷
۱۳. بیعت با ولی خدا ۶۷
۱۴. محبوب دل‌ها ۶۸

درس هفتم

- حضرت مهدی علیه السلام و یاران خاص در احادیث اهل سنت ۷۰
۱۵. تعداد اصحاب خاص ۷۰
۱۶. دیگر یاران ۷۱
۱۶. فتوحات ۷۲
۱۷. امدادهای غیبی ۷۴
۱۸. خشنودی همگانی ۷۷

درس هشتم

- سیره‌ی حکومتی حضرت مهدی علیه السلام از منظر احادیث اهل سنت ۸۰
۱۹. سیره‌ی حمیده‌ی حضرت مهدی علیه السلام ۸۰

۸۲	۲۰. مظهر جود خدا
۸۴	۲۱. منبع برکات
۸۶	۲۲. خوشبخت‌ترین
۸۸	۲۳. معیار شناخت
۸۸	۲۴. از تبار سالار شهیدان
۸۹	۲۵. وظیفه‌ی ما

درس نهم

۹۱	سیره حکومتی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در احادیث اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۹۱	۱. شمیم رحمت
۹۳	۲. بخشنامه‌ی جنگی
۹۵	۳. سیره حمیده حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۹۷	۴. قلّه‌ی شرافت
۹۹	۵. خشتودی همگان

درس دهم

۱۰۲	حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی
۱۰۲	۶. عدل فراگیر
۱۰۴	۷. آشتی فراملی
۱۰۴	۸. آگاهی گسترده
۱۰۵	۹. اندوخته‌ی الهی
۱۰۷	۱۰. رمز بقای جهان هستی
۱۰۸	۱۱. خورشید پنهان

- ۱۰۹ (۱۲) تنها عامل دفع بلا
- ۱۱۰ ۱۲. پناه عالمیان
- ۱۱۱ ۱۳. بیان نافذ
- ۱۱۱ ۱۴. احیاگر قرآن و سنت
- ۱۱۲ (۱۵) جایگاه بس رفیع

درس یازدهم

- ۱۱۵ کتابنامه غیبت، پیش از وقوع غیبت

درس دوازدهم

- ۱۲۳ نص صریح بر غیبت صغری و کبری